



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

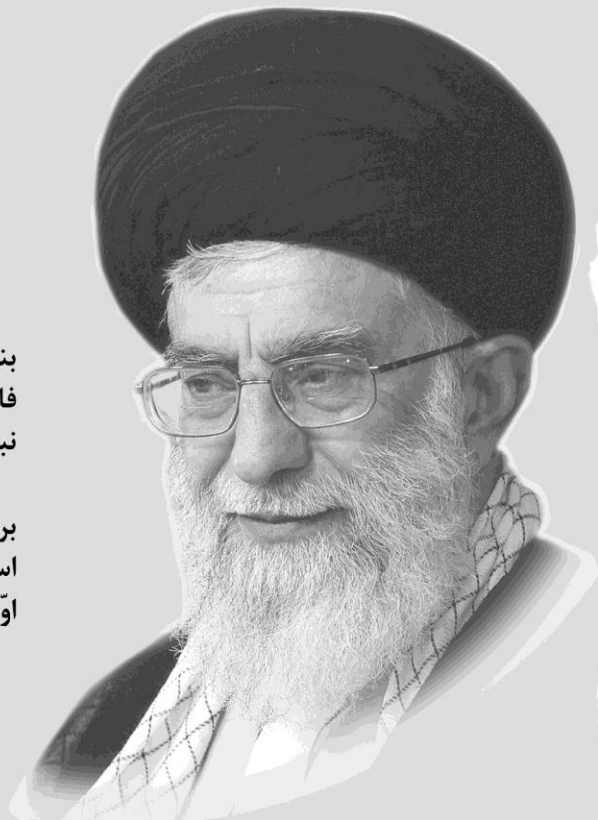
«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَانِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»



رهنمود ولایت

* ارزش فاطمه زهرا علیها السلام به عبودیت و
بندگی خداست. اگر بندگی خدا در
فاطمه زهرا علیها السلام نبود، او صدیقه کبری
نبود.

* فاطمه زهرا علیها السلام یک شخصیت
برجسته و بزرگ و طراز اول اسلامی
است؛ در حقیقت یک شخصیت طراز
اول در طول تاریخ بشر است.



■ صاحب امتیاز:

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه

■ مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

■ سردبیر: محمود مهدی پور

■ هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا، سید جواد حسینی، محمدغلامرضائی،

محمد مهدی ماندگاری، علی مختاری، حسین ملانوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی منش

■ دبیر مقالات: محمدعلی قربانی

■ امور اجرایی: مجید خلیلی

■ امور مشترکین: سید مجتبی محمودی

■ ویراستار: سید جمال الدین نصیری

■ تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه



نشانی: قم، ۴۵ متری صدوق، ۲۰ متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ، دفتر مجله میغان.

نمبر: ۳۲۹۱۴۴۶۶

تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰

۳۷۱۸۵ / ۸۶۸

- مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان آن است.
- حجم مقالات از ۱۲ صفحه دست‌نویس فراتر نرود.
- مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می‌شود.
- نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

مبلغان

۱۷۶

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

جمادی الثانی ۱۴۳۵ق

فروردین - اردیبهشت ۱۳۹۳ش



۱	رهنمود ولایت	
	سر مقاله	
۳	* اصلاح برخی تفکرات در زندگی فردی و اجتماعی محمدحسن نبوی	
	قرآن و حدیث	
۶	* پرتوی از آیه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی استان قم	
	تاریخ و سیره	
۱۱	* آیه تطهیر، برهان عصمت اهل بیت (علیهم السلام) محمداسماعیل نوری	
۲۵	* احسان و نیکوکاری در قرآن و سنت (۲) محمد مهدی فجرى	
۳۹	* دشمنان فرهنگی امامان شیعه (ع) (۴) سید محمد امام (جزایری)	
	اخلاق	
۵۴	* دروغ، رذیله بزرگ اخلاقی (۴) علی مختاری	
	سوژه‌های سخن	
۶۱	* فلسفه نماز در فرهنگ اسلامی محمداسماعیل عبداللهی	
	رهنمودها و خبرها	
۷۳	* فضائل فاطمه زهرا (علیها السلام) در کلام مقام معظم رهبری (علیه السلام)	
۸۲	* خبرها و هشدارها	
	اسوه‌ها	
۸۶	* باغبان بوستان فضیلت (۲)، سیری در زندگی آیت الله خوشوقت (علیه السلام) غلامرضا گلی زواره	
	خاطرات و تجارب	
۱۰۰	* جداسازی کودکان از مادران در مراسم مذهبی محمدجواد محمدیاران	
	گزارش و مصاحبه	
۱۰۶	* مصاحبه با زائری آزاد شده از دست مخالفان دولت سوریه جواد اسماعیلی	
۱۱۰	* گفتگو با اسماعیل سویوک» از فعالان شیعی کشور اتریش داود بهلولی	
	کلشن احکام	
۱۱۷	* سفر در آینه احکام (۲) سید جعفر ربانی	
	کوناگون	
۱۲۴	* انسان ۲۵۰ ساله سید جواد حسینی	
۱۴۰	* پرسشنامه	

اصلاح برخی تفکرات در زندگی فردی و اجتماعی



محمد حسن نبوی



می‌توان بعد. برخی از رفتارهای امروزی ما ریشه در تفکرات مکاتب غربی همچون ماتریالیست دارد و حال که دین مبین اسلام و مذهب تشیع به کلی این رفتارها را نفی کرده و سعادت بشری را در گرو پیروی از تعالیم و آموزه های الهی می‌داند که بر پیامبر گرامی اسلام - نازل و ائمه معصومین) پس از اتمام رسالت، در مسیر تبلیغ آن معارف، جان خود را فدا کرده‌اند. از باب نمونه به آیه ذیل توجه نمائید: قرآن مجید می‌فرماید: [وَلَا تَقْتُلُوا

در دیای نبوی، اکثریت تفکرات جهانی و هم و غم ساکنین کره خاکی، به سمت اندیشه های مکاتب مادی و پیروان مکاتب مادی جهان امروز می‌باشد. ماتریالیست ها، پوزیتیویست ها، سوفیست ها و... هرکدام در عرصه زندگی بشری، اندیشه‌هایی دارند که در اینجا فرصت پرداختن به آنها نیست؛ برخی از این تفکرات، وارد حوزه باورها و اعتقادات دینی مردم شده و مردم از آنها اطلاع چندانی ندارند و به عبارتی واضح تر

به سمت دین و اجرای برنامه های دینی است و گزینه دوم، از جمله تفکرات کسانی است که رفتارها و اعتقادات آنها از حوزه تعالیم دینی خارج شده و به سمت تعالیم غیر الهی کشیده شده است و به عبارتی دیگر تمام هم و غم این افراد، دینداری در جایگاه دوم قرار دارد.

بایستی در ورود حرکات و تفکرات ماتریالیستی در زندگی فردی و اجتماعی دقت کرد و در همه احوال مراقب بود که بیماری پول به دین ما و باورهای ما رسوخ نکرده و آرام آرام جای توکل بر قدرت لایزال الهی را

أَوْلَادِكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِن قَتَلْتَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً [؛ «و از بیم تنگدستی فرزندان خود را نکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.» آیه شریفه بر این نکته تصریح دارد که رزق و روزی شما بندگان، بر عهده خداوند متعال است و خداوند تبارک و تعالی آن را ضمانت کرده است؛ حال در عرصه تفکر و اندیشه، می بینیم که دو نوع نگاه به این آیه وجود دارد:

نگاه اول: اعتقاد به آن و قبول کردن قول و وعده الهی؛
نگاه دوم: عدم اعتقاد و باور به وعده الهی و توجه دادن به این نکته که در آمد ما کاملاً معلوم است و این در آمد کفاف خرج فرزند را نمی دهد.
گزینه اول، از معتقدات افرادی است که تمام هم و غمشان

در ذهن ما نگیرد

امام صادق% در این رابطه می‌فرماید:
«مِنْ صِحَّةِ بَقِيْنِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا يَلُومَهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِهِ اللَّهُ فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حِرْصٌ حَرِيصٍ وَلَا يَزِدُّهُ كِرَاهِيَةٌ كَارِهِ وَلَا يُؤْتِي أَحَدَكُمْ فَرًّا مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لِأَذْرَكَهُ رِزْقُهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ»^۱ از صحت یقین مرد مسلمان آن است که مردم را با خشم و غضب الهی راضی نمی‌کند، و اگر خداوند چیزی به او نداده مردم را مورد سرزنش قرار ندهد. همانا حرص حریصان روزی را جلب نمی‌کند و کسی هم که از روزی اکراه داشته باشد، رزق او رد نمی‌شود، اگر کسی از شما از روزی خود فرار کند همان گونه که از مرگ فرار می‌کند روزی به او می‌رسد همان گونه که مرگ او را در

می‌یابد. « این روایت به این نکته اشاره می‌کند که اعتقاد و باور به آموزه های دینی با برخی اندیشه های مادی که گاهی در فرهنگ ما رسوخ کرده سازگاری ندارد.

حال جایگاه عالمان دینی مشخص می شود آنان باید نگاه مردم را عمق بخشیده از مادیات و محاسبه های دنیوی بدون قدرت لایزال الهی دور دارند.

امام صادق % از حضرت عیسی بن مریم % می‌فرماید:

«الدِّينَارُ دَاءٌ الدِّينِ وَ الْعَالَمُ طَبِيبُ الدِّينِ فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّبِيبَ يَجْرُ الدِّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَاتَّهَمُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لِعَیْرِهِ»^۲

دینار (پول)، بیماری دین و آئین است، و عالم و دانشمند، طبیب و پزشک دین است، پس هر گاه دیدید طبیب درد را بسوی خود می‌کشد، به او بدگمان شوید، و

۱. کافی، کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷.

۲. خصال، شیخ صدوق، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۱۳.

بدانید او نمی تواند
دیگران را پند دهد
(زیرا اگر پند دهنده
بود نخست خود را پند
می داد و طبق گفتارش
رفتار می نمود).»
با توجه به مطالب
پیشین و نیز سایر
روایاتی که به طرد
تفکرات مادی
می پردازند، بایستی
در ورود حرکات و
تفکرات ماتریالیستی
در زندگی فردی و
اجتماعی دقت کرد و
در همه احوال مراقب
بود که بیماری پول
به دین ما و باورهای
ما رسوخ نکرده و
آرام آرام جای توکل
بر قدرت لایزال الهی
را در ذهن ما نگیرد.





معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه استان قم

۲. حضرت امام باقر^ع فرمود: «وَنَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ الطَّرِيقُ وَصِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ؛ ما اهل بیت، برگزیدگان خدا و راه آشکار و صراط مستقیم هستیم.»

۳. امام صادق^ع فرمود: «وَاللَّهُ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ؛ به خدا سوگند! ما صراط مستقیم هستیم.» هم چنین فرمود: «صراط مستقیم، امیرالمؤمنین، علی^ع است.»

حکایت مربوط به آیه ابو وائل از صحابه پیامبر اکرم - نقل

در ادامه مباحث تفسیر سوره مبارکه حمد که در شماره های گذشته ارائه شد، اکنون به یکی دیگر از این مباحث می پردازیم.

روایات مربوط به آیه روایات زیادی در رابطه با تعیین مصادیق دقیق صراط مستقیم وارد شده است که بعضی از آنها را ذکر می کنیم:

۱. محدث حنبلی از ابو برید سلمی از پیامبر- نقل کرده است که ایشان فرمودند: «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُوَ صِرَاطُ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ راه مستقیم، راه محمد و آل محمد -

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۶، ص ۲۴۸، باب ۵.

ما از خداوند متعال است. از طرفی دیگر از جمله مستحباتی که در اسلام بر روی آن تأکید بسیاری شده است، خواندن ۱۷ رکعت نماز یومیه به جماعت است. و این نشان می‌دهد در حرکت معنوی هم وقتی اجتماعی است، حضور امام و رهبری ضروری است و امام ج ماعت باید عادل باشد.

اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند باید یاد بگیرد؛ ولی اگر کلمه ای را که وقف کردن آخر آن جایز است و همیشه بر آن وقف می کند، یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست. همچنین اگر نداند مثلاً

کلمه ای به «س» است یا به «ص» باید یاد بگیرد و چنانچه دو ج وریا بیش تر بخواند، مثل آنکه در

[إِهْدِنَا الصِّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ] مستقیم را یک مرتبه با سین و یک مرتبه با صاد بخواند، نمازش باطل است؛ مگر آنکه هر دو جور قرائت شده باشد

می‌کند که روزی ایشان دو خط کشید، یکی در سمت چپ خود و دیگری در سمت راست خود. پس از آن فرمود: «هَذِهِ **السُّبُلُ**؛ این راه هاست» و بر سر هر راهی شیطانی نشسته و می‌گوید: به سمت من بیایید. آن‌گاه خطی برابر روی خود کشید و فرمود: این راه خداست!

نکته تفسیری آیه

چرا «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؟

چون با کمک از او و عبودیت او حتماً به راه مستقیم راه می‌یابیم. در سوره مبارکه یاسین آیه ۶۱ آمده: [وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ] و تجلی آن در علی % است.

نکته فقهی و احکام

مصدق واقعی صراط مستقیم، حضرات چهارده معصوم (

می‌باشند و پ‌یروی از آنها درخواست روزانه

۱. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی %، مشهد، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۵۳.

خداست، یا اینکه راه‌های متعدّد دیگری نیز می‌تواند انسان را به خدا برساند؟ به بیان دیگر آیا تشیّع، تنها راه رسیدن به خداست، یا اینکه با پیروی از ادیان، مذاهب و عقاید دیگر نیز می‌توان به خدا رسید؟ یعنی فرقی نمی‌کند که انسان، شیعه یا سنی یا مسیحی و یا یهودی و یا بودایی و یا هندو و یا معتقد به ادیان و مذاهب دیگر باشد.

این اعتقاد که برای اولین بار، جان هیک در قرن بیستم، آن را در مسیحیت مطرح کرد، در این چند سال اخیر از جانب عبد الکریم سروش، با عنوان «صراط‌های مستقیم» تبلیغ می‌شد. بر اساس این اعتقاد، همه ادیان و مذاهب، گرچه باطل باشند، رگه‌ای از حقیقت در آنها موجود است و آنان برحق‌اند؛ پس پیروی از دین خاصی لازم نیست.

و به امید رسیدن به واقع بخواند.^۱

نکته اخلاقی

اگرچه انسان بر اساس فطرت خدادادی خود به انجام کارهای نیک و اخلاقی تمایل دارد؛ ولی این کارها اکتسابی هستند و برای به دست آوردن آنها باید زحمت کشید. چه خوب است انسان، هنگامی که نماز می‌خواند و یا در هر حال معنوی دیگری به **[إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ]** که می‌رسد، هدایت به راه مستقیم اهل بیت (را بخواهد؛ به ویژه متخلّق شدن به اخلاق الهی آن بزرگوار را هم از خداوند متعال بخواهد؛ یعنی خود را در همه حال و همه امور، نیازمند به هدایت الهی و حضرات معصومین) بداند.

نکته اعتقادی

آیا صراط مستقیم تنها راه رسیدن به

۱. توضیح المسائل مراجع، محمد حسن بنی هاشمی خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۲ ش، مسئله ۱۰۰۲.

قائل نمی شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ پس مسلمان واقعی، یهودی واقعی و مسیحی واقعی هم تسلیم خدایند. ۴. ممکن است که ادیان و مذاهب گوناگون، رگه های رقیق و کمرنگی از حقیقت را با خود به همراه داشته باشند؛ اما آن مقدار از حقایق کجا و معارف عظیم اسلامی شیعی کجا؟ این نکته را کسی که با معارف ادیان گوناگون آشنایی داشته باشد، به خوبی در می یابد. این درست مثل آن است که چشمه گوارای خنک را رها کنیم و به یک لیوان آب گرم آلوده پناه بریم و بهانه ما این باشد که هر دو آب دارند؛ اما این کجا و آن کجا. **پرسش و پاسخ**
ما چه خواهیم و چه نخواهیم، چه دعا کنیم و چه دعا نکنیم، خداوند متعال، ما را هدایت می کند؛ همچنان که در آیه ۳ سوره مبارکه

در پاسخ به این فکر غلط، چند نکته قابل ذکر است:
۱. واژه صراط مستقیم به صورت مفرد وارد شده است؛ یعنی صراط مستقیم، فقط یکی است و صراطهای مستقیم، مفهومی غلط و نادرست است.
۲. دین واقعی نزد خداوند متعال، اسلام است: **[إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ]**.
۳. دین اسلام در بردارنده تمامی ادیان الهی پیش از خود است، نه نفی کننده آنها. در سوره بقره آیه ۱۳۶ چنین می خوانیم: **بگویند: ما به خدا ایمان آورده ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردیده و به آنچه به موسی، عیسی و پیامبران از طرف پروردگارتان داده شده است.** در میان هیچیک از آنها جدایی

هدایت یافته اند،
می‌افزاید.»
(ج) خداوند متعال،
نامحدود و
بی‌انتهاست، به همین
علت، حرکت به سوی او
که با هدایت به صراط
مستقیم صورت می‌پذیرد
نامحدود خواهد بود؛
پس تا زنده ایم باید
بگوییم و از او
بخواهیم که [اِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ].
(د) هدایت نظری و
جعل قوانین درست،
کار خداست؛ ولی عمل
به قانون الهی،
درخواست توفیق از او
را لازم دارد.
مطالب جذاب
۱. جریان نیاز
دائمی انسان به
هدایت الهی مانند
نیاز دائمی لامپها و
مهتابیها و
نورافکنهای روشن به
منابع تولید برق است
که اگر لحظه ای
ارتباط این وسایل با
آن منابع قطع شود،
خاموش می‌شوند و از
نورافکنی باز
می‌مانند.
همچنان‌که می‌دانیم
و در علم هندسه نیز
به آن اشاره شده

دهر چنین می‌خوانیم :
[إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ
إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا
كُفُورًا]؛ «ما راه را
به انسان نشان
می‌دهیم؛ چه شکر کند
یا کفر ورزد .» پس
دعا کردن در باب
هدایت و هدایت الهی
خواستن چه معنایی
دارد؟ آیا تحصیل
حاصل نیست؟ آیا این
ادعا بیهوده نیست؟
پاسخهای این شبهه
به قرار زیر است:
الف (انسانها
همیشه در معرض خطا و
لغزش‌اند و ممکن است
هر لحظه، این هدایت
از آنها گرفته شود؛
پس باید همه روزه، آن
را از خدا درخواست
کرد.
ب) صراط مستقیم و
هدایت به آن درجاتی
دارد و ما هر روز با
طلبیدن ه دایت به
صراط مستقیم، درجات
بالاتر آن را
می‌طلبیم. خداوند
متعال در آیه ۷۶
سوره مبارکه مریم
می‌فرماید: [وَيَزِيدُ اللَّهُ
الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى]؛
«خداوند همواره بر
هدایت انسانهایی که

درخواست می کنند که
اکتسابی است و فاقد
آن هستند. هر چه این
احساس نیاز، شدید تر
باشد، قدرت جذب
معنوی انسان بیش تر
است. ای ن مسیر تا
جایی ادامه می یابد
که انسان در مقابل
بی نیاز مطلق، خود را
نیازمند مطلق می یابد
و ذره ذره به درجات
بالای هدایت به صراط
مستقیم دست می یابد و
از آنجا که اهل بیت (ع)
مصدق واقعی صراط
مستقیم هستند، تمسک
به آنان، انسان را
از خطر خروج از خط
مستقیم باز می دارد.
ادامه دارد...

است، نزدیک ترین
فاصله میان دو نقطه،
خط مستقیم است. بر
این اساس، راحت ترین
و نزدیک ترین راه
رسیدن به خدا، همان
صراط مستقیم است که
حضرات اهل بیت (ع)
می باشند.
راهکار به دست آمده از
آیه

دعا یکی از بهترین
راه های ارتباط با
خداوند متعال است.
در اهمیت آن، همین
بس که حدود نیمی از
سوره حمد - که
مهم ترین سوره قرآن و
بدون آن نماز باطل
است - شامل دعای
بندگان در مقابل
معبود متعال است.
محتوای دعای سوره
حمد نیز مهم ترین
چیزی است که انسان
به آن نیاز دارد:
هدایت به صراط
مستقیم. این درخواست
دائمی به صراط
مستقیم که همه روزه
توسط بندگان خدا
صورت می پذیرد، باید
با توجه و احساس
نیازمندی به معبود
متعال انجام گیرد؛
زیرا چیزی را



ی

این آیه، در بیست و چهارم ذی الحجه نیز گفته شده است.^۳
 با توجه به نظر علامه سید جعفر مرتضی عاملی - که معتقد بر نزول مکرر این آیه می‌باشد - می‌توان گفت که هر دو تاریخ مزبور در مورد نزول این آیه، صحیح می‌باشد.

۲. تقویم شیعه، عبد الحسین نبشاپوری، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۷۹.

۳. درسنامه ایام غدیریه، گروه پژوهش غدیریه، نشر عطر عترت، قم، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ ش، ص ۸۲.

۴. ر.ک: اهل بیت (در آیه تطهیر، سید جعفر مرتضی عاملی، ترجمه: محمد سپهری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ص ۸۹ تا ۹۱.

ماه جمادی الثانیه، از چند جهت با حضرت زهرا & ارتباط دارد، نخست ولادت با سعادت آن بانو که در بیستم این ماه واقع شده، و دیگر شهادت آن حضرت در سوم این ماه بوده است.

همچنین در ای ماه، آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) در شأن ایشان و پدر، شوهر و فرزندان بزرگوارانشان نازل

۱. مسار الشیعه، شیخ مفید، دارالمفید، بیروت، ۱۹۹۳ م، ص ۳۱؛ و توضیح المقاصد، شیخ بهایی، ص ۱۲ و ۱۴ (۵۲۵) و (۵۲۶)، هر دو کتاب در ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ ق.

که با خطاب [يَا أَيُّهَا
النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ...]
شروع نموده است، پس
از مخیر ساختن آنان
میان زینت دنیا و
آخرت، و با خطاب
جدید [يَا نِسَاءَ
النَّبِيِّ...]: ادامه
داده و پس از بیان
شش دستور، (مربوط به
کیفیت سخن گفتن و
محتوای سخن، رعایت
عفت و حجاب، اقامه
نماز، ادای زکات و
اطاعت از خدا و
رسولش)، لحن آیه را
تغییر داده،
می‌فرماید: [إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيراً]؛ «خدا فقط
می‌خواهد پلیدی و
گناه را از شما اهل
بیت دور کند و کاملاً
شما را پاک سازد.»
کلمه «إِنَّمَا» از
ادات حصر است و بر
انحصار ارادة خدا بر
تطهیر و دور کردن
پلیدی دلالت دارد. و
کلمه «أَهْلَ الْبَيْتِ»
خواه برای «اختصاص»
باشد - که تقدیرش
می‌شود «أَخْصُ أَهْلَ
الْبَيْتِ» - خواه برای
مدح - که تقدیرش

در هر صورت، مهم
مضمون آیه، و دلالت
آن بر عصمت اهل بیت (و
تعیین مصادیق اهل
بیت) می‌باشد که در
این مقاله بصورت
گذرا مورد بررسی
قرار می‌گیرد.
درباره «آیه»
تطهیر» مسائل بسیاری
از صدر اسلام تاکنون،
از طرف علمای عامه و
خاصه در ضمن کتابهای
تاریخی، تفسیری و
حدیثی به صورت مستقل
مورد بحث و بررسی
قرار گرفته است، لذا
در یک مقاله نمی‌توان
آن را به طور کامل
بررسی کرد و حق مطلب
را ادا نمود.
از این‌رو، به برخی
از مطالب مهم این
آیه شریفه اشاره
اجمالی خواهیم کرد.
مضمون آیه تطهیر
خدای حکیم، در میان
آیات مربوط به
همسران پیامبر اسلام -

۱. یکی از فضیله معاصر، در
این باره کتاب مستقل (۸۴۰
صفحه‌ای) نوشته و در مقدمه
آن از بیست و دو کتاب
مستقل درباره آیه تطهیر
نام برده است. (پژوهشی
جدید درباره آیه تطهیر،
عبد الرحمن باقرزاده،
بوستان کتاب، قم، چاپ دوم،
۱۳۹۲ ش، ص ۲۸ تا ۳۰).

«أَغْنِي أَهْلَ الْبَيْتِ»
 باشد - و یا به
 عنوان «منادای مضاف»
 دلالت دارد بر اینکه
 دوری از پلییدی و
 تطهیر مختص به کسانی
 است که مخاطب کلمه
 «عنکم» می‌باشند.
 بنابراین، در آیه
 شریفه دو نوع «حصر»
 وجود دارد: نخست
 انحصار ارادة خدا در
 تطهیر و دور کردن
 پلییدی، و دیگری
 انحصار این تطهیر در
 مورد «اهل البيت»
 است.^۱
 جمله «يُرِيدُ اللهُ»
 اشاره به ارادة
 تکوینی خدا دارد
 وگرنه ارادة تشریعی
 (لزوم پاک نگهداشتن
 خویش) به اهل بیت ()
 اختصاص ندارد و تمام
 مردم، بدون استثناء و
 به حکم شرع، موظفند
 از هرگونه گناه و
 پلییدی پاک باشند.^۲
 واژه «رجس» در لغت

به معنی شيء آلوده و
 ناپاک است، خواه از
 نظر طبع آدمی آلوده
 و منفور باشد، یا به
 حکم عقل یا شرع، و
 غیر اینها.^۳
 و اینکه در برخی
 عبادات، «رجس» به
 معنی «گناه»، «شرك»،
 «اعتقاد باطل» یا
 «بخل و حسد» تفسیر
 شده، که بیان
 مصداق‌هایی از آن
 مفهوم گسترده است.
 با توجه به اینکه
 کلمه «الرجس» با الف
 و لام جنس آمده است،
 معنی عموم را
 می‌رساند، و هرگونه
 آلودگی، پلییدی و
 گناه را شامل
 می‌گردد؛ چرا که هر
 گناهی رجس و پلییدی
 است، لذا مفهوم آیه
 چنین است: خدا اراده
 کرده است هر
 آلودگی‌ای را از اهل
 بیت دور سازد.

جمله «وَيُطَهِّرُكُمْ»
تَطْهِيراً «با توجه به
 معنی «تطهیر» - که
 پاک ساختن است -
 تأکید مجددی است بر
 مسئله نفي رجس و

۱. المیزان في تفسير

القرآن، محمد حسين
 طباطبائي، مؤسسة اعلمي،
 بيروت، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ق،
 ج ۱۶، ص ۳۰۹.

۲. تفسير نمونه، مكارم
 شيرازي و همكاران، دار
 الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ
 بيست و سوم، ۱۳۸۴ ش، ج ۱۷،
 ص ۳۱۵.

۳. مفردات الفاظ القرآن،
 راغب اصفهاني، دار القلم،
 دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق،
 ص ۳۴۲، «رجس».

مخاطب آیه تطهیر
از ملاحظه آیات قبل
و بعد (از آیه ۲۷ تا
۳۷) روشن می‌گردد که
مخاطب این آیه
پیامبر اسلام - است؛
زیرا در آیات مذکور،
خدای سبحان به
پیامبرش فرمان داده
است زنان خود را بین
دو چیز مخیر سازد؛
بین خدا و رسول او،
و زندگانی دنیا
همراه با زیب و زینت
آن.

و دوباره فرمان
داده، بگو [یا نِسَاءَ
لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ] [و به دنبال آن
دستوراتی صادر
فرموده تا پیامبر به
همسران خود ابلاغ
نماید، و در ادامه
آن، کلام خود را با
پیامبر- و بیت رسالت
پی می‌گیرد و آیه
تطهیر را نازل
می‌فرماید. معلوم
می‌شود که مخاطب آیات
یازده‌گانه ای که آیه
تطهیر نیز جزئی از
آنهاست، شخص پیامبر -
است.

ممکن است گفته
شود: آیه «یا نِسَاءَ
النَّبِيِّ...» خطاب
مستقیم به زنان
پیامبر- است! در پاسخ

پلیدیها که در جمله
[لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ]
آمده است، و کلمه
«تطهیراً» که به
اصطلاح نحو بودن
«مفعول مطلق» است،
باز هم تأکید دیگری
بر این معنی است.
در نتیجه خداوند -
با انواع تأکیدها -
اراده فرموده است که
اهل بیت را از
هرگونه پلیدی و گناه
پاک و مبرا سازد، و
چون اراده الهی
تخلف‌ناپذیر است و
جمله [إِنَّمَا يُرِي دُ اللَّهِ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ]
دلیل بر اراده حتمی
او می‌باشد، روشن
می‌شود که طبق اراده
قطعی و حتمی خدا اهل
بیت از هرگونه رجس و
پلیدی پاک شوند، و
این همان مقام عصمت
است. پس این آیه،
یکی از دلایل روشن و
قطعی عصمت اهل بیت (ع)
می‌باشد. ←

۱. ر. ک: المیزان، طباطبایی، ج ۱۶، ص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۷، ص ۳۱۶ - ۳۱۷ و ۳۲۰؛ پیام قرآن، مکارم شیرازی و همکاران، مطبوعاتی هدف، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش، ج ۹، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

بیت می‌باشند؟ به شدت مورد اختلاف است و درباره آن اقوال مختلفی نقل شده است. علامه سید جعفر مرتضی عاملی، هفت قول را در این باره نقل کرده، سپس مجموع آن اقوال را در سه قول زیر خلاصه کرده است:

۱. مقصود از اهل بیت، زنان پیامبرند؛ البته صاحبان این قول، اختلاف دارند که مقصود از اهل بیت، فقط زنان پیامبرند یا اصحاب کساء^۳ یا سایر بنی هاشم و یا افراد دیگر؟

۲. منظور، خویشاوندان نسبی پیامبر از بنی هاشم هستند؛ یعنی کسانی که صدقه بر آنان حرام است.

۳. منظور، فقط اصحاب کساء، و طبق تصریح برخی از روایات، سایر امامان دوازده‌گانه نیز به آنان افزوده می‌شوند.^۴

آیه تطهیر از نگاه

۳. پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین) است.
 ۴. اهل بیت در آیه تطهیر، ص ۱۶ تا ۲۰.

می‌گوییم: به فرض که خطاب آن و جملات بعد از آن، به زنان پیامبر - باشد، باز خلاف مطلب فوق نیست؛ زیرا این تغییر مخاطب از باب «التفات» می‌باشد؛^۱ بدین‌گونه که در آغاز آیات فوق، خطاب به شخص پیامبر - است، بعد خطاب به زنان حضرت، سپس از آیه تطهیر تا پایان آیه سی و هفتم، بر سبیل «التفات» به پیامبر - خطاب شده است.

بنابراین، در هر دو فرض، فقط مخاطب آیه تطهیر شخص پیامبر اکرم - خواهد بود.

مصادیق اهل بیت

شکی نیست که در درجه اول شخص پیامبر - مشمول عنوان «اهل البیت» می‌باشد؛ اما غیر از پیامبر - چه کسانی از مصادیق اهل

۱. التفات؛ تغییر سیاق کلام از غیبت به خطاب یا متکلم و بالعکس و یا از مخاطبی به مخاطب دیگر است، همان‌گونه که در سوره «حمد» از غیبت به خطاب (إِیَّاكَ تَعْبُدُ) التفات شده است.
 ۲. اهل بیت در آیه تطهیر، سید جعفر مرتضی عاملی، ص ۴۵ تا ۴۹.

پیامبر-

روایت از ضحاک بن مزاحم و یک روایت از زید بن ارقم است.^۳
فخر رازی (مفسر معروف اهل سنن ت) در تفسیر آیه ۶۱ آل عمران، پس از نقل جریان مباحثه، به گرد آمدن اهل بیت زیر کساء پرداخته، می‌گوید: روایت شده است: هنگامی که پیامبر اسلام- آن عباي پشمي سیاه را پوشید حسن، حسین، فاطمه و علی را به ترتیب به زیر عبا وارد کرد و این آیه را تلاوت نمود: [إِنَّمَا يُرِي دُ اللَّهِ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً]، سپس اضافه می‌کند: «واعلم أن هذه الرواية كالتفريق على صحتها بين اهل التفسير والحديث؛ بدان که این روایت از روایتهای مورد اتفاق بین اهل تفسیر و اهل حدیث می‌باشد.»^۴

بدون شك رسول خدا - آگاه ترین مردم به قرآن و اشارات و اهداف آن می‌باشد. از آن حضرت روایات فراوانی نقل شده است که عنوان «اهل البيت» را به اصحاب کساء تفسیر فرموده و این روایات، با عبادات مختلف از طریق شیعه و سنی به حد تواتر معنوی رسیده است.^۱

تنها «حاکم حسکانی» در این زمینه ۱۳۸ روایت نقل کرده است.^۲ همچنین «جلال الدین سیوطی» در این باره هجده روایت نقل کرده است که پنج روایت از ام سلمه، سه روایت از ابو سعید خدری، یک روایت از عایشه، یک روایت از انس، دو روایت از ابن عباس، دو روایت از ابی الحمراء، یک روایت از واثله بن اسقع، یک روایت از سعد، یک

۳. الدر المنثور في تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، چاپ ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۹۸ تا ۱۹۹.

۴. مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر الدین رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۲۴۷.

۱. همان، صص ۲۳ - ۲۵.
۲. ر. ک: شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، عبیدالله بن احمد حسکانی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۸ تا ۱۴۰.

اگرچه فخر رازی، همسران پیامبر را از اهل بیت شمرده است؛ ولی خود آنان در ضمن نقل روایاتی اعتراف کرده‌اند که مشمول عنوان «اهل البیت» مذکور در آیه تطهیر نیستند.^۳

نظام الدین نیشابوری در تف سیر آیه تطهیر، شمول عنوان «اهل البیت» را بر شخص پیامبر -، فاطمه، حسن و حسین (یقینی و مورد اتفاق دانسته و بر علی % نیز مطابق قول صحیح می‌داند؛ ولی شمول آن بر همسران پیامبر را به صورت احتمال و ظنی معرفی کرده است.^۴ الوسی (از مفسران اهل سنت) در تفسیر آیه تطهیر، پس از نقل چند روایت در این مورد می‌نویسد:

«واخبار ادخاله علیاً و فاطمة و ابنيهما تحت الكساء، و قوله عليه الصلاة والسلام «اللة مة ولاء آة ل بئتی» و دعاؤه لهم و عدم ادخال

نظام الدین نیشابوری (از مفسران اهل سنت) نیز همین روایت را از عایشه نقل کرده و سپس او نیز مثل فخر رازی گفته است: «و هذه الرواية كالمتمم فق علی صحتها بین اهل التفسیر و الحدیث».

فخر رازی در تفسیر آیه تطهیر می‌گوید: «و اختلف الاقوال فی اهل البیت، و الأولى ان يقال: هم اولاده و ازواجه و الحسن و الحسين منهم و علی منهم لانه كان من اهل بیته بسبب معاشرته ببنت النبی و ملازمته للنبی؛^۲ درباره اهل بیت، اقوال مختلفی وجود دارد؛ ولی بهتر آن است که گفته شود: اهل بیت عبارتند از فرزندان و همسران پیامبر و حسن و حسین و علی نیز به خاطر ملازمت با پیامبر و معاشرت با دختر او از اهل بیت پیامبر - بود.»

۱. غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدین حسن بن محمد نیشابوری، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۷۸.
۲. مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۶۸.

۳. در صفحات آینده به برخی از این روایات، اشاره خواهد شد.

۴. غرائب القرآن، نیشابوری، ج ۵، ص ۴۶۰.

المتواترة معنی، اتفقت
الامّة علی قبوله، فهم
بین من یحتجّ به
کالشیعة و مؤوّل له
کغیرهم و التأویل فرع
القبول؛ حدیث کساء از
احادیث صحیح مستفیض؛
بلکه متواتر معنوی
است که امت اسلام بر
قبول آن اتفاق نظر
دارند. بعضی از
مسلمانان م ثل شیعه
با آن احتجاج کرد. و
بعضی دیگر مثل غیر
شیعه آن را تأویل
میکنند. روشن است که
تأویل و توجیه یک
حدیث، فرع بر قبول
آن است... و در
ادامه این سخن،
اسامی گروهی از
حافظان قائل به صحت
حدیث کساء و گروهی
از روایان را ذکر
کرده است.^۲
علمای اهل سنت و مخاطبان
آیه تطهیر
اختصاص آیه تطهیر
به خمسة طیّبه و عدم

أمّ سلمة اکثر من أن
تحصى و هی مخصّصة لعموم
اهل البيت بأی معنی
كان البيت فامراد بهم
من شملهم الكساء و لا
یدخل فیهم ازواجه^۱؛
روایات مربوط به
وارد نمودن پیامبر -،
علی، فاطمه و دو
فرزندشان را زیر
عباء و فرمایش آن
حضرت: «خدا یا! اینها
اهل بیت من هستند»،
و راه ندادن «أمّ
سلمه» به زیر عباء،
بیش از آن است که به
شمارش آید، و همین
روایات، موجب تخصیص
عموم «اهل البيت»
می شود - بیت به هر
معنی که باشد - پس
منظور از «اهل
البيت» همان کسانی
هستند که عبا بر
آنان کشیده شد و
همسران پیامبر در
این عنوان داخل
نمیباشند.»
ابو بکر حضرمی
شافعی نیز درباره
«حدیث کساء» میگوید:
«إنّ ه من الاحادیث
الصحیحة المستفیضة

۲. ر. ک: احقاق الحق و
ازهاق الباطل، قاضی نور الله
حسینی مرعشی شوشتری با
تعلیقات سید شهاب الدین
نجفی، کتابخانه مرعشی
نجفی، قم، بیتا، قم، بیتا،
ج ۲، ص ۵۳۷؛ پژوهشی جدید
درباره آیه تطهیر، عبد
الرحمن باقرزاده، بوستان
کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۲
ش، ص ۳۵۳ - ۳۵۴.

۱. روح المعانی فی تفسیر
القرآن العظیم، سید محمود
آلوسی، دار الکتب العلمیه،
بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق،
ج ۱۱، ص ۱۹۵.

مشارکت کسی با آنان در این فضیلت بزرگ، از مطالبی است که علاوه بر پیروان مذهب حق تشیع، بسیاری از علمای اهل سنت نیز آن را قبول نموده و روایات مربوط به آن را در کتابهای خود آورده اند که به برخی از آنها اشاره شد.

لازم به ذکر است که یکی از علمای معاصر متن کلمات سی و هفت نفر از علمای اهل سنت را در این مورد، با ذکر مأخذ آنها نقل کرده است.^۱ ذکر چند نمونه از سخنان برخی از بزرگان شیعه در اختصاص آیه تطهیر به خمسه طیبه):

۱. قاضی نور الله شوشتری در تفسیر آیه تطهیر می نویسد: «اجمع المفسر ون و روی الجمهور كأحمد بن حنبل و غیره: انها نزلت فی علی و فاطمة و الحسن و الحسين)؛ مفسران اجماع نموده اند و جمهور (علمای عامه) از قبیل احمد بن

حنبل و دیگران روایت کرده اند که این آیه درباره علی، فاطمه، حسن و حسین) نازل شده است.»^۲

۲. آیت الله مرعشی نجفی در توضیح عبارت فوق می نویسد: «ان شمول الآیة لعلی و فاطمة والسبطین متفق علیه بین الفرقین...؛

با شمول این آیه بر علی، فاطمه و دو سبط پیامبر-، مورد اتفاق شیعه و سنی است... و صدها و بلکه هزاران نفر از حاملان احادیث نبوی در کتابهای حدیثی، تفسیری و کلامی خود، نزول آیه تطهیر را در حق علی، فاطمه، حسن و حسین (روایت کرده اند. و سند آن روایات، معتبر و دلالت آنها نیز چنان واضح و روشن است که کسی نمی تواند انکار نماید، مگر کسی که بر خلاف وجدان و فطرت سلیم بشری قدم بردارد.^۳

۳. مرحوم طبرسی (می گوید: «تمام امت

۲. احقاق الحق، مرعشی شوشتری، ج ۲، ص ۵۰۲. ۳. همان.

۱. پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، باقرزاده، ص ۴۲۱ تا ۴۴۹.

پس از بیان مطالبی در توضیح جملات آیه تطهیر، می‌گوید: «با این بیانی که گذشت، آن روایاتی که در شأن نزول آیه وارد شده تأیید می‌شود؛ چون در آن روایات آمده که آیه شریفه در شأن رسول خدا -، (علی، فاطمه و حسنین) نازل شده است، و هیچ کس دیگری در این فضیلت با آنان مشارکت ندارد.» و آن روایات بیش از هفتاد حدیث است که بیش تر آنها از طریق اهل سنت نقل گردیده، از طرق بسیار ی از جمله ام سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، وائله بن اسقع، ابی الحمراء، ابن عباس، ثوبان (غلام آزادشده پیامبر)، عبد الله بن جعفر، حضرت علی و حسن بن علی که تقریباً از چهل طریق نقل کرده‌اند. و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجاد، امام صادق و امام رضا (و از ام سلمه، ابی ذر، ابی لیلی، ابی الاسود دؤلی،

اسلام اتفاق کرده‌اند که مقصود از «اهل البیت» در این آیه شریفه، اهل بیت پیامبر ما محمد- است، سپس در بیان مصادیق آن اختلاف کرده‌اند: عکرمه گفته است: مراد آیه، همسران پیامبر است؛ ولی ابی سعید خدری، انس بن مالک، وائله بن اسقع، عایشه و ام سلمه گفته‌اند: «انّ الآیة مختصة برسول الله و علی و فاطمة والحسن و الحسین»؛ آیه تطهیر، مختص به رسول خدا - و علی و حسن و حسین (است و به غیر آنها شامل نمی‌شود.» و پس از نقل شش روایت در این مورد، می‌نویسد: در این مورد، از طریق سنی و شیعه روایات زیادی وجود دارد که اگر ما بخواهیم آنها را نقل کنیم، کتاب ما طولانی خواهد شد و آنچه را که نقل کردیم، کافی است.»^۱

۴. علامه طباطبایی (

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۵۵۹ و ۵۶۰.

آیه خویشاوندان آن حضرت، باطل می‌باشد.^۴ از جمع این سخنان که نقل تمام آنها امکان پذیر نمی‌باشد، معلوم می‌گردد که منظور از «اهل البیت» در آیه تطهیر، فقط خمسة طیبه اهل کساء می‌باشد، و این مطلب مورد قبول تمام شیعیان و بیش تر اهل سنت است.

اصرار پیامبر - بر تعیین مصادیق اهلبیت)

رسول خدا - اصرار زیادی داشت که به هر صورت ممکن مصادیق حقیقی «اهل البیت» را به مردم معرفی نماید؛ زیرا اگر آن حضرت این کار را نمی‌کرد، دیگران خود را به دروغ، از مصادیق «اهل البیت» معرفی می‌کردند، همچنان که امام صادق % در روایتی خطاب به ابو بصیر فرمود: «... فَلَوْ سَكَتَ

رَسُولُ اللَّهِ - فَلَمْ يُبَيِّنْ مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ لِأَدْعَاهَا آلَ فُلَانٍ وَ آلَ فُلَانٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ تَصْدِيقًا لِنَبِيِّهِ -

۴. همان، ص ۲۳۳.

عم رو بن میمون اودی و سعد بن ابی وقاص، از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند.^۱

۵. علامه مجلسی(، در مبحث آیات نازل شده در شأن امام علی %، سی و نه باب منعقد نموده،^۲ و باب پنجم آن را به بررسی آیه تطهیر اختصاص داده است.^۳

ایشان پس از نقل چندین حدیث در این مورد می‌نویسد:

«فاقول: قد ظهر من تلك الأخبار المتواترة من الجانبيين، بطلان القول بأن أزواج النبي - داخله في الآية و كذا القول بعمومها لجميع الاقارب؛ پس می‌گویم: از روایات زیادی که از هر دو طریق (شیعه و سنی) به حد تواتر رسیده است، روشن می‌شود که قول به دخول همسران پیامبر - در مفهوم آیه، و همچنین قول به شمول

۱. المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۶، ص ۳۱۱.
 ۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۵، ص ۱۸۳ تا آخر و ج ۳۶، ص ۱۹۱.
 ۳. ر.ک: همان، ج ۳۵، ص ۲۰۶ تا ۲۳۶.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً فَكَانَ
عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ
(وَ فَاطِمَةُ) فَأَدْخَلَهُمْ رَسُولُ
اللَّهِ تَحْتَ الْكِسَاءِ فِي بَيْتِ
أُمِّ سَلَمَةَ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ
إِنْ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَ ثَقَلًا
وَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ
ثَقَلِي، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ
أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِكَ؟ فَقَالَ
إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ وَ لَكِنَّ
هَؤُلَاءِ أَهْلِي وَ ثَقَلِي؛^۱

اگر رسول خدا - سکوت
می‌کرد و بیان نمی‌کرد
که اهل بیتش چه
کس انی هستند، قطعاً
آل فلان و آل فلان
ادعا می‌کردند که ما
هم از اهل بیت
پیامبر هستیم؛ اما
خدای حکیم برای
تصدیق پیامبرش آیه
تطهیر را نازل کرد
که: [إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ...]: پس چ و ن،
علی، حسن، حسین و
فاطمه در آن زمان
بودند، پیامبر- آنان
را در خانه ام سلمه،
زیر عبا قرار داد و
فرمود: خدایا! هر
پیامبری اهل و
اطرافیانی دارد و

اینها نیز اهل بیت و
اطرافیان خاص من
هستند. ام سلمه عرض
کرد: آیا من از اهل
تو نیستم؟ فرمود: تو
بر خیر و نیکی هستی؛
ولی اینها اهل بیت
من و اطرافیان خاص
من هستند.»

یکی از راه های
مشخص کردن مصادیق
«اهل بیت» و زدودن
هر نوع شک و تردید
در مورد آن، شیوه
خاصی بود که پیامبر
اکرم- اجرا نمود، و
آن این است که پس از
نزول آیه تطهیر، هر
روز هنگام رفتن به
نماز صبح، جلوی در
خانه حضرت علی و
فاطمه می‌ایستاد و
ساکنان خانه را با
عنوان «اهل بیت»
مورد خط اب قرار
می‌داد و دعوت به
نماز می‌نمود و آیه
تطهیر را تلاوت
می‌کرد.

۲. در این مورد نیز روایات
بسیاری با عبارات مختلف
وارد شده و مدت آن از چهل
روز و شش ماه تا نوزده ماه
و در برخی از روایات تا
پایان عمر پیامبر ذکر شده
است. (ر.ک: پژوهشی جدید
درباره آیه تطهیر،
باقرزاده، ص ۴۰۷ - ۴۲۰).

۱. الکافی، شیخ کلینی، دار
الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ
چهارم، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۲۸۷.

این نکته قابل توجه است که تکرار این برنامه و ادامه آن به مدت چندین ماه یا سال به وسیله پیامبر- مسی لة حساب شده ای بوده، می خواسته با تأکید پی‌درپی روشن سازد که منظور از «اهل بیت» در آیه شریفه، تنها اهل این خانه اند، تا در آینده تردیدی برای کسی باقی نماند و همگان بدانند که این آیه فقط در شأن این گروه نازل شده است.

به خصوص اینکه در آن زمان فقط خانه پیامبر- و علی% بود که در ورودی آن به مسجد النبی باز می‌شد. [وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ]^۱

طبیعی است که همیشه جمعی از مردم این سخن را در آنجا از پیامبر- می‌شنیدند. با این حال جای تعجب است که برخی از مفسران عامه اصرار دارند مفهوم آیه را توسعه دهند تا

همسران پیامبر را نیز شامل گردد، با

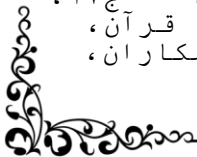
۱. از جملات دعای ندبه.

اینکه خود همسران حضرت در روایاتی که نقل کرده اند، اعتراف نموده اند که جزء اهل بیت پیامبر- نیستند.^۲ اعتراف ام سلمه در روایت قبلی گذشت و اعتراف عایشه نیز به صراحت در روایت ذیل آمده است.

عده ای از مفسران اهل سنت از قبلی ثعلبی، حاکم حسکان ی و ابن کثیر روایتی را نقل کرده اند که در آن آمده است: «هنگامی از «عایشه» دربارۀ جنگ و دخالتش در آن جنگ ویرانگر سؤال شد، (با تأسف) گفت: این یک تقدیر الهی بود! و هنگامی که درباره حضرت علی% از وی سؤال کردند، چنین

گفت: «تَسْأَلُنِي عَنِ أَحَبِّ النَّاسِ كَأَنَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - وَ زَوْجِ أَحَبِّ النَّاسِ كَأَنَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، لَقَدْ رَأَيْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا (وَ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ بِثَوْبٍ عَلَيْهِمْ - ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۷، ص ۳۲۴ تا ۳۲۵؛ پیام قرآن، مکارم شیرازی و همکاران، ج ۹، ص ۱۴۵.



همسران پیامبر جزء
عنوان اهل بیت در
آیه تطهیر نیستند و
این عنوان، از
مختصات خمسة طیبه
می‌باشد.
شمول آیه تطهیر بر امامان
شیعه

اگر منظور آیه فقط
پنج نور مقدسند، پس
سایر امامان چگونه
مشمول این آیه
می‌شوند؟

پاسخ این است که
در زمان نزول آیه
تطهیر، از مجموع
چهارده معصوم (فقط
پنج نفر موجود بودند
که پیامبر - کساء را
روی آنان کشید و
بدین وسیله آنان را
مشخص نمود و معرفی
کرد؛ ولی بقیه
امامان بعداً به وجود
آمدند و همان صفات
را از پیامبر - و
پدران خود ب ه ارث
بردند.^۲

و می‌توان گفت: آیه
تطهیر از نظر تنزیل،
در پنج نور مقدس
منحصر می‌باشد؛ ولی
از نظر تأویل، به
انضمام روایات رسیده
از معصومین) بر سایر

بَيْتِي وَ حَامَّتِي - فَأَذْهَبْ
عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ
تَطْهِيراً، قَالَتْ فَذَنُوتُ
مِنْهُمْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ!
وَ أَنَا مِنْ آهْلِ بَيْتِكَ؟
فَقَالَ تَنْ حَيِّ فَإِنِّي إِلَى
حَيِّرٍ؛^۱ درباره کسی از
من سؤال می کنی که
محبوب ترین مردم نزد
پیامبر - و همسر
محبوب ترین مردم نزد
رسول خدا- بود. من با
چشم خود دیدم که
علی، فاطمه، حسن و
حسین) را که رسول
خدا- آنان را در زیر
لباسی جمع کرد و
گفت: خدایا! اینها
اهل بیت من و حامیان
من هستند، رجس و
پلیدی را از آنان
ببر و از آلودگیها
پاکشان فرما! من
نزدیک آنان رفتم و
عرض کردم: ای رسول
خدا! آیا من هم از
اهل تو هستم؟ فرمود:
دور باش! تو بر خیر
و نیکی هستی. «: یعنی
جزء این جمع نیستی.
این گونه روایات،
با صراحت می‌گویند که

۱. شواهد التنزیل، حاکم
حسکانی، ج ۲، ص ۶۲، ح ۶۸۴؛
تفسیر القرآن العظیم،
اسماعیل بن عمر بن کثیر
دمشقی، دارالکتب العلمیه،
بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق،
ج ۶، ص ۳۶۸؛ مجمع البیان،
طبرسی، ج ۸، ص ۵۵۹.

۲. پیام قرآن، مکارم
شیرازی و همکاران، ج ۹،
ص ۱۴۹.

است، این اسامی را به همین ترتیب در ساق عرش مکتوب یافتیم و از خدای عز و جل پرسیدم، فرمود: «يَا مُحَمَّدُ! هُمُ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ مُطَهَّ زُونَ مَعْصُومُونَ وَ أَعْدَائُهُمْ مَلْعُونُونَ؛ ای محمد! آنان امامان پس از تو هستند، و آنان پاک و معصومند و دشمنانشان ملعون هستند.»^۲

آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر سؤال دیگری که در اینجا مطرح می شود این است که چگونه آیه تطهیر در میان آیات مربوط به زنان پیامبر و حتی جزء یکی از آیات قرار گرفته؛ ولی بر آنان را شامل نمی شود؟ در پاسخ می گوئیم: از دقت در کلمات آن آیات معلوم می شود که «آیه تطهیر» مربوط به زنان پیامبر - نمی باشد؛ زیرا در جملات قبل و بعد از «آیه تطهیر» تمام فعلها و ضمیرها به

امامان (نیز صادق است.) در اینجا تنها به یک روایت در این زمینه اشاره می شود: امام حسین % از پدرش امیرمؤمنان علی% نقل کرده است که فرمود: روزی در خانه «ام سلمه» محضر پیامبر - رسیدم، در حالی که آیه تطهیر بر آن حضرت نازل شد، فرمود: «يَا عَلِيُّ! هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَ فِي سِبْطِي وَ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ؛ علی جان! این آیه در شأن تو و دو سبط من (حسن و حسین) و امامان از اولاد تو نازل شده است.»

گفتم: بعد از تو، امامان چند نفر و چه کسانی هستند؟ فرمود: تو ای علی، بعد از تو دو فرزندت حسن و حسین، بعد از حسین فرزندش علی، بعد از فرزندش محمد، سپس فرزندش جعفر، بعد فرزندش موسی، سپس فرزندش علی، بعد فرزندش محمد، سپس فرزندش علی، بعد فرزندش حسن و بعد از فرزندش حجة بن الحسن

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۳۶، ص ۳۳۶ و ۳۳۷؛ كفاية الاثر في النص على الأئمة الاثني عشر، علی بن محم د خزاز قمی رازی، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۵۶.

۱. پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، باقرزاده، ص ۵۸۲.

- صورت مؤنث آمده است؛ ولی در «آیه تطهیر»، نوع ضمیر عوض شده و به صورت مذکر [کَمْ] آمده است. امّا در مورد علت قرار گرفتن این آیه در لابلای بحث از وظایف همسران پیامبر، نظریه هایی مطرح شده که به سه مورد اشاره می‌شود:
۱. مرحوم طبرسی (می گوید: این اولین بار نیست که در آیات قرآن، به آیاتی برخورد می‌کنیم که در کنار هم قرار دارند؛ ولی از موضوعاً مختلف می‌گویند، قرآن پر است از این گونه موارد. همچنین در کلام فصحای عرب و اشعار آنان نیز نمونه فراوانی از این گونه موارد موجود است.^۱)
 ۲. علامه طباطبایی (می گوید: ما هیچ دلیلی نداریم که «آیه تطهیر» همراه آیات مربوط به زنان پیامبر نازل شده باشد؛ بلکه این آیه، جدای از آنها نازل شده است (همان گونه از روایتهای گذشته
- نیز استفاده می‌شود)؛ اما به هنگام جمع آوری آیات قرآن در عصر پیامبر - یا بعد از او، در کنار آن آیات قرار داده شده است.^۲
۳. آیت الله مکارم شیرازی و همکارانش پاسخ سومی داده اند، و آن این است که: قرآن می‌خواهد به همسران پیامبر - بگوید: شما در میان خانواده ای قرار دارید که گروهی از آنان معصومند. کسی که در زیر سایه درخت عصمت و کانون معصومان قرار گرفته، سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد، و فراموش نکند که انتساب او به خانواده ای که پنج معصوم پاک در آن است، مسئولیتهای سنگینی برای او ایجاد می‌کند، و خدا و خلق انتظارات فراوانی از او دارند.
- البته پاسخ سوم، با هر دو پاسخ قبلی

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱ -

۳۱۲.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷،

ص ۳۱۸.

۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۰.

سازگار می باشد؛ زیرا
فایده قرار گرفتن
«آیه تطهیر» در میان
آن آیات، - چه هنگام
نزول و چه هنگام
جمع آوری - آن است که
همسران پ یامبر را
متوجه نکته مزبور
نماید.

در پایان، تذکر
این نکته ضروری است
که شبیه آن روایاتی
که از ام سلمه،
عایشه و دیگران نقل
شده، از فاطمه
زهرا & نیز نقل شده و
به «حدیث کساء»
مشهور است.^۱ از
مقایسه آن روایات،
این احتمال تقویت
می شود که آن جریان
در خانه حضرت زهر ا &
نیز واقع شده است.^۲

۱. ر.ک: احقاق الحق، ج ۲،
ص ۵۵۴ - ۵۵۷.
۲. تجلی ولایت در آیه
تطهیر، برگرفته از آثار
آیت الله جوادی آملی، تنظیم
از محمد صفایی، مرکز نشر
اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش،
ص ۹۲.



احسان و نیکوکاری

در قرآن و سنت

محمد مهدی فجری

بهرتر و ماندگارتر است. برخی از آثار اخروی احسان عبارت است از:

۱. محبوبیت احسان و نیکوکاری، باعث محبوبیت انسان نزد خدا و خلق می شود. جدای از تعابیر بسیاری که درباره انسان های نیکوکار در قرآن کریم آمده است، جمله زیبای: [و أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ]؛^۲ «و نیکی کنید! که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.» بیانگر جایگاه و ارزش احسان و نیکوکاری در

در شماره گذشته به مناسبت هفته «احسان و نیکوکاری» به بررسی موضوع «احسان در قرآن و سنت» پرداختیم و احسان را از نگاه قرآن و سنت بررسی کردیم. در ابتدای این مقاله مباحثی همچون: «اهمیت احسان»، «انگیزه احسان»، «آثار دنیوی احسان» و... بررسی شد و اکنون ادامه این مقاله تقدیم می گردد.

آثار اخروی

بر اساس آیات قرآنی، گرچه اثرات دنیوی احسان و نیکوکاری قابل انکار نیست؛ اما آثار

۱. نحل/ ۳۰.

۲. بقره/ ۱۹۵.

فرمود : «أَنَا وَ كَافِلُ
الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي
الْجَنَّةِ»^۲ من و آن کسی
که سرپرستی یتیمی را
بپذیرد ، در بهشت
بسان این دو انگشت
در کنار یکدیگر
خواهیم بود.»
۳. بهترین توشه آخرت
احسان به عنوان
بهترین توشه آخرت
معرفی شده است . قرآن
کریم با تأکید بر
این مطلب فرموده
است : [وَ ابْتِغِ فِيمَا
آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ
لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا
وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ
إِلَيْكَ...].^۳ «و در آنچه
خدا به تو داده ،
سرای آخرت را بطلب و
بهره ات را از دنیا
فراموش مکن و
همان گونه که خدا به
تو نیکی کرده است ،
نیکی کن!»

پیشگاه خدا می باشد .
۲. پر منفعتترین معامله
کسانی که از قدرت
جسمی ، اقتصادی و
اجتماعی خود برای
کمک به دیگران
استفاده می کنند ، در
حقیقت با خدا وارد
معامله می شوند . به
همین خاطر ، محبوب
پروردگار شده ، او
جایگاه ویژه ای
برای شان در نظر
می گیرد . حضرت علی %
می فرماید : «عَلَيْكَ
بِالْإِحْسَانِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ
زِرَاعَةٍ وَ أَرْبَحُ بِيضَاعَةٍ»^۱
بر شما باد به احسان
و نیکوکاری در حق
دیگران ، که آن
برترین و
پرمنفعت ترین کشت و
زرع و سود آخرت ی
برای شما خواهد
بود.»

پیامبر گرامی
اسلام- برای نشان دادن
اهمیت احسان به
ایتام ، دو انگشت
سبابه و میانی خود
را نشان داد و

۱. تصنیف غرر الحكم و درر
الكلم ، عبدالواحد بن محمد
تمیمی آمدی ، تحقیق : مصطفی
درایتی و حسین درایتی ،
دفتر تبلیغات اسلامی ، قم ،
۱۳۷۸ ش ، ص ۳۸۳ .

۲. روح المعانی فی تفسیر
القرآن العظیم ، سید محمود
آلوسی ، تحقیق علی
عبدالباری عطیه ، اول ،
دارالکتب العلمیه ، بیروت ،
۱۴۱۵ ق ، ج ۱ ، ص ۳۰۸ ؛ الدر
المنثور فی تفسیر المأثور ،
جلال الدین سیوطی ، کتابخانه
آی ت الله مرعشی نجفی ، قم ،
۱۴۰۴ ق ، ج ۲ ، ص ۱۵۸ ؛
بحار الأنوار ، علامه مجلسی ،
مؤسسه الوفاء ، بیروت ، ۱۴۰۴
ق ، ج ۳۵ ، ص ۱۱۷ .
۳. قصص / ۷۷ .

انتظار و توقع تعریف و ستایش نداشته،^۲ به هیچ کس جز پروردگار امید ندارند،^۳ ظاهر و باطن آنها یکی است^۴ و تعریف و مذمت مردم نزدشان مساوی است؛^۵ چرا که آنان در هر کاری فقط رضای خدای متعال را در نظر می‌گیرند و تنها به خاطر او عملی انجام می‌دهند.

در مقابل، خدا کار با اخلاص آنان را می‌پذیرد،^۶ آن را زمینه ساز برترین موفقیت‌ها قرار می‌دهد،^۷ و امور دنیوی و اخروی آنان را خود

امام علی (ع)
می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ
أَحْسَنَ إِلَى الْعِبَادِ وَ
تَزَوَّدَ لِلْمَعَادِ؛^۱ خوشا
به حال کسی که به
بندگان خدا نیکی کند
و ب رای روز قیامت
توشه بردارد.»

آداب احسان
آثار احسان و نیکوکاری پر شمار است اما برای برخوردار شدن از این آثار، رعایت برخی از نکات ضروری است. در آموزه های اسلامی «آداب احسان و نیکوکاری» ذکر شده است؛ با مرور اخلاق اسلامی و آداب معاشرت به نکاتی پی می‌بریم که شایسته ه است مورد توجه مؤمنان قرار گیرد.

الف) نیت خالص

بر اساس آیات و روایات، «اخلاص» اساس دین و شالوده محکم آن است و هیچ عملی بدون آن پذیرفته نمی‌شود. در اسلام افراد با اخلاص کسانی هستند که علاوه بر همراه کردن اعمال خویش با قصد قربت،

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۰۹.

۳. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۵.

۴. نهج البلاغه، سید محمد حسین موسوی (سید رضی)، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، بوستان کتاب، قم، نامه ۲۶.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۹۴.

۶. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۳.

۷. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۸۴.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۹.

آنان نیست ؛ بلکه وظیفه ای است که خدا بر عهد ه تک تک افراد جامعه اسلامی گزارده است

(ب) رعایت اولویتها

خدا می فرماید :

إِسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ
قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ
فَلِلَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَ
الْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَ
ابْنِ السَّبِيلِ وَمَا
تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
بِهِ عَلِيمٌ [۳] «از تو
سؤال می کنند که چه
چیز انفاق کنند؟
بگو: هر خیر و نیکی
(و سرمایه سودمند
مادی و معنوی) که
انفاق می کنید، باید
برای پدر و مادر و
نزدیکان و یتیمان و
مستمندان و
درماندگان در راه
باشد و هر کار خیری
که انجام دهید، خدا
از آن آگاه است.» و
لازم نیست تظاهر
کنید.

براساس این آیه

۳. بقره / ۲۱۵.

به عهده می گیرد ،
چنانکه امام سجاد %
می فرماید : «... فَأِذَا
فَعَلْتَ بِالْإِخْلَاصِ جَعَلَ لَكَ
عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ؛
زمانی که کارهایت را
با اخلاص انجام دادی ،
خدای متعال عهده دار
کارهای دنیا و آخرتت
می شود.»

بنابراین، آنچه که
در نظام ارزشی اسلام
اهمیت دارد، کیفیت
(کار با اخلاص) است و
با این ملاک و معیار
کار انسان ارزش گذاری
می شود، نه کمیت و
مقدار آن. قطعاً
انفاق يك دانه خرماي
حلال و ب ه دور از
ریا، از هزاران
اطعام دیگران با مال
حرام یا به قصد ریا
بهتر است.^۲

احسان به نیازمندان ، لطف ما به

۱. الخصال، شیخ صدوق،
انتشارات جامعه مدرسین،
قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۲،
ص ۵۶۶.

۲. مثالهای زیبای قرآن،
ناصر مکارم شیرازی،
انتشارات امام علی بن
ابی طالب %، قم، ج ۱، ص ۱۱۳.

مهم دیگری است که رسیدن به آن تنها با لطف الهی محقّق می شود. اهمیت این نکته تا جایی است که امام سجاده% در «دعای مکارم الاخلاق» از خدا می خواهد که او را به درست انفاق کردن هدایت کند تا احسان را در مسیر درست و صحیح به مصرف برساند: «وَأَصْبِ بِي سَبِيلَ الْهَدَايَةِ لِيَبْرُرَ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ»^۲

(ج) احسان از مال حلال گرچه در تعالیم اسلامی، احسان مورد سفارش بسیار قرار گرفته است؛ اما باید توجه داشت که احسان و کمک مالی به دیگران، زمانی با ارزش است که با مال حلال پرداخت شود، در غیر این صورت نه تنها چنین حمایتی ارزشی ندارد؛ بلکه گناه آن دامن گیر انفاق کننده خواهد شد. رسول خدا - در آخرین خطبه ای که ایراد کردند،

شریفه، در صورتی که پدر و مادر شخص انفاق کننده نیازمند باشند، ب ر سایرین مقدّم هستند، پس از آنها، حق تقدّم با دیگر خویشاوندان است، سپس ایتام و بچه های بی سرپرست، سپس نیازمندان و مستمندان جامعه و بالاخره مسافران در راه مانده و مانند آن، که باید مورد دستگیری باشند. این ترتیب و رعایت این اولویته ا، چقدر زیبا و هماهنگ با فطرت انسانی است!

علامه طبرسی (ذیل این آیه به نکته مهمی اشاره می کند و آن اینکه: جدّ و جدّه و هر چه بالا روند نیز مشمول اسم والدین می باشند.^۱ اینک انسان بتواند احسان خویش را به مستحقین واقعی برساند، و در تشخیص اولویته ا دچار اشتباه نشود، نکته

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۴۸.

۲. صحیفه سجادیه، منسوب به امام سجاده%، دعای مکارم الاخلاق.

فرمودند : «...مَنْ
اِكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ
يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَ
لَا عِتْقًا وَ لَا حِجًّا وَ
لَا اعْتِمَارًا وَ كَتَبَ اللَّهُ بِعَدَدِ
أَجْزَاءِ ذَلِكَ أَوْزَارًا؛ هر
کس مالی را از راه
حرام به دست آورد،
خدا هیچ گونه عمل
خیری (همچون) صدقه،
آزاد کردن بنده، حج
و عمره از او
نمی پذیرد، و به
اندازه ثواب این
کارهای خیر، در نامه
اعمال او گناه نوشته
می شود.»

(د رعایت اعتدال

در روایتی

می خوانیم : جوان
مستمندی بر در خانه
پیامبر- آمد. چون در
خانه حضرت چیزی برای
بخشش آماده نبود،
جوان تقاضای پیراهن
کرد، پیامبر- پیراهن
خود را به او داد، و
همین امر سبب شد که
نتواند آن روز برای
نماز به مسجد
برود ... در این
هنگام این آیه نازل
شد : [وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ

مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا
تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ
مَلُومًا مَّخْسُورًا]؛^۲ «هرگز
دستت را بر گردنت
زنجیر مکن، (و ترک
انفاق و بخشش منما) !
و بیش از حد (نیز)
دست خود را مگشای،
تا مورد سرزنش قرار
گیری و از کار فرو
مانی!» و به پیامبر-
هشدار داد که این
کار تکرار نشود.^۳

سؤالی در اینجا به
ذهن می رسد که : آیا
میان روی در انفاق
با ایثار تضاد
دارد؟! با در نظر
گرفتن آیاتی که
دستور به «رعایت
اعتدال در انفاق»
می دهد، این سؤال پیش
می آید که چرا در
سوره «دهر» و آیات
دیگر قرآن و همچنین
روایات، ستایش و مدح
ایثارگرانی شده که
حتی در نهایت سختی
از خود می گذرند و به
دیگران می دهند، این

۲. اسراء / ۲۹.

۳. مجمع البیان فی تفسیر
القرآن، طبرسی، ج ۶، ص ۶۲۵؛
تفسیر نمونه، ناصر مکارم

شیرازی و جمعی از
نویسندگان، دار الکتب
الاسلامیه، تهران، چاپ اول،
۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۹۱.

۱. ثواب الأعمال و عقاب
الأعمال، شیخ صدوق،
انتشارات شریف رضی، قم،
چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۸۳.

اشاره می شود که مناسب است مورد توجه نیکوکاران قرار گیرد.

آموزه های اسلامی نشان می دهد کمکی با ارزش تر است که در آن آبرو و شخصیت افراد حفظ شو د، و خواری یا سرافکنندگی نیازمندان را به همراه نداشته باشد، در حالی که برخی مواقع کمک مستقیم و بی واسطه به خانواده های مستمند، و یا بخشیدن اجناس فرسوده و غیر قابل استفاده و ... در حقیقت به سرمایه های معنوی و عزت نفس آنان لطمه می زند و به همین خاطر برخی از آنان حاضرند آتش فقر و تنگدستی را تحمل کنند؛ ولی دچار تخریب منزلت و شخصیت خود نشوند.

در سیره امامان (معصوم)، به خصوص حضرت علی% مراجعه شبانه و ناشناس به منازل نیازمندان و یتیمان، و برآورده کردن نیاز مالی و خوراکی آنان پرشمار است. در سیره

دو چگونه با هم سازگار است؟! دقت در شأن نزول آیات، و همچنین قرائن دیگر، پاسخ این سؤال را روشن می سازد و آن این است که: دستور به رعایت اعتدال در جایی است که بخشش فراوان سبب

نابسامانی های فوق العاده ای در زندگی خود انسان گردد، و یا ایثار سبب ناراحتی و فشار بر فرزندان شود و نظام خانوادگی اش را به خطر افکند، در صورتی که هیچ يك از اینها تحقق نیابد، مسلماً ایثار بهترین راه است.^۱

ه) حفظ کرامت انسانه ا در نظام اسلام، حفظ کرامت انسان و به تبع آن کرامت خانواده م ورد توجه جدی قرار گرفته است،^۲ گرچه حفظ کرامت انسان، مصادیق متعددی دارد؛ اما در این مجال به چگونگی کمک به خانواده ها

۱. برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۸.
۲. اسراء/ ۷۰.

نمی دهد که به خاطر کمک و احسان، عزت و آبروی مسلمانی لگه دار و قلبش جریحه دار گردد. قرآن مجید می فرماید: **[قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ]**؛^۲ «گفتار

پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت‌ها) (و آنها)، از بخششی که آزار به دنبال داشته باشد، بهتر است، و خداوند بی نیاز و بردبار است.»

طبق این آیه شریفه، هرگاه جواب منفی دادن به فقیر، همراه با ادب و احترام باشد، بهتر از پاسخ مثبتی است که همراه با آزار و اذیت باشد.

و چه زیباست انفاقه ایی که همراه با ادب و احترام باشد. و چه زیباتر، انفاقی که کمک کننده از اینکه توان بیش تری نداشته، عذرخواهی می کند! و این حالت روحانی عالی در سیره ائمه

امام سجاد % نیز می خوان یم که با استفاده از تاریکی شب و در حالی که صورتش را پوشانده بود، به خانواده های مستمند کمک می کرد.^۱ و حتی پسرعمویی داشت که شبانه به او کمک می کرد؛ اما او امام % را نمی شناخت و از اینکه دیگران به او کمک می کنند؛ اما امام از او دستگیری نمی کند، ناراحت بود، و امام را نفرین می کرد. امام % نیز گفته های او را می شنید؛ اما هرگز خود را به او معرفی نکرد. زمانی که امام به شهادت رسید و کمکه ای شبانه قطع شد، او متوجه موضوع شد.^۲

این نکته نشانگر اهمیّت فوق العاده آبروی مؤمن از دیدگاه اسلام است. هرگز اسلام اجازه

۱. تحلیلی از زندگانی امام سجاد %، باقر شریف قرشی، ترجمه محمدرضا عطایی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. همان.

عمومی بود؛ ولی تمامی درآمد روزانه او تنها به میزان حداقل معاش خانواده خودش بود. به ناچار تصمیم گرفت، شبها نیز کار کند و درآمد آن را به عنوان کمک به پیامبر - تقدیم نماید. وی شبها از بیرون مدینه آب آشامیدنی می آورد و به مردم می فروخت. حاصل و درآمد این کار شبانه و تلاش خستگی ناپذیر او تنها به اندازه تهیه یک من خرما نامرغوب شد که آن را خالصانه به پیامبر اکرم - تقدیم کرد و عرضه داشت: یا رسول الله! این هم کمک من برای سربازان اسلام. جمعیت منافق حاضر در آنجا، شروع به تمسخر این مسلمان مخلص کردند که: «عجب خرمایی! اگر سربازها آن را بخورند، حتماً پیروز می شوند. ابوعقیل! این همه خرما را چطور آوردی؟»

پیامبر اکرم - از این سخنان و رفتار

معصومین) فراوان به چشم می خورد. (و احسان در حد توان هرگاه سخن از نیکوکار به میان می آید، انسان های ثروتمند به ذهن تبادر می کند، در حالی که هر کس به میزان توانایی خود می تواند نام خود را به عنوان نیکوکار ثبت کند. پیامبر گرامی اسلام - مسلمانان را برای یکی از جنگه ای صدر اسلام آماده کرده بود و آنها آذوقه تهیه می کردند. هر کس به میزان توانایی خود کمک می کرد. حتی یکی از مسلمانان چهار هزار من خرما به پیامبر - تقدیم کرد. «ابوعقیل انصاری» که یکی از مسلمانان فقیر مدینه بود، علاقمند به مشارکت در این بسیج مالی و شرکت در این همیاری

۱. سوگندهای پر بار قرآن، ناصر مکارم شیرازی، گردآوری و تحقیق ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات امام علی بن ابی طالب %، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش، ص ۴۱۷.

موسمی^۱، انفاق از بهترین چیزها^۲، به اندازه بر طرف کردن نیاز دیگران^۳، سعی در خدمت رسانی^۴، عدم

منافقان ناراحت شد و خطاب به ابوعقیل انصاری فرمود : «ابوعقیل! جلو بیا و خرماهایت را روی این تل خرما بریز تا

باعث برکت آنها شود.» در این هنگام آیه ۷۹ سوره توبه در شأن ابوعقیل و در مذمت منافقان نازل شد : [الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ]؛ «آنهايي که از مؤمنان صدقاتشان عیبجویی می کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ن) (اچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می دهد) و برای آنها عذاب دردناکی است!»

۱. در زیارت جامعه کبیره در توصیف معصومان (می خوانیم : «وَعَادَتْكُمْ الْإِحْسَانُ؛ احسان جزء عادت (و سیره دایمی) شماست.» بر این اساس پیروان آن بزرگواران نیز احسان و نیکی خود را در طول زندگی ادامه می دهند و منتظر برپایی مراسمی خاص نمی نشینند.

۲. آل عمران / ۹۲. ۳. امام سجاد % می فرماید : «حَقُّ السَّائِلِ إِعْطَاؤُهُ عَلَيَّ قَدْرَ حَاجَتِهِ؛ حق نیازمند آن است که به مقدار نیازش به او ببخشی (و نیازش را برطرف سازی).» من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۵.

۴. امام کاظم % : «أَوْحَى اللَّهُ غَزًّا وَجَلَّ إِلَيَّ مُوسَى % أَنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ يَنْقُرُ بِي إِلَيَّ بِالْحَسَنَةِ، فَأَحْكُمُهُ فِي الْجَنَّةِ، فَقَالَ مُوسَى : يَا رَبِّ، وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةِ؟ قَالَ : يَمْشِي مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، فَضِيَّتْ أَوْ لَمْ تُقْضَ؛ خدای بزرگ به موسی % چنین وحی فرستاد : برخی از بندگان من با حسنه به من تقرب می جویند، و من در بهشت به آنان فرمانروایی می دهم. موسی عرض کرد : پروردگار من! این حسنه چیست؟ خدا فرمود: با برادر دینی خود برای برآوردن نیاز او به راه می افتد، خواه این نیاز برآورده شود، یا نشود.» الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۱۹۶.

بِالَّذِينَ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ
الْيَتِيمَ وَ لَا يَخْضُ عَلَى
طَعَامِ الْمَسْكِينِ؛^۳ «آیا
کسی که روز جزا را
پیوسته انکار می‌کند
دیدی؟ او همان کسی
است که یتیم را با
خشونت می‌راند، و
(دیگران را) به
اطعام مسکین تشویق
نمی‌کند.»

در سوره «الحاقه»
نیز پس از توصیف
شرایط برخی
جهنمیان، علت آن را
این گونه بیان
می‌فرماید: [إِنَّهُ كَانَ لَا
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا
يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ]
؛^۴ «چراکه او هرگز به
خدا ی بزرگ ایمان
نمی‌آورد، و هرگز
مردم را بر اطعام
مستمندان تشویق
نمی‌نمود.»

بر اساس این آیات
شریفه یکی از اثرات
انکار معاد و عدم
ایمان، نه تنها عدم
احسان؛ بلکه عدم
تشویق دیگران به
اطعام مساکین است،
پس اولاً احسان و
نیکوکاری و رسیدگی

افراط و تفریط در
نیکوکاری و احسان به
کسی که به انسان بدی
کرده، از دیگر
مواردی است که باید
در احسان و نیکوکاری
مورد توجه قرار
گیرد. رسول خدا -
می‌فرماید: «أَلَا
أَخَيْرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الْعَفْوُ
عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ
قَطَعَكَ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ
أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ
حَزَمَكَ؛^۲ آیا شما را
خبر ندهم به بهترین
شیوه های دنیا و
آخرت؟ گذشت از هر که
به تو ستم کرده،
پیوست با هر که از
تو بریده، احسان به
هر که به تو بدی
کرده و بخشش به هر
کس که از تو دریغ
داشته است.»

عواقب ترک احسان و
نیکوکاری

قرآن کریم در سوره
«معاون» با بازگویی
اثرات شوم انکار
معاد در اعمال
منکران می‌فرماید:
[أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ

۱. اسراء / ۲۹.
۲. الکافی، شیخ کلینی، دار
الکتب الاسلامیه، تهران،
۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳. معاون / ۱ تا ۳.
۴. الحاقه / ۳۳ تا ۳۴.

به فقرا بر اغنيا لازم است . چنانکه امیرمؤمنان % در وصیتی به امام حسن % می فرماید : «... وَ أَوْصِيكُمْ بِمَحَبَّتِنَا وَ الْإِحْسَانَ إِلَى شِيَعَتِنَا فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ مِنَّا»^۱ وصیت می کنم شما را به محبت و دوستی ما و احسان و نیکی به شیعیان ما، پس (بدانید) کسی که این گونه عمل نکند، از شیعیان و پیروان ما نیست.»
و ثانياً ممکن است انسان شخصاً توانایی بر اطعام نداشته باشد؛ اما بیش تر افراد توانایی ترغیب و تشویق دیگران را دارند . به تعبیر دیگر، کسانی که از دارایی و امکانات برای احسان و نیکوکاری برخوردار نیستند، باید از اعتبار، آبرو و امکانات محدود خویش برای کمک به نیازمندان استفاده

کنند.
قرآن کریم در سوره «آل عمران» به کسانی که به احسان و فضل خدا ثروتمند شده ولی بخل می ورزند، هش دار می دهد که : گمان نکنید این عمل به سودتان است؛ بلکه بدانید مأموران دوزخ در قیامت تمام ثروت اندوخته تان را به صورت حلقه های آتش بر گردنتان می آویزند و می گویند : «این ثروت شماست که آن را در دنیا اندوخته بودید!»^۲
در آیه دیگر نیز می فرماید : [وَ الَّذِينَ يَلْتَمِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ] :^۳ و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده !
گرچه به برکت انقلاب اسلامی ایران، سنّ ت احسان و نیکوکاری در کشورمان

۱. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دارالمعارف، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲. آل عمران / ۱۸۰.

۳. توبه / ۳۴.

احوالپرسی ثروتمندان از فقرا چگونه است؟
عرض کرد : اندک .
فرمود : دستگیری توانگران از بینوایان چگونه است؟
عرض کرد : شما اخلاق و صفاتی را ذکر می‌کنید که در میان مردم ما کمیاب است، حضرت فرمود : چگونه اینان خود را شیعه می‌دانند (در حالی که نسبت برادری میان پولداران با فقراء وجود ندارد)؟^۲
ام ام صادق %
می‌فرماید : «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَخْتِاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۳ هر مؤمنی که بتواند نیاز مؤمن دیگر را رفع کند - خواه از خودش و خواه از دیگری و با وساطت -

روبه گسترش است ؛ اما فاصله طبقاتی و تفاوت میان ثروتمندان و فقرا ی جامعه نگران کننده است . امام باقر % فرمود : «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَضُوضٌ يَعَضُّ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَ يُنْسِي الْفَضْلَ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ : [وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ...]»^۱ زمانی سخت بر مردم خواهد آمد که هر کس بر آنچه در اختیار دارد، دندان فرو می‌برد، و احسان به یکدیگر را فراموش می‌کنند، در صورتی که خدا فرموده است : «احسان به یکدیگر را فراموش نکنید!..»
«محمد بن عجلان» می‌گوید : خدمت امام صادق . بودم که مردی آمد و سلام کرد . حضرت از او پرسید : حال برادرانت چطور بود؟ او حال آنان را بسیار خوب توصیف نمود . امام . فرمود : آیا ثروتمندان، فقرا را عیادت می‌کنند؟ عرض کرد : خیلی کم . فرمود : دیدار و

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۷۲.
۳. المحاسن، احمد بن خالد برقی، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۰.

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۱۰.

الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ
أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي
نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ
إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ؛

مبادا هرگز د چار
خودپسندی گردی! و به
خوبی‌های خود اطمینان
کنی، و ستایش را
دوست داشته باشی، که
اینها همه از بهترین
فرصت‌های شیطان برای
هجوم آوردن به توست،
و ك ر دار نيك
نیکوکاران را نابود
می‌سازد.»

آسیب‌های دیگر که
می‌تواند احسان و
نیکوکاری را نابود
سازد، عبارتند از:
۱. منت و آزار:

قرآن کریم با
یادآوری این نکته که
شرط قبولی انفاق در
راه خدا، پرهیز از
مَنْ ت و آزار است،
می‌فرماید: [الَّذِينَ
يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا
أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى
لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ]؛^۳ «کسانی که
اموال خود را در راه
خدا انفاق می‌کنند،

و چنین نکند، خدا در
روز قیامت او را با
چهره سیاه و چشم‌مان
برگشته و دست‌های به
گردن آویخته بر
می‌انگیزد و گفته
می‌شود: این است آن
خائنی که به خدا و
رسول خدا خیانت کرده
است؛ آنگاه فرمان
می‌رسد تا او را در
آتش افکنند.»

آسیب‌شناسی احسان

در آموزه‌های دینی
برخی مسائل به عنوان
موانع احسان مطرح
شده است تا مردمان
با شناخت و دوری از
آنها بتوانند به
مقام نیکوکار واقعی
دست یابند. از جمله
این موانع می‌توان به
«تفاخر و تکبر»^۱
اشاره کرد؛ خصلت و
ویژگی‌ای که موجب
رانده شدن ابلیس از
درگاه ایزد منان شد
و بسیاری از انسان‌ها
نیز به خاطر چنین
خصلتی از راه هدایت
دور و دچار گمراهی
شدند. امیرمؤمنان %
می‌فرماید: «وَ إِيَّاكَ وَ
الْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَ الثَّقَّةَ
بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَ حُبَّ

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. بقره / ۲۶۲.

۱. نساء / ۳۶.

بنابر این، کسانی که کمک‌های مالی، هزینه ادامه تحصیل، ازدواج و جه‌زیه، و ... را به نیازمندان یادآوری می‌کنند، پاداش خود را ضایع کرده، بهره و ثوابی از کار خود به دست

نخواهند آورد. اهمیت این نکته به حدی است که امام زین العابدین% می‌فرماید: «وَأَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحَقَهُ يَالْمَنُ!»^۲ و خیر و نیکی را به دست من برای تمام مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن!»

۲. بزرگ نشمردن

کارهای نیک : یکی از آموزه‌های دینی این است که همواره کارهای نیک خود را کوچک و ناچیز بدانیم. امام سجاد% در «دعای مکارم الاخلاق» از خدا می‌خواهد: «وَأَسْتَقْلِلِ الْخَيْرِ وَ إِن كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي؛ (خدایا! به من توفیق بده (

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰.

سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منّت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند.»

بر این اساس، در صورتی انفاق در راه خدا مورد قبول خدای متعال قرار می‌گیرد که به دنبال آن منّت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان است، نباشد. لازم است به این واقعیت توجه داشته باشیم که معمولاً محرومان جامعه به جهت ضعف اقتصادی از حسّاسیت عاطفی بیش‌تری برخوردارند و چه بسا کم‌ترین اشاره درباره کمکه‌ای گذشته و حال، سنگین‌ترین ضربه‌ها را به شخصیت و شئون خانوادگی آنها وارد سازد، که گاه به هیچ صورت قابل جبران نیست.^۱

۱. مقدمه ای بر خدمات اجتماعی اسلام، محمدی زاهدی اصل، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش، ص ۵۲.

بی ارزش : بعضی از مردم عادت دارند از اموال بی ارزش و غیر قابل استفاده ای که به دردشان نمی خورد، احسان و بخشش کنند. این گونه بخششها علاوه بر آنکه سود چندانی به حال نیازمندان ندارد، نوعی اهانت و تحقیر نسبت به آنها است و مانع تربیت معنوی و پرو رش روح انسانی نیز می شود. به همین خاطر قرآن کریم صریحاً مردم را از این کار نهی کرده و یادآور می شود شما خودتان حاضر نیستید این گونه اموال را بپذیرید، مگر از روی کراهت و ناچاری، پس چرا درباره برادران مسلمان و از آن بالاتر، خدایی که در راه او انفاق می کنید و همه چیز شما از او است، راضی به این کار می شوید؟^۲ در حقیقت، آیه به این نکته لطیف اشاره می کند که یک طرف انفاق در راه خدا، مؤمنان نیازمندند و

احسان و نیکوکاری در گفتار و کردار کم و کوچک شمرم، اگر چه بسیار باشد. « و امام صادق % می فرماید : «رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ تَصْغِيرِهِ وَ تَسْتِيرِهِ وَ تَعْجِيلِهِ فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَيْهِ وَ إِذَا سَتَرْتَهُ تَمَمْتَهُ وَ إِذَا عَجَّلْتَهُ هَنَأْتَهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ سَخَفْتَهُ وَ نَكَلْتَهُ؛^۱ احسان و کار نیک را جز به سه خصلت آراسته و درست ندیدم : کوچک دانستن آن، پنهان انجام دادنش، و شتاب در تحقّقش. هنگامی که آن را کوچک دانستی، نزد کسی که به او احسان کرده ای آن را بزرگ و عظیم نموده ای، و چون پنهانش داشتی، کار خود را کامل و تمام کرده ای، و وقتی در انجامش شتاب ورزیدی، آن را گوارا نموده ای و اگر غیر از این باشد، آن را نابود و ناگوار کرده ای.»

۳. عدم بخشش اموال

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۰.

۲. بقره/۲۶۷.

نام خود را در این کار پسندیده به ثبت برسانند؛ اما فراموش نکنیم که احسان و نیکوکاری زمان بردار نیست و لازم است این فرمان الهی در تمام سال مورد توجه قرار گیرد.

طرف دیگرش خدا و با این حال، اگر اموال پست و بی ارزش برای احسان انتخاب شود، از یک سو تحقیری نسبت به نیازمندان است که شاید علی‌رغم تهیدستی، از نظر ایمان و انسانیت مقام بلندی داشته باشند و روحشان آزرده شود و از سوی دیگر نسبت به مقام پروردگار بی ادبی محسوب می‌گردد.

پس اولاً باید توجه داشته باشیم که احسان به نیازمندان، لطف ما به آنان

نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است که خدا بر عهده تک تک افراد جامعه اسلامی گزارده است. ثانیاً قبل از آنکه دیگران به کمک ما

نیازمند باشند، ما نیازمند احسان هستیم تا بتوانیم از ثمرات آن بهره‌مند شویم و ثالثاً گرچه با تلاش مسئولان، روزی به

عنوان «احسان و نیکوکاری» اعلام شده است و مناسب است آحاد جامعه به شکلی

دشمنان فرهنگی

امامان شیعه علیهم السلام



سید محمد امام (جزایری)

آئمه) در مواجهه با عثمانیه با یکی از این دو روش برخورد نمودند:
 ۱. توبیخ و سرزنش عالمان دربار
 «ابن ابی الحدید» می‌نویسد: روزی علی بن الحسین^۳ شنید که «زهري» و «عروة بن زبیر» در مسجد پیامبر نشسته، نسبت به حضرت علی% بدگویی می‌کنند. امام به مسجد رفته، بالای سر آنان ایستاد و آن دو را سخت توبیخ کرد.^۱ زهري که از علمای

در شماره های گذشته (مبلغان ۱۷۴ و ۱۷۵) به بحث و بررسی پیرامون برخی از مصادیق دشمنان فرهنگی اهل بیت (خوارج، عثمانیه و غالیان) پرداختیم و مختصری از عملکرد آنان را مورد بررسی قرار دادیم و در ادامه اشاره ای به عملکرد آئمه (در هنگام مواجهه با آنان داشتیم؛ اکنون ادامه بحث «عملکرد آئمه در هنگام مواجهه با دشمنان فرهنگی» ارائه می‌گردد.

(ب) مواجهه فکری و عملی آئمه) با عثمانیه (باند

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، بیروت، ۱۳۷۷ ق، ج ۴، ص ۱۰۲.

در حالی قرار گرفته ای که هر کس این حالت تو را بشناسد، شایسته است به حال تو ترخم کند. نعمتهای گوناگون خدا بر تو سنگینی کرده است. خدا بدن تو را سالم و عمرت را طولانی کرده است و چون تو را حامل علوم قرآن، فقیه، آشنا به احکام دین و عارف به سنت پیامبر - قرار داده، حجت او بر تو تمام گشت ه است... در برابر این نعمتها شکر آنها را بر تو واجب و تو را به این وسیله آزمایش کرده است. آنجا که فرموده: "اگر شکرگذاری کردید، حتماً بر نعمت شما میافزایم و اگر ناسپاسی کردید، بی شک عذاب من سخت است."^۳ بین فردا که در پیشگاه خدا ایستادی و از تو پرسیدند شکر نعمتهای او را چگونه گزاردی، و در برابر حجتهای او چگونه به

درباری بنی امیه بود، نه تنها به نفع بنی امیه حدیث جعل می کرد؛ بلکه علیه اهل بیت (نیز حدیث می ساخت). برای نمونه وی از عایشه نقل می کند که گفت: روزی نزد رسول خدا - بودم، در این هنگام دیدم عباس و علی % می آیند، رسول خدا - فرمود: عایشه! این دو نفر بر غیر دین من می میرند.

وی احادیث ناروای بسیاری را درباره اهل بیت (جعل نمود).^۲ امام ام سجاد % با توجه به سوابق سیاه زهری، نامه مفصلی را برای وی نوشت که به دلیل اهمیت این نامه، آن را ذکر می نمایم. ترجمه نامه بدین قرار است: «خدا، ما و تو (زهري) را از فتنه ها نگاه دارد و تو را از (گرفتاری به) آتش (دوزخ) حفظ کند، تو

۳. [لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ] ابراهیم / ۷.

۱. همان، ص ۶۳.
۲. ر. ک: سیرة پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق %، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۸۴ تا ۲۸۹.

وظایف خود عمل کردی،
 وضع تو چگونه خواهد
 بود؟ گمان نکن که
 خدا عذر تو را خواهد
 پذیرفت و از تقصیرت
 در خواهد گذشت،
 هرگز! خدا در کتاب
 خود از علما پیمان
 گرفته است که حقایق
 را برای مردم بیان
 کنند، آنجا که
 فرموده است: "آن
 (کتاب آسمانی) را
 برای مردم بیان کنید
 و کتمان نکنید!"^۱
 بدان کم‌ترین چیزی
 که کتمان کردی و
 سبک‌ترین چیزی که بر
 دوش گرفتی، این است
 که وحشت ستمگر را به
 آرامش تبدیل کردی، و
 چون به او نزدیک
 شدی، هر بار تو را
 دعوت کرد، اجابت
 نمودی و راه گمراهی
 را ب رای او هموار
 ساختی. چقدر می‌ترسم
 که در اثر گناهانت
 فردا جایگاهت با
 خیانتکاران یکی باشد
 و به خاطر آنچه به
 ازای همکاری با
 ستمگران به چنگ

آورده‌ای، بازخواست
 شوی.
 وقتی چیزهایی را
 که حق تو نبود، به
 تو دادند، گرفتی، و
 به شخصی نزدیک شدی
 که هیچ حقی را به
 کسی باز نگردانده
 است و هنگامی که او
 تو را به خود نزدیک
 کرد، هیچ باطلی را
 برطرف نکردی و کسی
 را که دشمن خدا است،
 به دوستی برگزیدی.
 آیا چنین نبود که
 وقتی او (حاکم
 ستمگر) تو را دعوت
 کرد و مقرب خود
 ساخت، از تو محوری
 ساختند که سنگ آسیاب
 مظلومه‌هایشان بر گرد
 آن می‌چرخد و تو را
 پلی قرار دادند که
 از روی آن به سوی
 کارهای خلافشان عبور
 کنند و نردبانی
 ساختند که از آن به
 بام گمراهی و
 ضلالتشان بالا روند؟
 تو (مردم را) به
 سوی گمراهی آنان
 دعوت می‌کنی و راه
 آنان را طی می‌کنی.
 آنان به وسیله تو،
 در (دل) علما ایجاد
 شک کردند و به وسیله

۱. [لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ] آل عمران / ۱۸۷.

قرار بده ! بنگر که
شکر خدا را که در
خردسالی و بزرگی با
نعمتهای خود تو را
روزی داده، چگونه به
جای آوردی؟ چقدر
می‌ترسم که مشمول این
سخن خدا باشی که
فرموده است: "بعد از
آنان، فرزندان
جانشین آنها شدند که
وارث کتاب (آسمانی
تورات) گشتند؛ (اما
با این حال) متاع
این دنیای پست را
می‌گیرند (و بر حکم و
فرمان خدا ترجیح
می‌دهند) و می‌گویند
(اگر ما گنهکار
باشیم) به زودی (از
طرف پروردگار)
بخشیده خواهیم شد."۱
تو در سرای جاوید
نیستی؛ بلکه در
جهانی هستی که بانگ
رحیل زده است. مگر
انسان بعد از همسالان
و همگان خود چقدر
در این دنیا
می‌ماند؟! خوشا به
حال کسی که در دنیا
(از گناهان خویش)

تو دل‌های جاهلان را
به سوی خود جذب
نمودند. (تو آنقدر
با وجهه دینی خود به
آنان خدمت کردی که)
نزدیک ترین وزرا و
نیرومندترین
یارانشان، به قدری
که تو فساد آنها را
در چشم مردم صلاح
جلوه دادی،
نتوانسته‌اند به آنان
کمک کنند و به
اندازه تو باعث رفت
و آمد و ارتباط خ و اص
و عوام با آنان
نگشته‌اند.

آنچه (به عنوان
حقوق، مقرری، جواهر
و...) به تو
داده‌اند، در مقابل
آنچه (در توجیه
اعمال خلافشان) از تو
گرفته‌اند، چقدر
ناچیز و کم ارزش است!
چقدر اندک است آنچه
(از دنیا) برای تو
آباد کرده‌اند. اینک
ببین چقدر (آخرت تو
را) خراب کرده‌اند!
بنگر چه می‌کنی و
مراقب خویشتن باش و
بدان که دیگری مواظب
تو نخواهد بود. نفس
خود را همچون یک شخص
مسئول، مورد محاسبه

۱. [فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ
وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ
هَذَا الْأُذُنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ
لَنَا...] اعراف/۱۶۹.

یاد همسالان و همگان خویش را که در گذشته اند و تو تنها مانده ای، از خاطر برده ای. بنگر آیا آن گونه که تو گرفتار (و آلوده) شده ای، آنان گرفتار بودند و آیا آنچنان که تو سقوط کردی، سقوط کردند؟ آیا تو امر نیکی را یاد کردی که آنان آن را نادیده گرفتند؟ آیا چیزی را دانستی که آنان ندانستند؟ نه، چنین نیست؛ بلکه در اثر موقعیتی که پیدا کردی، در چشم عوام منزلت و احترام یافتی و وضع تو آنان را به زحمت افکند؛ زیرا از رأی تو پیروی می‌کنند و به دستور تو عمل می‌نمایند. هر چه را تو حلال بشماری حلال، و آنچه را حرام بشماری، حرام می‌شمارند.

البته تو چنین صلاحیت و اختیاری (در حلال و حرام) نداری؛ ولی آنچه آنان را بر تو چیره ساخته، طمع بستن‌شان به آنچه تو

بیمناک باشد، و بدا به حال کسی که می‌میرد و گناهانش بعد از وی می‌ماند. هوش یار و بیدار باش که بدین وسیله به تو اعلام خطر شد (و در جهت اصلاح خویش) گام پیش بنه که (فعلاً) به تو مهلت داده شده است! تو با نادانان طرف نیستی، و آن کس (خدا) که حساب اعمال تو را نگه می‌دارد، هرگز (از لغزش‌هایت) غافل نمی‌شود. آماده سفر باش که سفر دوری در پی ش داری. گناهانت را درمان کن که دلت سخت بیمار شده است. گمان نکن که من می‌خواهم تو را سرزنش کنم. نه، خواستم خدا اشتباهات گذشته تو را جبران کند و دین از دست رفته ات را به تو بازگرداند، و در این کار، سخن خدا را یاد کردم که فرمود: "تذکر بده؛ زیرا تذکر برای م‌ؤمنان سودمند است."^۱

۱. [وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذُّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ] ذاریات/ ۵۵.

تا به پاکان و
صالحان پیشین
بپیوندي . آنان که
اینک در کفنهایی
پوسیده در آغوش خاک
خفته اند . شکمهایشان
به پشتهایشان چسبیده
و بین آنها و خدا
هیچ حجاب و حایلی
نیست . دنیا آنان را
فریب نمی دهد و آنان
شیفته دنیا نمی گردند
و (به دیدار خدا) دل
بستند و آنگاه به
(میعاد) معبود فرا
خوانده شدند و چندی
نگذشت که (به اسلاف
خود) پیوستند .
در صورتی که دنیا
تو را در این سن
پیری و با این مقام
علمی و در این دم
مرگ، این گونه گمراه
و شیفته سازد، پس از
جوانان کم سن و سال،
نادان، سست رأی و
اشتباه کار چه
انتظاری می توان
داشت؟ [إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا
إِلَيْهِ رَاغِبُونَ].
به چه کسی باید
پناه برد و از چه
کسی باید چاره
درماندگی را خواست؟
از مصیبت خود، و
آنچه در تو مشاهده

داری، از دست رفتن
علمایشان، چیرگی
نادانی بر تو و
آنان، و ریاست طلبی
تو و آنان بوده است.
آیا نمی بینی که
چقدر در نادانی و
غرور فرو رفته ای؟ و
مردم چقدر در
گرفتاری و فتنه به
سر می برند؟! تو آنان
را گرفتار کردی و
مردم با دیدن وضع و
موقعیت تو،
دستاوردهای خود را
نادیده گرفته، شیفته
مقام و منصب تو
شدند، و دلهایشان
مشتاق است که به
رتبه علمی تو نایل
گردند، یا به مقام و
منصب تو برسند، و
بدین ترتیب در اثر
رفتار و حرکت تو، در
دریایی (از گمراهی)
سقوط کردند که عمق
آن ناپیدا است و به
گرفتاری دچار شدند
که ابعاد آن نامعلوم
است . خدا به داد ما
و تو برسد که او
فریادرس (درماندگان)
است.
اینک از تمام
منصبها و سمتهای
خویش کناره گیری کن

می‌کنیم، به خدا شکوه می‌کنیم و در این مصیبتی که توسط تو بر ما وارد شده است، انتظار اجر و پاداش از پیشگاه او داریم. بنگر که چگونه سپاس خدا را که در خردی و بزرگی، به تو روزی داده، به جای آوردی؟ و چگونه در پیشگاه خدا که تو را در پرتو دینش در میان مردم آبرو بخشیده، تعظیم کردی؟ و چگونه حرمت کسوت الهی را که تو را در آن بین مردم پوشیده داشته، حفظ نمودی؟ و میزان نزدیکی یا دوری تو، نسبت به خدا که به تو دستور داده است به او نزدیک شوی و تسلیم فرمانش باشی، تا چه حد است؟ تو را چه شده است که از خواب غفلت بیدار نمی‌شوی و از لغزشهایت توبه نمی‌کنی؟ و می‌گویی: «به خدا سوگند! هیچ وقت حرکتی برای خدا نکرده‌ام، مگر آنچه که در آن دین خدا را زنده کرده یا باطلی را از بین برده

باشم»؟! آیا این است شکر نعمت پروردگار که تو را حامل علوم دین قرار داده است؟! چقدر می‌ترسم که مصداق این سخن خدا در قرآن باشی که فرمود: "نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید."^۱ خدا تو را حامل (علوم) قرآن قرار داد و علم دین را نزد تو به امانت سپرد؛ ولی تو آن را ضایع گردانیدی. خدا را سپاس می‌گذاریم که ما را از گمراهی تو حفظ کرد. والسلام».^۲

۲. تکذیب روایات جعلی باند اموی
یحیی بن اکثم (از

۱. [أضاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَا] میریم / ۵۹. در تفسیر جمله آخر آیه احتم ال دیگری نیز داده شده است.

۲. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۷۴ تا ۲۷۷؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۲۸۹ تا ۲۹۴.

بود. هر کس به عمد بر من دروغ ببندد، جایگاهش در آتش خواهد بود. پس چون حدیثی از من برای شما نقل شد، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه را که با این دو موافق بود، بگیرید و آنچه را که مخالف آنها بود، رها کنید. امام حدیث ذکر شده یحیی را جعلی دانست؛ چون با قرآن ناسازگار بود و با استناد به آیه ۱۶

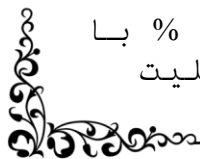
سورة «ق» که می‌فرماید: **خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ**؛ «ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم که در دلش چه چیزی می‌گذرد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.» بر بطلان حدیث یحیی اینگونه استدلال فرمود: آیا خشنودی و ناخشنودی ابو بکر بر خدا پوشیده بوده است تا آن را از پیامبر - بپرسد؟ این عقلاً محال

۱. ق / ۱۶.

علمای مشهور عصر خلافت مأمون (در حضور مأمون عباسی و امام جواده% و گروه بسیاری از حاضران به امام جواد % رو کرد و احادیثی را که عثمانیه به نفع دو خلیفه اول جعل کردند، بازگو کرد و امام به نحو علمی و حسابشده ای در فضایی آرام، تک تک آن روایات را رد کرد و با استدلالهای قوی خود، جعلی بودن آن احادیث را برای همگان روشن ساخت.

سپس یحیی گفت : جبرئیل به حضور پیامبر- رسید و گفت : یا محمد! خدا به شما سلام می‌رساند و می‌گوید : من از ابوبکر راضی هستم، از او بپرس که آیا او هم از من راضی است؟ نظر شما (امام جواده%) راجع به این حدیث چیست؟ امام با استناد به قول پیامبر - که فرمود : کسانی که بر من دروغ می‌بندند، بسیار شده اند و بعد از من نیز بسیار خواهند

- است . یحیی گفت :
- روایت شده است که :
- «ابو بکر و عمر در زمین مانند جبرئیل در آسمان هستند.»
- حضرت فرمود :
- درباره این حدیث نیز باید دقت شود؛ چراکه جبرئیل و میکائیل دو فرشته مقرب درگاه خدا هستند و هرگز گناهی از آن دو سر نزده است و لحظه ای از دایرة اطاعت خدا خارج نشده اند؛ ولی ابوب کر و عمر مشرک بوده اند، هر چند پس از ظهور اسلام مسلمان شده اند؛ اما اکثر دوران عمرشان را در شرك و بت پرستی سپری کرده اند . بنابراین، محال است که خدا آن دو را به جبرئیل و میکائیل تشبیه کند.
- یحیی گفت : همچنین روایت شده است که :
- «ابوبکر و عمر دو سرور پیران بهشت اند.» درباره این حدیث چه می‌گویید؟ حضرت فرمود : این روایت نیز محال است درست باشد؛ زیرا بهشتیان همگی جوان اند و پیری
- در میان آنان یافت نمی‌شود (تا ابوبکر و عمر سرور آنان باشند!)
- این روایت را بنی‌امیه، در مقابل حدیثی که از پیامبر اسلام - درباره امام حسن و حسین نقل شده است که «حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت اند» جعل کرده اند.
- یحیی گفت : روایت شده است که : «عمر بن خطاب چراغ اهل بهشت است .» امام جواد % فرمود : این نیز محال است؛ زیرا در بهشت، فرشتگان مقرب خدا، حضرت آدم، حضرت محمد-، و تمام انبیا و فرستادگان خدا حضور دارند، چطور بهشت با نور اینها روشن نمی‌شود؛ ولی با نور عمر روشن می‌گردد؟! یحیی اظهار داشت : روایت شده است که : «سکینه» به زبان عمر سخن می‌گوید (یعنی عمر هر چه بگوید، از جانب ملک و فرشته است).
- امام جواد % با استناد به افضلیت



نوح»^۱
**یکی از
مهمترین
خطرهایی که در
طول تاریخ،
شیعه را تهدید
کرده است،
مسئله غلو
می باشد**

از این آیه صریحاً
برمی آید که خدا از
پیامبران پیمان
گرفته است، در این
صورت چگونه ممکن است
پیمان خود را تبدیل
کند؟ هیچ يك از
پیامبران به قدر چشم
بر هم زدن به خدا
شرك نوزدیده اند .
چگونه خدا کسی را به
پیامبری مبعوث می کند
که بیش تر زندگانی اش
را با شرك به خدا
سپری کرده است؟! -
و نیز پیامبر -
فرمود : «در حالی که
آدم بین روح و جسد
بود (و هنوز آفریده
نشده بود) من پیامبر

ابوبکر بر عمر به
گفته خود ابوبکر
استناد کرد که بالای
منبر می گفت : «من
شیطانی دارم که مرا
منحرف می کند، هرگاه
دیدید از راه راست
منحرف شدم، مرا به
راه درست باز
آورید.»

خلاصه جواب امام به
این حدیث جعلی این
بود که چگونه ممکن
است ابوبکری که برتر
از عمر است، بر روی
منبر می گفته : شیطانی
دارد که او را منحرف
می کند؛ ولی عمر هر
چه بگوید، از جانب
مَلَك و فرشته است؟
یحیی گفت : روایت
شده است که پیامبر -
فرموده : «اگر من به
پیامبری مبعوث
نمی شدم، حتماً عمر
مبعوث می شد.» امام
جواده % فرمود : کتاب
خدا (قرآن) از این
حدیث راست تر است .
خدا در کتابش فرموده
است : «به خاطر بیاور
هنگامی را که از
پیامبران پیمان
گرفتیم و از تو و از

۱. [وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ
احزاب/ ۷.]

- شدم. «
 يحيي که احاديث
 جعلي را يکي پس از
 ديگري مطرح مي نمود
 تا شايد امام به يکي
 از آنها نتواند پاسخ
 روشني دهد، به حديث
 جعلي ديگري تمسک کرد
 و گفت : روايت شده
 است که پیامبر -
 فرمود : «هيچ گاه وحی
 از من قطع نشد، مگر
 آنکه گمان بردم که
 به خ اندان خطاب (پدر
 عمر) نازل شده است؛
 يعني گمان کردم که
 نبوت از من به آنها
 منتقل شده است.
 امام جواد% فرمود:
 اين نیز محال است؛
 زیرا امکان ندارد
 پیامبر در نبوت خود
 شک کند . خدا
 مي فرماید : «خداوند
 از فرشتگان و همچنين
 از انسانها رسولاني
 برمي گزيند
 (بنابراين، با گزينش
 الهي، ديگر جاي شکی
 براي پیامبر در باب
 پیامبر خویش وجود
 ندارد) .
 يحيي گفت : روايت
- شده است که پیامبر -
 فرمود : «اگر عذاب
 نازل مي شد، کسي جز
 عمر از آن نجات
 نمي يافت .» امام
 جواد% پاسخ داد : اين
 نیز محال است؛ زیرا
 خدا به پیامبر اسلام -
 فرموده است : «و
 مادام که تو در میان
 آنان هستي، خدا آنان
 را عذاب نمي نمايد و
 نیز مادام که
 استغفار مي کنند، خدا
 عذابشان نمي کند .»^۲
 بدین ترتیب، تا زماني
 که پیامبر - در میان
 مردم است و تا زماني
 که مسلمانان استغفار
 مي کنند، خدا آنان را
 عذاب نمي کند .^۳ يحيي
 که ديگر از تسليم
 شدن امام مأيوس شد،
 حديث جعلي ديگري را
 بيان نکرد و آن جلسه
 با تسليم شدن يحيي
 در برابر استدلالهاي
 زيباي امام % به
 پايان رسيد.

۲. [وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ] انفال/ ۳۳.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسي، مؤسسه الوفاء، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ۵۰ ج، ص ۸۰ تا ۸۳.

۱. [اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ] حج/ ۷۵.

اهلبیت) چنین اف رادی پیدا شوند تا بتوانند عقاید آنان را به شیعیان نسبت دهند و بدین ترتیب پیروان اهل بیت (را غالی و خارج از زمره مسلمانان معرفی کنند.^۱

مسئله غلو ابزار دست دشمنانی شد که به وسیله آن، شیعه را مورد اتهام قرار دادند و این دسته از غالیان نفوذی آگاهانه یا غیرآگاهانه آلت دست کسانی شدند که هدفی جز تخریب وجهه امامان) و مذهب تشیع را نداشتند.^۲

امام رضا %
می‌فرماید: «انَّ مُخَالِفِينَا وَضَعُوا اَخْبَاراً فِي قِصَائِلِنَا وَجَعَلُوها عَلَي ثَلَاثَةِ اَفْسَامٍ اَحَدُها الغلو وَ ثَانِيها

ج) مواجهه فکری و عملی ائمه) با غالیان نفوذی یکی از مهم ترین خطرهایی که در طول تاریخ، شیعه را تهدید کرده است، مسئله غلو می باشد. به طوری که م خالفان و دشمنان شیعه، پیوسته آنان را به غلو و زیاده روی در مورد امامتشان متهم می‌کرده‌اند. وجود غالیان نفوذی در میان مسلمانان، بیشتر معلول عوامل خارجی بوده است. بدین شرح که وقتی دشمنان اسلام با مقابله مستقیم نتوانستند به اسلام ضربه بزنند و اسلام سرزمینه ای آنان را در نوردید و دشمنان را شکست داد، آنان در صدد برآمدند که از داخل به اسلام ضربه بزنند، لذا اصول نخستین اسلام را مورد هدف قرار دادند. دستگاه های سیاسی حاکم که دشمنان شیعه به حساب می‌آمدند نیز بی میل نبودند که در میان شیعیان و پیروان

۱. ر. ک: تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، غلامحسین محرمی، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۱۶.
۲. ر. ک: فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، زمستان ۸۴، ش ۱۲، غلو و اهل غلو در فرهنگ شیعی، دکتر قاسم بستانی، ص ۴۱.

ما دشنام می‌دهد، در حالی که خدا می‌فرماید: به مشرکان دشنام ندهید تا آنان به خدا دشنام ندهند.»

ائمه) در مواجهه با غالیان نفوذی پنج شیوه را اتخاذ کردند:

۱. تکذیب غالیان نفوذی (الف) یونس بن عبد الرحمن (از بزرگترین یاران امام رضا (% احادیث بسیاری را رد می‌کرد. وقتی که به او اعتراض شد، در

جواب گفت: من به عراق سفر کردم و در آنجا با تعداد زیادی از اصحاب امام باقر و امام صادق و ملاقات کردم و از آنان حدیث شنیدم و از کتابهایشان

نسخه برداری کردم، سپس آن کتابها را بر امام رضا (% عرضه کردم و آن حضرت احادیث بسیاری را رد فرمود و اینکه آن احادیث از امام صادق % باشد، انکار نموده، به من

فرمود: همانا ابو الخطاب بر ابوعبدالله % دروغ می‌بست، پس خدا

التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَ
ثَالِثَهَا التَّصْرِيحُ بِمَثَالِبِ
أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ
النَّاسُ الْغُلُوَّ فِينَا
كَفَرُوا شَيْعَتَنَا وَ نَسَبُوهُمْ
إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا وَ
أِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ
أَعْتَقَدُوهُ فِينَا وَ إِذَا
سَمِعُوا مَثَالِبَ أَعْدَائِنَا
بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّوْنَا
بِأَسْمَائِنَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَسُبُّوا
الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ
عِلْمٍ؛^{۱ و ۲} مخالفان ما
احادیثی را در فضایل
ما وضع کرده‌اند که
بر سه نوع اند: غلو،
تقصیر در کار ما،
تصریح به مثالب و
عیوب دشمنان ما. اگر
کسی غلو در حق ما را
بشنود، شیعیان ما را
تکفیر می‌کند و آنها
را قائل به ربوبیت
ما می‌شمارد. و اگر
تقصیر در حق ما را
بشنود، آن را در حق
ما باور می‌کند و اگر
مثالب و معایب
دشمنان ما را به
نامهایشان بشنود، به

۱. انعام / ۱۰۸.

۲. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، تعلیق شیخ حسین اعلمی، مؤسسه مطبوعاتی اعلمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۰۴.

شیعیان درباره «ابن
حَسَكَه» و عقاید باطل
او، چنین نوشت: ابن
حسکه - که لعنت خدا
بر او باد - دروغ
گفته است. من او را
از دوستان و پیروان
خود نمی دانم. او را
چه شده است؟ خدا
لعنتش کند! سوگند به
خدا! پروردگار، محمد-
و پیامبران پیش از
او را جز به آیین
یکتاپرستی و امر به
نماز، زکات، حج و
ولایت نفرستاده و
محمد- جز به سوی خدای
یکتای بی همتا دعوت
نکرده است. ما
چانشینان او نیز
بندگان خداییم و به
او شرک نمی ورزیم.
اگر او را اطاعت
کنیم، مشمول رحمت او
خواهیم بود و چنانچه
از فرمانش سرپیچی
نماییم، گرفتار
کیفرش خواهیم شد. ما
بر خدا حجتی نداریم؛
بلکه خدا است که بر
ما و تمامی
آفریده هایش حجت دارد

۱. نفرین و لعن غالیان

ابوالخطاب و یارانش
را لعنت کند که این
احادیث را تا امروز
در کتابهای اصحاب
امام صادق % جای
می دهند. آنگاه امام
برای رهایی یارانش
از سردرگمی در
شناختن احادیث صحیح
از احادیث ساختگی
قاعده هایی را بیان
فرمود.

(ب) امام رضا % خطاب
به «حسین بن خالد»
می فرماید: کسی که
قائل به جبر و تشبیه
باشد، کافر و مشرک
است و ما از او در
دنیا و آخرت بیزار
هستیم. ای پسر خالد!
اخباری که درباره
جبر و تشبیه به نام
ما شایع شده است (ما
نگفته ایم؛ بلکه)
آنها را غالیانی که
عظمت خدا را کوچک
کرده اند، به نام ما
ساخته اند.

(ج) امام هادی % در
پاسخ به سؤال یکی از

۱. ر. ک: آراء ائمة الشيعة
في الغلاة، ميرزا خليل
کمره ای، چاپ افست حیدری،
تهران، ۱۳۵۱ ش، ص ۱۷۰ -
۱۷۱.

۲. بحار الانوار، علامه
مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۶۶.

۳. اختیار معرفة الرجال،
شیخ طوسی، بیتا، ص ۵۱۹.

نفوذی قدرت اوست ، جدا سازد. «
 (ج) امام رضا % می‌فرماید : «لَعَنَ اللَّهُ الْغُلَاةَ أَلَا كَانُوا مَجُوساً أَلَا كَانُوا نَصَارَى أَلَا كَانُوا مُزَجَّئَةً أَلَا كَانُوا حَزُورِيَّةً ثُمَّ قَالَ ع لَا تُقَاعِدُوهُمْ وَ لَا تُصَادِقُوهُمْ وَ ابْرَأُوا مِنْهُمْ بَرِيءٌ اللَّهُ مِنْهُمْ»^۳ خدا غالیان را لعنت کند که بدتر از مجوس، یهود، نصاری، قدریه، مرجئه و حروریه (خوارج) می‌باشند. با آنها نشست و برخاست و دوستی نکنید و از آنها بیزاری جوئید که من از آنها بیزارم.»
 ۳. صدور فرمان طرد غالیان نفوذی
 ائمه) به یاران و پیروان خود دستور می‌دادند که از معاشرت با غالیان خودداری کنند و با آنان هیچ رابطه ای نداشته باشند، به خصوص ارتباط با غالیان را برای جوانان خطرناک

الف) امام صادق % غالیانی که به (برخی از) امامان (نسبت نبوت دادند، این چنین لعن کرد : «مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَ مَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»^۱ کسی که بگوید ما نبی هستیم، لعنت خدا بر او باد و کسی که در این امر تردید کند، بر او نیز لعنت خدا باد!»

ب) امام صادق % (که در زمان ایشان غالیان زیادی وجود داشتند) فرمود : «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَالَ قَالَ فَبِنَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَرَانَا عَنِ الْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا وَ إِلَيْهِ مَابُنَا وَ مَعَادُنَا وَ بِيَدِهِ نَوَاصِينَا»^۲ لعنت خدا بر کسی که چیزی در حق ما بگوید که ما خود نگفته ایم. لعنت خدا بر کسی که ما را از عبودیت برای خدایی که ما را خلق کرده و بازگشت ما به سوی او و سرنوشت ما در ید

۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۷۳.

۱. همان، ص ۳۰۱.

۲. همان، ص ۳۰۲.

- می‌دانستند^۱ که به روایاتی در این زمینه اشاره می‌کنیم:
- (الف) امام صادق % فرمود: از غالیان، نسبت به جوانان خود برحذر باشید که مبادا آنان را فاسد سازند.^۲
- (ب) همچنین فرمود: ابو الخطاب و اصحابش ملعون‌اند. با معتقدین به مرام او همنشین نشوید! من و پدرانم از او بیزاریم.^۳
- (ج) امام رضا % در روایت مفصلی خطاب به «حسین بن خالد» در رابطه با غالیان چنین می‌فرماید: کسی که آنها را دوست بدارد، ما را دشمن داشته و کسی که آنها را دشمن بدارد، ما را دوست داشته است. کسی که با آنها وصل باشد، با ما قطع
- رابطه کرده و کسی که با آنها قطع رابطه کند، به ما وصل است. کسی که به آنها جفا کند، به ما نیکی کرده و کسی که به آنها نیکی کند، به ما جفا کرده است. کسی که آنها را اکرام کند، به ما اهانت کرده و کسی که به آنها اهانت کند، ما را اکرام کرده است. کسی که سخنان آنها را قبول کند، ما را رد کرده و کسی که آنها را رد کند، ما را قبول کرده است. کسی که به آنها احسان کند، به ما بدی کرده و کسی که به آنها بدی کند، به ما احسان نموده است. کسی که آنها را تصدیق کند، ما را تکذیب کرده و کسی که آنها را تکذیب کند، ما را تصدیق کرده است. کسی که به آنها اعطا کند، موجب حرمان ما شده و کسی که آنها را از اعطا محروم کند، در حقیقت به ما اعطا کرده است. ای پسر خالد!
۱. ر. ک: غالیان، نعمت الله صفري فريوشاني، بنياد پژوهشهاي اسلامي، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۶۵.
۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، ج ۲۵، ص ۲۶۵.
۳. الغيبة، شيخ طوسي، تحقيق عباد الله طهراني و علي احمد ناصح، مؤسسه معارف اسلاميه، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۷۷.

فریب می‌دهد و آنان را به بدعت در دین فرا می‌خواند. خون او برای هر کس که او را بکشد، هدر است. کیست که با کشتن او مرا راحت کند؟ من در مقابل، بهشت را برای او تضمین می‌کنم. یکی از یاران امام به نام «جنید» فرمان آن حضرت را درباره فارس اج را کرد و با قتل وی جامعه اسلامی را از شر او راحت کرد.^۳ البته در بعضی از روایات به کشتن غالیان تصریح نشده؛ بلکه فرمان سرشکستن غالیان آمده است. برای نمونه به روایتی از امام عسکری % اشاره می‌نماییم. ایشان در نامه‌ای خطاب به بعضی از یاران خود، ضمن ابراز تنفر و انزجار از «علی بن حسکه» و غالیان دیگر می‌فرماید: «از آنها دوری کنید که لعنت خدا بر آنها باد و اگر هر یک از آنها

کسی که شیعه ماست، نباید هیچ یک از آنان را به عنوان دوست و یاور خود بگیرد!»^۱

۴. فرمان قتل غالیان نفوذی الف) امام جواد % به یکی از یاران خود به نام «اسحاق انباری» می‌فرماید: خون «ابو السمهری» و «ابن ابی الزرقاء» که بر ما دروغ می‌بندند، برای تمام مسلمانان هدر است. امام از اسحاق ق می‌خواهد که آنها را بکشد و به او وعده راحتی در بهشت می‌دهد؛ اما آن دو، همیشه از اسحاق دوری می‌جستند و اسحاق موفق به کشتن آنها نشد.^۲

ب) امام هادی % دستور قتل یکی از خطرناک ترین افراد غالی؛ یعنی «فارس بن حاتم» را صادر کرد و نوشت: «فارس» به اسم من دست به ک ارهایی می‌زند و مردم را

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۶۶.
 ۲. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ص ۳۲۵.

۳. همان، ص ۵۲۴.

را یافتی، سر او را با سنگ بشکن.»^۱
 ۵. ردّ عقاید غالیان
 الف) امام صادق % در ردّ کسانی که می‌گفتند: ائمه) رزق و روزی بندگان را اندازه گیری می‌کنند، فرمود : به خدا سوگند ! ارزاق ما را جز خدا تقدیر و اندازه گیری نمی‌کند و من خود، به غذایی برای خانواده ام احتیاج داشتم، سینه ام تنگ و فکرم مشغول شد، تا اینکه رزق آنان را تأمین کردم و نفسی به راحتی کشیدم.^۲
 ب) ابو بصیر به امام صادق % عرض کرد : آنها (غالیان) می‌گویند که شما عدد قطره‌های باران، ستارگان، برگ‌های درختان و نیز وزن آنچه که در دریاست و عدد خاکها را می‌دانید. امام صادق % با شنیدن این سخنان سر به آسمان بالا برد و فرمود : سبحان الله !

سبحان الله ! نه به خدا سوگند ! اینها را جز خدا کسی نمی‌داند.^۳
 ج) امام صادق % در ردّ کسانی که به ایشان نسبت نبوت می‌دادند، فرمود : لعنت خدا بر کسی باد که بگوید ما پیامبر هستیم و نیز لعنت بر کسی باد که در این مطلب شك کند.^۴
 می‌بینیم که ائمه) در برخورد جدی و قاطعانه با مسئله غلو، ضمن بیان عقاید صحیح، توانستند شدت انزجار خود را از عقاید غلوآمیز آنان نشان دهند و تا حدّ زیادی بهانه دشمنان را در غلوآمیز نشان دادن و تخریب مذهب تشیع سلب نمایند.

۳. اختیار معرفة الرجال،

شیخ طوسی، ص ۱۹۳.

۴. همان، ص ۱۹۴.

۱. همان، ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۲۰۷ تا ۲۰۸.

دروغ

رذیله بزرگ اخلاقی

۴



علی مختاری

توجیه، تزیین و تشویق، در می آراید؛ با الفاظی همچون : شوخی و مزاح مستحب است و

حضرت سجاد % همواره به فرزندانش گوشزد می فرمود : «اتَّقُوا الْكِبْرَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَ الْكِبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَ هَذَا فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَى عَلَى الْكِبِيرِ؛^۱ از دورغ بپرهیزید ! کوچک و بزرگش، جدی و شوخی اش؛ زیرا هر گاه انسان در مورد کوچک دروغ بگوید، بر دروغ

در شماره ۱۵۹ از ماهنامه مبلغان، مبحثی با عنوان «دروغ، رذیله بزرگ اخلاقی» آغاز گردید و در شمار ه های ۱۶۰ و ۱۶۱ ادامه آن ارائه شد؛ در ضمن این موضوع به مباحثی همچون : «معنای دروغ»، «مفاسد فردی و اجتماعی دروغ»، «نکوهش دروغ»، «پیامدهای دروغ»، «راه درمان»، «و ریشه ها و انگیزه ها» و... اشاره گردید؛ اکنون ادامه این مبحث تقدیم می گردد.

دروغ شوخی

شیطان برای ش کستن قبح دروغ ، آن را در

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، ج ۷۲، ص ۲۳۵، ح ۲.

پاسخ شنید: زیرا عقل را مختل می سازد و هنگامی که انسان تحت فرمان عقل نباشد، دست به هر کاری می زند و ... دوباره پرسید: اگر چند قطره مصرف شود، عقل را نابود نمی کند. آقا پاسخ دادند: اگر شرب خمر - ولو اندک - تجویز شود، به تدریج مردم عادت می کنند، قبح آن فرو می ریزد و نوع مردم این گونه اند که بر یکی دو قطره باقی نمی مانند و روز به روز بر آن می افزایند. پزشک از این نوع پاسخها خیلی خرسند شد.

بیشتر معتادان یا جانیان خطرناک، روز اول تصور نمی کردند به این مراحل برسند. بنابراین می توان گفت: برخی اقسام دروغ همانند گناهان کوچکی هستند که به آهستگی افراد را به لبة پرتگاه و سقوط به اعماق ظلمت و تاریکی می رسانند. امام علی% به «اصبغ بن نباته» از خواص اصحاب امام %

بزرگ نیز جرأت پیدا می کند.»
- پیامبر خدا می فرماید: «من ضمانت می کنم خانه ای را در حومه بهشت، خانه ای را در وسط بهشت و خانه ای را در مراتب بالای بهشت برای کسی که: «تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُجِبًّا وَ لِمَنْ تَرَكَ الْكُذِبَ وَ إِنْ كَانَ هَازِلًا وَ لِمَنْ حَسُنْ خُلُقُهُ؛» مرء و جدال بی جا را ترک کند، هر چند حق با او باشد و برای کسی که دروغ را، هر چند شوخی باشد ترک نماید و برای کسی که اخلاقش را نیکو گرداند.»
در اواخر حیات پربار حضرت آیت الله حاج آقا حسین بروجردی، پزشکی از خارج برای معالجه ایشان آمده بود. وی از این فرصت، حُسن استفاده را کرد و سؤالاتی پرسید، از جمله گفت: چرا اسلام مشروبات الکلی و خمر را حرام کرده است؟

۱. الخصال، شیخ صدوق، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۴۴ و ۱۷۰.

و مقداری نوشید . سپس پیامبر خدا - به او فرمود : شیر را به بقیة زنان و همراهانت بده تا بنوشند . آنها گفتند : ما میل نداریم ! حضرت فرمودند : «لَا تَجْمَعْنَ جُوعاً وَ كَذِباً»^۱ گرسنگی و دروغ را با هم جمع نکنید.

اسماء می گوید : من عرض کردم : ای رسول خدا ! اگر کسی از ما میل به چیزی داشته باشد و بگوید : میل ندارم . آیا این دروغ به شمار می آید؟ فرمودند : «إِنَّ الْكُذِبَ لِيُكْتَبُ حَتَّى يُكْتَبَ الْكُذِيبَةُ كُذِيبَةً»^۲ دروغ (در نامه عمل) نوشته می شود، حتی دروغ كوچك هم، دروغ كوچك نوشته می شود.

تعارفات دروغین

یکی از دانشجویان خارجی با قاطعیت می گفت : ایرانیها دروغگو هستند و بر همین عقیده بود . وقتی دلیل خواستیم، گفت : خودم بارها تجربه کرده ام . گفتم :

می فرماید : «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكُذِبَ هَزْلَهُ وَ جَدَّهُ»^۱ هیچ کس طعم ایمان را نمی چشد، مگر آنکه دروغگویی را به شوخی یا جدی رها سازد. مکتب تربیتی اسلام در تربیت فرد چه دست توانایی دارد ! و چه امتیازات روشنی ! هم چنان که اگر کسی غذایی را خورد و طعم آن را درک نکرد، قطعاً جسم او مریض است.

دروغ كوچك و یا تعارف

«اسماء بنت عمیس» می گوید : من ساقدوش عایشه بودم که او را مهیا کردم و نزد رسول خدا - بردم . عده ای از زنان نیز با من بودند . به خدا سوگند ! نزد حضرت - خوراکی جز ظرفی شیر نبود . ایشان مقداری نوشیدند، سپس به عایشه دادند . عایشه خجالت کشید و آن را نگرفت . من گفتم : دست رسول خدا - را کوتاه مکن ! عایشه با شرم، آن ظرف شیر را گرفت

۲. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۵۸، باب ۱۱۴.
۳. همان، ج ۷۲، ص ۲۵۸، ح ۲۰.

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷۲، ص ۲۴۹، ح ۱۴.

که قادر نیست با رعایت ادب و انسانیت جلوی در رفته و بگوید: «الآن از پذیرفتن شما معذورم»، مرتکب دروغ شده، زن یا خانواده اش را مجبور می‌کند که بروند و بگویند: «آقا در منزل نیست» غافل از اینکه برای فرار از ترک آداب معاشرت خیالی، به ترک ادبی که از لوازم ایمان است، اقدام کرد. نظیر این مسئله کارهای معمولی و روزانه ای است که متأسفانه عده ای از مسلمانان به خاطر آنکه طعم ایمان را نچشیده و قدرت نفس، در آنها به وجود نیامده، مرتکب می‌شوند.^۱

تمرین رازداری

برخی از دروغها، از آن رو انجام می‌شود که انسان نمی‌خواهد یا نمی‌تواند حقیقت را بگوید. حال به جای دروغ، اگر تمرین کنیم رازدار باشیم،

ما که ایرانی هستیم، چرا تجربه نکرده ایم؟ گفت: بارها شده که راننده تاکسی به خودم می‌گفت: قابل نداره، مهمان ما باشید. بعد که پیاده می‌شدم. با فحاشی پرخاش می‌کرد که چرا کرایه نمی‌دهی! گفتم: است که در بسیاری کشورها تعارف وجود ندارد.

شهامت «نه» گفتن

اگر شهامت نه گفتن، صراحت لهجه، کنار گذاشتن رودربایستی و کم رویی را تمرین کنیم، نیازی نمی‌بینیم که در بسیاری موارد دروغ بگوییم.

شهادت قدوسی (می‌گوید: «اگر شخصی - بر خلاف آداب معاشرت - از موضوع

محرمانه ای سؤال کند، برای اینکه جواب‌دهنده این قدرت نفس [شهامت] را در خود نمی‌بیند که بگوید: "متأسفانه از جواب صریح به شما معذوریم" دست به دامن دروغ می‌زند.»

گاهی درب خانه را می‌کوبند و صاحبخانه

۱. اخلاق، از دیدگاه قرآن و سنت، (مجموعه مقالات)، ص ۳۲۱ - ۳۲۶ (با کمی ویرایش).

هم راه نجاتی است از دروغ، و هم عمل به یکی از وظایف اسلامی. به عبارتی «گفتن دروغ، حرام است؛ ولی گفتن راست که واجب نیست.»

توضیح:

از اخلاق واجب شیعه، کتمان اسرار مذهب و نظام است. البته رازداری در مسائل فردی و خانوادگی و... نیز لازم است؛ ولی آنچه برای مبلغ اهمیت ویژه ای دارد، رازداری در امور مربوط به حوزه های علمیه، مرجعیت، ولایت و نظام اسلامی است؛ زیرا دیده شده که برخی سخنرانان در رسانه ملی به طلاب یا حوزه - به اعتقاد خودشان - نصیحت می‌کنند؛ ولی در واقع پرده دري یا تضعیف، صورت می‌گیرد و نکته ای را که مربوط به چند نفر است، برای ده ها هزار روحانی شایع می‌کنند و آبرو و ابهت تشیع را زیر سؤال می‌برند. با کتوم بودن، موفق خواهیم شد که خیلی

از سخنان یا اسرار را نگوییم و به دروغگویی مجبور نشویم. در کتب روایی ابوابی با تعبیر «کتمان السر» و «اذاعة اسرار» وجود دارد که تفسیرش مقالی مفصل می‌طلبد. امروزه نشر علنی برخی از سب و لعنها، که جان و خون مؤمنین را در اطراف جهان به خطر می‌اندازد، از مصادیق «اسرار اهل بیت» است.

امام سجاد % می‌فرماید: «وَدِدْتُ وَ اللَّهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ خَصْلَتَيْنِ فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمِ سَاعِدِي النَّزْقِ وَقِلَّةِ الْكَيْمَانِ؛»^۱ به خدا سوگند دوست دارم به جبران دو خصلت شیعیانمان، مقداری از گوشت بازو یم را فدیة دهم [آن دو خصلت عبارت اند از: شتابزدگی و رازدار نبودن.]

امام صادق % می‌فرماید: «كَيْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛»^۲

۱. الکافی، شیخ کلینی، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۱.
۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۷۰،

می‌فرماید: «مَنْ أَدَاعَ عَلَيْنَا حَدِيثَنَا فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ جَدَّ حَقْنَا»^۲ کسی که حدیث ما را به زبان فاش سازد، به منزله کسی است که حق ما را انکار کند.»

و نیز می‌فرماید: «مَا قَتَلْنَا مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا قَتَلَ خَطَاً وَ لَكِنْ قَتَلْنَا قَتْلَ عَمْدٍ»^۳ آن کس که حدیث ما را فاش سازد، ما را به خطا نکشته؛ بلکه به قتل عمد کشته است.»

مولوی عبد الحمید از طلاب اهل سنت می‌گوید: خدمتی که فلان روحانی شیعه (که به اهل سنت بدگویی می‌کرد و فیلم بدگوییهای او در بین اهل سنت منتشر شد و موجب پرورش صدها نفر با روحیه عبدالملک و برادرش عبد الحمید ریگی و القاعده شد) به ما کرد، با میلیاردها دلار نمی‌توانستیم انجام دهیم.

رفتار مؤمنان با دروغگو دروغ، نوعی بیماری است و انواع گوناگون

پوشیده نگه داشتن اسرار ما، جهاد در راه خدا است.»
همچنین می‌فرماید: «وَ اللَّهُ إِنْ أَحَبَّ أَحْبَابِي إِلَيَّ أَوْزَعُهُمْ وَ أَفْقَهُهُمْ وَ أَكْتَمَهُمْ لِحَدِيثِنَا»^۱ به خدا سوگند!

محبوب ترین یارانم نزد من کسی است که پاکدامن ترین، دین‌شناس ترین و رازدارترین فرد نسبت به سخنان ما باشد.»
با توجه به سفارش اکید بر نشر و تبلیغ حدیث، روشن است که این احادیث به سخنانی از ائمه (نظر دارد که نباید همگانی شوند و جزء اسرار محرمانه و طبقه‌بندی شده‌اند. در نظامهای مختلف دنیا اسرار و اسناد محرمانه را بدین‌گونه تقسیم می‌کنند: «محرمانه»، «خیلی محرمانه»، «سری» و «به کلی سری».

صاحب کتاب «میزان الحکمة» در واژه «کتم» ۲۵ حدیث نقل می‌کند. به عنوان مثال: امام صادق %

۲. همان، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲.
۳. همان، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۴.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۷.

دیگر باور نخواهد شد.»

امام صادق %
می‌فرماید: «لَا تُشَاوِرْ
أَحْمَقَ وَلَا تَسْتَعِنْ بِكَذَّابٍ
وَأَحْمَقُ...»^۲ با احمق

مشورت مکن و از
دروغگو یاری
مخواه...!»
۲. عدم مشورت

امام علی %
می‌فرماید: «لَا رَأْيَ
الْكَذَّابِ»^۳ دروغگو، نظری
ارزشمندی ندارد.»

و نیز می‌فرماید: «لَا
تَسْتَشِرْ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ
كَالسَّرَابِ، يُقَرَّبُ عَلَيْكَ
[إِلَيْكَ] الْقَرِيبُ»^۴ با
دروغگو مشورت مکن؛

چون واقعاً او مانند
سراب، دور را در
نظرت نزدیک نشان
می‌دهد و نزدیک را
دور.»

دارد که به عنوان
اصل اولی باید به
فکر نجات و شرفی
آنان بود و وظیفه
امر به معروف و نهی
از منکر را به تناسب
مقتضیات و مورد،
انجام داد، نظیر
برخورد با معتادان،
که یکسان نیست. مثلاً
باید به کسانی که
آغاز راه انحراف
هستند، روحیه داد یا
شخصیت و کرامت آنان
را بازسازی کرد و ...

اکنون چند نکته ای
را در برخورد با
دروغگویان حرفه ای
برای تنبّه آنان یا
مصونیت خودمان از
آسیبهایشان بیان
می‌کنیم:

۱. عدم رفاقت با دروغگو

امیر مؤمنان علی %
می‌فرماید: «بَنِّبْغِي
لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ
مُواخَاةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ
يَكْذِبُ حَتَّى يَجِيءَ بِالصِّدْقِ
فَلَا يُصَدِّقُ»^۱ شایسته است

مسلمان از دوستی و
برادری با دروغگو
پرهیزد؛ زیرا او
آنقدر دروغ می‌گوید
که اگر سخن راستی
نیز بر زبان آورد،

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۳.

۲. تحف العقول، ابن شعبه
حزّانی، ترجمه جعفری،
دارالکتب الاسلامیه، تهران،
چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۱۶.

۳. مستدرک الوسائل، محدث
نوری، مؤسسه آل البيت)، چاپ
سوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۹، ص ۸۸،
ح ۱۰۳۰۰.

۴. غرر الحكم و درر الكلم،
عبدالواحد تمیمی آمدی، نشر
دفتر تبلیغات اسلامی، قم،
چاپ اول، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۴۲، ح
۱۰۳۵۱.

۳. رفتار احتیاط آمیز با دروغگو خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحِّحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ]؛ «اي کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد، درباره آن تحقیق کنید، تا مبادا از روی نادانی به قومی آسیب برسانید، آن گاه از آنچه بر سرشان آورده اید، پشیمان شوید.»

در شأن نزول آیه آمده است: «ولید بن عقبه» از کسانی بود که در ابتدا ظاهری زیبا و خوب داشت، تا جایی که رسول خدا- او را مأمور کرد به سوی قبیله «بنی مصطلق» برود و زکاتهای آنها را بگیرد.

وقتی افراد قبیله شنیدند مأمور پیامبر- می‌آید، به استقبالش شتافتند، ولید ترسید و خیال کرد برای کشتن او می‌آیند، پس

۱. حجرات / ۶.

به مدینه برگشت و به پیامبر خدا- عرض کرد: اینان زکات نمی دهند و... در صورتی که چنین نبود. پیامبر خدا- ناراحت شد و قصد کرد سپاهی به سوی آن قبیله بفرستد که خدا این آیه را نازل کرد.

پس از این ماجرا ولید به عنوان دروغگوی فاسق شناخته شد و پیامبر خدا - فرمود: او اهل آتش دوزخ است. شاید ترک معاشرت و عدم تزویج با دروغگو و رها کردنش سبب بیداری و اصلاح او گردد. امام علی % می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حَسُنَ الْمُدَارَاةُ يُصْلِحْهُ حَسُنَ الْمُكَافَاتِ؛^۳ کسی که ملایمت و حسن سل وک او را اصلاح نکند، مجازات روزگار اصلاحش خواهد کرد.» و نیز می‌فرماید: «مَنْ لَمْ تُصْلِحْهُ الْكِرَامَةُ أَصْلَحَتْهُ الْإِهَانَةُ؛^۴ هر که

۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، انتشارات اسوه، قم، بی تا، ج ۲، ص ۶۸۸ و ر.ک: تفاسیر، ذیل آیه شریفه ۶ حجرات.

۳. غرر الحکم، ص ۶۷۰ و ۷۱۰.

۴. همان.

روشهای کریمانه و
اندرزهای خیرخواهانه
اصلاحش ننماید، هتك
حرمت و توهینهای
اجتماع اصلاحش خواهد
کرد
ادامه دارد...





فلسفه نماز در فرهنگ اسلامی

محمد اسماعیل عبداللہی

قرار گرفتن نماز
 است؛ همانگونه که
 پذیرش همه اعمال و
 عبادات بندگان مشروط
 به قبولی نماز است و
 قبولی نماز متوقف بر
 پذیرش ولایت است.^۱
 بر اساس آموزه های
 دینی، نماز و سایر
 عبادات، برای خداوند
 متعال سودی به همراه
 ندارد و اگر هیچ کس
 در تمامی هستی سر بر

تأکید زیادی بر
 اقامه نماز شده است؛
 همانطور که در ادیان
 گذشته از جایگاه
 والایی برخوردار بوده
 و همه انبیاء گذشته
 بر آن تأکید
 ورزیده اند. اسلام
 برای رساندن انسان
 به سعادت و خوشبختی
 در دنیا و آخرت،
 برنامه و

دستورالعملی قرار
 داده که محور اساسی
 آن، ولایت پذیری است و
 این ولایت پذیری از
 ولایت الهی آغاز و تا
 ولایت رسول خدا - و
 جانشینان آن حضرت (،
 ادامه دارد؛ و پس از
 امر به ولایت پذیری،
 مهم ترین فریضه ای که

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ
 صدوق، دفتر انتشارات اسلامی
 وابسته به جامعه مدرسین
 حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق،
 ج ۱، ص ۲۰۸؛ وسائل الشیعه،
 شیخ حر عاملی، مؤسسه
 آل البیت)، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۳،
 ص ۲۲؛ بحار الانوار، محمدباقر
 مجلسی، دار احیاء التراث
 العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق،
 ج ۷۹، ص ۲۳۶.

كَانَتْ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ
كِتَاباً مَوْقُوتاً؛^۱ «نماز
بر اهل ایمان ، در
اوقات معین مقرر شده
است.»

مرحوم علامه
طباطبایی ذیل آیه
شریفه می نویسد :
«کلمة "موقوت" کنایه
از ثبات و عدم تغیر
است و نمی خواهد
بفرماید نماز
فریضه ای است دارای
وقت، بلکه می خواهد
بفرماید : نماز
فریضه ای است لا یتغیر
و ثابت و بنابر این
اطلاق موقوت بر کلمة
کتاب، اطلاق ملزوم بر
لازمة چیزی است و
مراد از کتاب موقوت،
کتابی مفروض و ثابت
و غیر متغیر است.»^۲

امیرمؤمنان علی %
در وصایای خود بعد
از آن که فرق مبارکش
با شمشیر ابن ملجم
جنایتکار شکافته شد ،
فرمود : «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ
فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ ؛^۳

آستان بندگی حق
تعالی نس اید، بر
دامن کبریایی او
گردی نمی نشیند؛ ولی
غفلت انسان از
خداوند، زمینۀ سقوط
وی به پست‌ترین درجات
را فراهم می‌کند. حال
آن‌که یاد خداوند او
را بر طریق مستقیم
نگاه می دارد و در
طوفان حوادث زندگی و
فراز و نشیب آن دست
او را می‌گیرد.
نماز همانند چراغی
نورانی در مسیری
تاریک و ظلمانی است
که انسان را به
پیمودن راه اصلی و
منحرف‌نگشتن و اسیر
غول بیابان نشدن،
دعوت می کند؛ این
چراغ باید همواره
روشن باشد وگرنه
آدمی ممکن است در
مرحله ای از زندگی به
بی‌راهه ای بیفتد و چه
بسا بازگشت از آن
میسر نباشد.

اهمیت نماز

در اهمیت و عظمت
نماز همین بس که در
هیچ حال و زمانی
نماز از انسان ساقط
نمی‌شود. قرآن کریم
می‌فرماید: [إِنَّ الصَّلَاةَ

۱. نساء / ۱۰۳.
۲. المیزان فی تفسیر
القرآن، محمد حسین
طباطبایی، دفتر انتشارات
اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۵،
ص ۱۰۱.

۳. نهج البلاغه، سید رضی،
تصحیح : صبحی صالح، نشر

خداوند متعال ایمان را وسیله پاک‌ی شما از شرک و نماز را برای دوری از کبر و غرور شما قرار داده است.»

در این کلام حکیمانه، بانوی بزرگوار اسلام بعد از ذکر ایمان، نماز را بیان می‌کند که این دو از هم جدایی ناپذیرند. در حقیقت نماز، ثمره ایمان به خداست و بدون نماز ایمان معنا ندارد؛ چنانکه آی ه شریفه قرآن کریم می‌فرماید: **[الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ]**؛^۳ «پرهیزکاران، کسانی هستند که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند.» خداوند متعال در این آیه ایمان به غیب و برپاداشتن نماز را از مولفه های پرهیزگاران برمی‌شمرد. مطلب قابل استفاده دیگر از این آیه این است که چیزی با ارزش تر از نماز

خدا را خدا در باره نماز، چرا که ستون دین شما است. در جایی دیگر حضرت، نماز را ستون دین معرفی می‌کنند که اگر پذیرفته شد، هر عبادت دیگری پذیرفته می‌شود و اگر نپذیرفتند، هیچ عبادت نمی‌پذیرند.^۱ نماز در سخنان حضرت زهرا &

حضرت صدیقه طاهره & در خطبه معروف به «فدکیه»، بعد از آنکه حمد و ثنای حضرت حق را بجای می‌آورد و از زحمتها و تلاش های پدر بزرگوارشان، به نحو شایسته ای قدردانی می‌کند، به اهمیت و فلسفه برخی از دستورات مهم اسلامی پرداخته و می‌فرماید: **«فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ»**^۲؛

هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۲.

۱. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه: شهیدی، نامه ۲۷، ص ۵۱۸.

۲. خطبه فدکیه؛ ر. ک. الإحتجاج علی أهل اللجاج، شیخ طبرسی، نشر المرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹.

۳. بقره / ۳.

[الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ .

۲: «نماز وسیله تقرب

هر متقی است.»

وقتی انسان متذکر

خدا بود و خدا را

مراقب خویش دید،

قه را از انجام گناه

و منکرات شرم و حیا

می‌کند؛ بنابراین یکی

از اهداف نماز ،

بازدارندگی از فحشا

و منکرات است ؛

همانطور که قرآن

کریم بدان اشاره

می‌کند و می‌فرماید :

[إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ

الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ]؛^۳

«همانا نماز انسان

را در دنیا از

زشتی‌ها و گناه باز

می‌دارد.»

• شیخ طبرسی

می‌نویسد : «در آیة

شریفة [إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ

عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ]

دلالت روشنی است که

انجام نماز ، لطف

پروردگار بر انسان

است؛ چون موجب می‌شود

تا فعل زشت و معصیت

که نه عقل جایز

می‌داند و نه شرع آن

بعد از ایمان به خدا نیست.

شهید مرتضی مطهری (

در این باره

می‌فرماید: باور نکنید

که یک کسی در دنیا

پیدا بشود که در

مسائل اخلاقی و

اجتماعی مسلمانان

خوبی باشد ، ولی در

مسائل عبادی مسلمان

خوبی نباشد. ما برای

آدم نماز نخوان چیزی

از مسلمانی قائل

نیستیم.^۱

راز و رمز نهفته در نماز

نماز به عنوان یکی

از اصلی ترین

آموزه های دین اسلام

دارای رازهای

نهفته ای است که توجه

به آنها اهمیت این

رکن اساسی را بیشتر

تبیین می کند . از

جمله این رازها :

الف) نماز مهم ترین

ابزار بازدارنده از

زشتیها و بدیها است

که این بازدارندگی ،

خود باعث رسیدن

بندگان به قرب الهی

می شود؛ چنانچه امام

رضا % می فرماید :

۲. کافی، محمد بن یعقوب

کلینی، دارالحدیث، قم،

۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۱۰.

۳. عنکبوت/۴۹.

۱. اسلام و مقتضیات زمان،

مرتضی مطهری، انتشارات

صدرا، تهران، بی‌تا، ص ۲۹۴.

ظاہری و ذکر قلبی و باطنی . نماز کامل، آن نمازی است کہ هر دو ذکر را دارا باشد.^۳

شہید مرتضی مطہری (در این رابطہ می فرماید : ریشہ ہمہ آثار معنوی اخلاقی و اجتماعی کہ در نماز و عبادت است ، در یک چیز است : یاد حق و غیر او را زیاد بردن.^۴

ایشان در جای دیگری تمام زشتیها و معصیتها را دائر مدار یاد و ذکر خدا می دانند و معتقد است : به هر اندازہ کہ انسان به یاد خدا باشد ، کم تر معصیت می کند ، معصیت کردن و نکردن ، دائر مدار علم نیست ، دائر مدار غفلت و تذکر است ، بہ ہر اندازہ کہ انسان غافل باشد ، یعنی خدا را فراموش کردہ باشد ، بیش تر معصیت

را مرتکب نشود.»^۱
(ب) نماز ، بہترین وسیلہ برای بہ یاد خدا بودن است . ذکر و یاد خدا از یک سو عامل بازدارندگی انسانها از بدیها و زشتیهاست و از دگر سو خود نیز یکی از مواردی است کہ باعث تقویت و گسترش تقوا و پرهیزگاری در انسان می شود . از آنجا کہ انسان موجودی فراموش کار است ، ہر چند ساعت یک بار ، با خواندن نماز ، خدای سبحان را یاد کردہ و متذکر وجود لایتنہی او می شود . قرآن کریم در این بارہ می فرماید : **[وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِيذْكُرِي]**^۲ «نماز را برپا دار تا بہ یاد من باشی.» پس ہدف نہایی نماز ، بہ یاد خدا بودن و ذکر است . ناگفتہ نماند ، کہ ذکر نیز بر دو نوع است : ذکر زبانی و

۳. ر.ک: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، مؤسسہ آل البیت ، قم، ج ۵، ص ۲۹۱.
۴. سیری در نہج البلاغہ، مرتضی مطہری، انتشارات صدرا، تہران، ص ۳۰۳.

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تہران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۴۴۵.
۲. طہ / ۱۴.

می‌کند، به هر اندازه که خدا بیش‌تر بیادش بیاید، کم‌تر معصیت می‌کند.^۱

ج) نماز کانون یادآوری همیشگی اصول تربیتی اسلام است. شیوه‌ای که دین اسلام برای برپایی نماز به ما معرفی نموده است، بگونه‌ای است که بیش‌تر اصول تربیتی دینی در آن تکرار می‌شود. «نماز بسیاری از اصول تربیت اسلامی را در خود گنجانده است. خوردن و آشامیدن در آن ممنوع است؛ خندیدن، آن را خراب می‌کند؛ گریستن برای غیر خدا، برای هر موضوعی از موضوعات دیگر خرابش می‌کند، زیرا در حال نماز انسان باید بر تمایلات خود از قبیل خوردن و خوابیدن غلبه کند و بر احساسات خود از قبیل خندیدن و گریستن مسلط باشد و خود را نگهدارد.»^۲

مسأله دیگر مسالمت‌طلبی و صلح‌جویی با مردم است که در متن تعلیمات نماز آمده است. در سوره حمد که خواندن آن در نماز واجب است، بعد از حمد و ثنا، خدا را مخاطب قرار می‌دهیم؛ [إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ]؛^۳ با اینکه از نظر روح عبادت هر چه غیر خدا در ذهن انسان نیاید، بهتر است، ولی اسلام به خاطر یک مصلحت اجتماعی بسیار مهم، برای اینکه روح یک مسلمان را روح اجتماعی کرده باشد، آن را با چاشنی عبادت به خورد مردم داده و می‌گوید بگویید: [إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ]؛ بدین معنی که منحصرأً تو را پرستش می‌کنیم و منحصرأً از تو کمک می‌خواهیم، خدایا همه ما را به راه راست هدایت کن.

در اینجا همکاری و همدلی و همگامی کاملاً

۳. حمد/۵ و ۶.

۱. گفتارهای معنوی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ص ۷۹.

۲. گفتارهای معنوی، مرتضی مطهری، ص ۸۷.

عامل مؤثر دیگر برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیثی، امور زیادی به عنوان موانع قبول نماز، ذکر شده است از جمله مسأله شرب خمر است که در روایات آمده است: «لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ شَارِبِ الْخَمْرِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»^۲؛ نماز فرد شراب خوار تا چهل روز قبول نخواهد شد، مگر این که توبه کند. «و در روایات متعددی می خوانیم: از جمله کسانی که در نماز آنها قبول نخواهد شد، پیشواي ستمگر است. و در بعضی از روایات دیگر تصریح شده است که نماز کسی که زکات نمی پردازد، قبول نخواهد شد و همچنین روایات دیگری که می گوید: خوردن غذای حرام، موجب بروز عجب و خودبینی و از موانع قبول

مشهود است. نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرائط صحت، دعوت به پاکسازی زندگی می کند، چرا که می دانیم مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، فرش که بر آن نماز می خواند، آبی که با آن وضو می گیرد و غسل می کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می شود، باید از هر گونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد؛ کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غصب، کم فروشی، رشوه خواری و خوردن اموال حرام باشد، چگونه می تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟؛ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران.

نماز علاوه بر شرائط قبول، شرائط کمال را نیز دارد که رعایت آنها خود يك

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵۷.

۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۴، ص ۳۱۸.

۱. تعلیم و تربیت، مرتضی مطهری (، انتشارات صدرا، تهران، صص ۱۹۲-۱۹۳.

هدف آفرینش او را
خاطر نشان می‌سازد ،
موقعیت او را در
جهان به او گوشزد
می‌کند و این نعمت
بزرگی است که انسان
وسیله ای در اختیار
داشته باشد تا در هر
شبانه روز چند مرتبه
قویا به او بیدار
باش گوید .

هـ) خشوع و خضوع
از مهم ترین هدف از
اهداف تشریح نماز
است . به طور مؤدب
ایستادن ، رکوع کردن ،
جبین به خاک ساییدن ،
سجده و نشستن دو
زانو و ... همه
نشانه های خضوع است .
و این حقی است از
خدای سبحان که هر
انسانی موظف به ادای
آن است . خشوع و
خضوع ، به تدریج در
روح و جان انسان اثر
گذاشته و ان سان را
در برابر سایر افراد
متواضع می‌کند .

امام علی %
می فرماید : «وَمِنْ
تَغْفِيرِ عَتَاقِ الْوُجُوهِ
بِالتَّوَابِ تَوَاضَعًا»^۲
[خدای سبحان نماز را

نماز است.^۱
بنابراین معلوم
می‌شود که فراهم کردن
این شرایط قبولی تا
چه حد سازنده است؟
نماز روح انضباط را
در انسان تقویت
می‌کند؛ چراکه دقیقاً
باید در اوقات معینی
انجام گیرد ، که
تأخیر و تقدیم آن هر
دو موجب بطلان نماز
است ، همچنین آداب و
احکام دیگر در مورد
نیت و قیام و قعود و
رکوع و سجود و مانند
آن که رعایت آنها از
واجبات نماز به شمار
می‌آید .

د) نماز مهم ترین
عامل غفلت زدایی است .
بزرگ‌ترین مصیبت برای
رهروان راه حق آن
است که هدف آفرینش
خود را فراموش کنند
و غرق در زندگی مادی
و لذائذ زود گذر
گردند ، اما نماز به
حکم این که در فواصل
مختلف ، و در هر
شبانه روز پنج بار
انجام می‌شود ، مرتباً
به انسان اخطار
می‌کند ، هشدار می‌دهد ،

۲. بحار الانوار، محمدباقر
مجلسی، ج ۸۳، ص ۳۶۱.

۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ
عاملی، ج ۳، ص ۴۰.

انسان ، این سؤال
هنوز به قوت خود
باقی است که نماز
دارای چه ویژگیها و
خصوصیتهایی است که
می تواند انسان را از
این صفت ناپسند دور
بدارد و از شخصیت
ایمانی او محافظت
کند؟ و دیگر اینکه
چگونه این کار انجام
می شود؟ به عبارت
دیگر چگونه نماز
باعث پاک داشتن
انسان از کبر و منیت
می شود؟

برای پاسخ به این
دو سؤال باید فلسفه
ارکان نماز مورد
بررسی قرار گیرد، با
تبیین این کار پاسخ
این دو سؤال داده
خواهد شد.

نماز مهم ترین
وظیفه آدمیان و
معیار قبولی سایر
اعمال است . قبل از
شروع به نماز
توصیه های زیادی به
گفتن اذان و اقامه
شده است . اذان از دو
زاویه ، حامل پیام
اخلاقی است : نخست آن
که ندای الهی است که
بندگان را به نماز
فرا می خواند . دیگر

مقرر داشت تا
پیشانی از روی تواضع
به خاک مالیده شود. «
تحلیلی بر فرمایش حضرت
زهره &

دُخت گرامی پیامبر
اکرم - حضرت فاطمه
زهره & در ضمن خطبه
فدکیه ، یکی از
مهم ترین فلسفه های
تشریح نماز از سوی
خداوند متعال را
دوری کردن بندگان از
کبر و خودبینی بیان
می کنند ؛ چنانکه
می فرماید : «جَعَلَ اللهُ
الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ مِنَ
الْكِبْرِ؛^۱ خداوند نماز
را برای پاک داشتن و
پاک کردن شما از کبر
و خودبینی قرار داده
است.»

از آنجا که روح
حاکم بر قرآن کریم و
احکام دینی، مخالفت
با کبر و خودبینی
است، اهمیت این بیان
حضرت زهره & به خوبی
روشن می گردد.

پس از بیان اهمیت
کبر و منیت در از
بین بردن شخصیت
ایمانی و انسانی

۱. كشف الغمّة في معرفة
الائمة، علي بن عيسى اربلي،
نشر بني هاشمي، تبريز،
۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۴۸۳.

آنکه جمله های کوتاه
اذان، حامل يك سلسله
بلند مفاهیم اعتقادی
است که تبیین هر يك
در این مقاله
نمی‌گنجد.

مراعات وقت نماز
از آن جهت دارای
اهمیت است که وقت
نماز به منزله میقات
پروردگار است؛ از
این رو پیشوایان دین
به هنگام وقت نماز
دگرگون می‌شدند و حالت
معنوی خاصی به آنها
دست می‌داد.

لزوم ستر عورت در
نماز اشاره به این
حکم ضروری است که
نمازگزار باید
زشتیهایی باطن خود را
نیز با توبه و
استغفار بپوشاند.

مکان نمازگزار
باید مناسب م قام
مناجات باشد و
نمازگزار باید به
امید شمول رحمت الهی
با وقار و آرامش
وارد مصلی شود
چنانکه گویی در حال
گذشتن از صراط است.

سرّ اصلی رو به
قبله بودن این است
که باطن انسان به
خدا روی آورد که

همانا مساوی با خالی
شدن ضمیر از غیر
اوست.

نیّت همان عزم بر
انجام فر مان الهی
است . در حال قیام
باید جسم و روح در
مقابل خدا قرار گیرد
و قلب نمازگزار
متواضعانه به یاد
خدا باشد، که خشوع
باطن، موجب خشوع
ظاهر می شود . در این
هنگام ادب آن است که
به عظمت خالق و نقص
و نیاز نفس توجه
داشته باشی . «الله اکبر»
عظمت و بزرگی ذات
اقدس الهی ر
می رساند ؛ بنابراین
از آداب تکبیر است
که در قلب، چیزی
بزرگ تر از خدا
نباشد . در دعای شروع
نماز باید جهت قلب
به سوی خدا باشد،
نمازگزار از
اشتباهات گذشته
پشیمان و از شرك خفی
نیز شرمنده باشد تا
به دروغ و ظاهر سازی
گرفتار نیاید .
در حال استعاذه
باید به دشمن و
حیله های او توجه
داشت و به قلعه مح کم

الهي، يعني توحيد پناهنده شد . همچنين بايد هويت روح و باطن قلب، خالص باشد تا انسان از سلطه شيطان خارج شود . حق قرائت در نماز آن است که در فهم آن بکوشي و از هر فرازش چنان که شايسته آن است بهره ور شوي . فهم معاني قرآن به علم و صفاي باطن بستگي دارد، که باب آن در نماز گشوده مي شود . نمازگزاران در قرائت نماز داراي سه رتبه اند؛ چرا که يا قلب به کلي غافل است يا پيرو زبان و يا معلم آن . ادب رکوع آن است که عظمت خالق را دوباره به ياد آوري و پستي خود و عزت مولا را در خاطر داشته باشي به طوري که هر ستايشي را که بر زبان مي راني ترجمان حال درونت باشد . سجده بالاترين مرتبه تواضع است . در سجده انسان با سر نهادن بر خاک، اصل خویش را ياد مي آورد، به عظمت الهي توجه مي کند و

با تکرار، تاکيد ش مي کند . شهادت به وحدانيت از مقامات فراگير است که در تمام نماز همراه نمازگزار و حامل اسرار فراواني است . ادب تشهد آن است که خود را از مقامات نماز بي بهره بداني و با شرم و هراس به دژ محکم توحيد پناهنده شوي و حضرت ختمي مرتبت را به خاطر آوري، رسالتش را گواهي کني و بر او درود فرستي . در سلام بايد همۀ انبياء، ائمه و فرشتگان مقرب را در نظر آوري و بر آنها درود فرستي . ادب سلام آن است که تا مخاطبت را معين نکرده اي سلام نکنی.^۱ علاوه بر رعايت آداب ظاهري در نماز، توجه به فلسفه آداب باطني نيز ضروري است . آداب باطني نماز به منزله روح نماز است و غفلت از آنها موجب خسارت است . خشوع، همان

۱. درسنامه علم اخلاق (۱)، محمد رضا جباران، مرکز نشر هاجر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۰ش، ص ۸۹.

فراغت قلب و وقت و درك اهمیت نماز است .
 تششّت خاطر و خیالات پراکنده ، گاهی از عوامل درونی، و گاهی از اسباب بیرونی ناشی می شود . اسباب درونی، هرزه گردی خیال و دنیا دوستی است . خیال با مراقبت و تربیت رام می شود و دنیا دوستی با علم و عمل قابل علاج است .
 برای درك اهمیت نماز، توجه به این نکته کافی است که نماز، سبب دستیابی به سعادت اخروی است .
نماز بدون ولایت
 تمام آنچه از اهمیت و فلسفه نماز گفته شد زمانی به وقوع خواهد پیوست و محقق می شود که همراه با ولایت باشد؛ چنانکه در مقدمه نیز آورده ایم پذیرش همه اعمال و عبادات انسان در درگاه خداوند متعال متوقف بر قبول داشتن ولایت خدا و بعد از آن ولایت پیامبر - و اوصیاء معصوم آن حضرت است .

آن هنگام که دا ابلیس را به سجده

تواضع توأم با هراس و محبت است . خشوع، علامت ایمان است و از درك جمال و جلال حق ناشی می شود .
 طمأنینه که همان سکوت قلب و اطمینان خاطر است در همه عبادتها لازم است .
 عدم طمانینه باعث می شود عبادت تأثیر لازم را در دل نداشته باشد . حفاظت، همان حفظ نماز از انگیزه ها و آمیزه های غیر الهی است . در صورتی که نمازگزار نماز خود را از تصرفات شیطان حفظ نکند، روح انسان تحت تربیت شیطان رشد می کند . نماز باید با شوق و انبساط خاطر به جا آورده شود . در غیر این صورت نه تنها اثر مثبتی در جان انسان نمی گذارد؛ بلکه ممکن است مایه گریز و انزجار از عبادت گردد . مهم ترین ادب باطنی نماز حضور قلب است . حضور قلب این است که در حال نماز دل به چیز دیگری مشغول نباشد .
 منشأ حضور قلب،

بزرگ دینش را با امامت علی % کامل کرد، پس کسانی که امامت او و جانشینان او از فرزندان من که تا قیامت و حضور در برابر حق می آیند را نپذیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شده در آتش جاودان ه خواهند بود.^۲

این مطلب، تعجبی ندارد، زیرا خداوند، قبول زحمات بیست و سه ساله پیامبر - در ایام نبوت را نیز به ابلاغ ولایت امیرالمومنین % مشروط کرده فرمود: [وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

رِسَالَتَهُ ۚ]؛^۳ «اگر

[وظیفه خود در ابلاغ ولایت علی % را] انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده ای.»

و در جای دیگر می فرماید: [مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ]؛^۴

آدم امر کرد، ابلیس تکبر نموده از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچ کس خدا را آن گونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: عبادت آن است که من فرمان می دهم نه آن که تو می خواهی!^۱ یعنی عبادت، اطاعت فرمان خدا است و تنها به سجده رفتن و تضرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد.

بنابراین می توان گفت: ولایت پذیری از مهم ترین ارکان دین مبین اسلام است که یک فرد مسلمان باید از طریق ولایت پذیری، مهر قبولی بر همه اعم ال و عبادات خود بزند.

رسول خدا - در خطبه غدیریه فرمودند: «ای مردم، خدای

۲. الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۷۶.
۳. مائده / ۶۵.
۴. ابراهیم / ۱۸.

۱. مضمون روایتی از امام صادق % . ر.ک: بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۳، ص ۲۵۰.

ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته، نه زکات داده، نه حج و عمره بجا آورده، نه جنابت غسل کرده و تطهیر نموده، و نه حرامی را رها کرده و نه حلالی را حلال داشته است. برای او نماز نیست هر چند که رکوع و سجود کند، و برای او زکات و حجی نخواهد بود. تمام این اعمال با شناخت آن فردی انجام می‌شود که خداوند بزرگ با امر به اطاعت او بر مردم منت نهاده است.^۲

نتیجه

اگر نماز که مهم‌ترین وسیله برای تقرب به خداوند قرار داده شده است، با تمام آداب ظاهری و باطنی‌اش به پاداشته شود، یقیناً انسانها از شر شیطان کبر و خودبینی درون، در امان خواهند بود و

«مَثَلُ كَسَانِي كَه بَه پَروردگار خود کافر شدند، کرد ارهایشان به خاکستری می ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد : از آنچه به دست آورده اند هیچ [بهره ای] نمی توانند بُرد.»

در عصر حاضر نیز، آن بابی که هیچ عبادتی جز از طریق ولایت او پذیرفته نیست، وجود مقدس امام زمان (عج) است. در زیارت جامعه، خطاب به این بزرگواران می‌گوییم :

«وَبِمَوَالِيكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ»^۱ با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می‌پذیرد. «پس کسی که خدا را از غیر این باب، بندگی کند، خدا از او نخواهد پذیرفت.

امام صادق % در نامه ای به مفضل بن عمر مرقوم فرمودند : «کس ی که نماز خوانده، زکات بدهد، حج و عمره بجا آورد،

۱. الانوار، ج ۲۷،

۲. بحار ۱۷۶ و ۱۷۵.

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۱۶.

هیچ گاه از مسیر حق
خارج نخواهند شد و
اگر دیده می شود که
برخی از این مسیر
خارج و حتی تا
پست‌ترین نقطه که غصب
منصب اولیاء الهی
است ادامه می دهند،
گواه آن است که صرفاً
شعاری بیش نبوده و
تنها لباس ظاهری از
این عبادت بزرگ؛ اما
افسوس که اینگونه
افراد نه خود
را شناختند و نه این
بهترین وسیله نجات
خود از گمراهی.



فاطمه زهرا عليها السلام

در کلام مقام معظم رهبری رحمته الله

که بخواهد از ای ن
مقام بلند تعریف و
تجلی کند؛ ای ن
موجود انسانی، ای ن
دختر جوان، این همه
فضیلت، این همه
درخشندگی، این همه
کبریا و عظمت؛ که
کسی مثل پیغمبر- وقتی
فاطمه زهرا & بر او
وارد می شد، «قِ امّ
إِلَيْهَا»؛ نه فقط بلند

مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله العظمی
خامنه ای > در طول
سالهای گذشته و به
مناسبتهای مختلف
مطالب بسیار
ارزشمندی پیرامون
شخصیت، سیره و
زندگانی بانوی دو
عالم، حضرت فاطمه
زهرا & بیان فرمودند
که در ادامه به برخی
از آنها اشاره خواهد
شد.

تجلیل پیغمبر - از فاطمه زهرا &

من حقیقتاً، نه به
عنوان تعارف، نه به
عنوان یک حرف هزاران
بار تکرار شده،
واقعاً قاصرم؛ زبان
قاصر است، دل قاصر

۱. «ما رایت أحدا كان أشبه
سمتا و هدیا و دلا، (وقال
الحسن: حدیثا و کلاما، و لم
یذكر الحسن السمیت و الهدی
(و الدل) برسول الله صلی الله
علیه و سلم من فاطمه کرم
الله وجهها: کانت اذا دخلت
علیه قام الیه فأخذ بیدها
و قبلها و أجلسها فی
مجلسه، و کان إذ دخل علیها
قامت الیه فأخذت بیده
فقبلته و أجلسته فی
مجلسها؛ عایشه نقل کرده

اینها مقامات فاطمه ؑ
زهرا است. آن زندگی
با امیرالمؤمنین، آن
تربیت آن فرزندان .
خب، مگر می شود
درباره این بزرگوار،
امثال ما حرف بزنی؟
فاطمه زهرا، معجزه اسلام
فاطمه ؑ زهرا & در
عمر کوتاه خود به
هتنامی می رسد که سیده
نساء عالمین^۲ است:

۱. بیانات مقام معظم
رهبری > در دیدار جمعی از
مداحان سراسر کشور ،
۱۳۹۱/۰۲/۲۳ .

۲. «لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ & ذَفِنَتْهَا
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا وَ غَفَا
عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا ثُمَّ قَامَ
فَجَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ -
فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ
وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِئِتَةِ فِي
الْتَرَى بِيُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ
لَهَا سُرْعَةَ اللِّحَاقِ بِكَ قَلْبًا يَا
رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ
عَفَا عَنِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
تَجَلْدِي إِلَّا أَنْ لِي فِي التَّأْسِي
بِسُنَّتِكَ فِي فِرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعْرِ
فَلَقَدْ وَ سَدَّتْكَ فِي مَلْحُوذَةِ قَبْرِكَ
وَ قَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَ
صَدْرِي بَلِي وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لِي
أَنْعَمَ الْقَبُولُ إِنَّا اللَّهُ وَ إِنَّا
إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَبْدِ اسْتُرْجِعَتْ
إِلْوَدِيَعَةَ وَ أَخَذَتْ الرَّهِيْنَةَ وَ
أَخْلَسَتْ الزُّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ
الْجُضْرَاءُ وَ الْعَجِيْرَاءُ يَا رَسُولَ
اللَّهِ أَمَا خَزَنِي فَسَرْمِدٌ وَ أَمَا
لِيْلِي فَمُسَهَّدٌ وَ هُمْ لَا يَنْزُخُ مِنْ
قَلْبِي أَوْ يَخْتَارُ اللَّهُ لِي ذَارِكُ
الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَا
مُقِيحٌ وَ هُمْ مُهَيِّجٌ سَرْعَانَ مَا
فَرَّقَ بَيْنَنَا وَ إِلِي اللَّهِ أَشْكُو وَ
سَتْنِيكَ ابْنَتِكَ بِنِظَافِرِ أُمَّتِكَ
عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفِيهَا السُّؤَالَ وَ

می شد ، بلکه بلند
می شد و به سمت او
می رفت. يك وقت یکی
وارد اتاق می شود ،
شما به احترامش بلند
می شوی د؛ يك وقت کسی
وارد اتاق می شود ،
شما با اشتیاق به
طرفش می روی د. اینها
مگر شوخی است؟ این
بحث پدر - فرزندی
نیست . پیغمبر خدا -
اینجور از فاطمه ؑ
زهرا & تجلیل می کن د؛
رضای او را رضای
خود، رضای خود را
رضای خدا؛ سخط او را
سخط خود، سخط خود را
سخط خدا اعلام می کن د؛

است: من کسی را شبیه تر از
فاطمه & در هیأت و وقار و
سیرت به رسول خدا - ندیدم
(و حسن بن علی گفت در
گفتار و کلام و حسن بن علی
هیأت و وقار و سیرت را ذکر
نکرده است) و چون بر
پیامبر وارد می شد بلند
می شد و به سمت او می رفت و
دست او را می گرفت و
می بوسید و بر جای خودش
می نشانید، و چون پیامبر بر
او وارد می شد از جای خود
بلند می شد و به سمت او
می رفت و دست او را می گرفت
و می بوسید و بر جای خودش
می نشانید. « سنن ابی داود،
ابوداود، ج ۲، ص ۵۲۲؛ سنن
ترمذی، ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۱؛
الادب المفرد، بخاری، ص ۲۰۲؛
الصحيح ابن حبان ، ابن
حبان، ج ۱۵، ص ۴۰۳ .

خدا، چقدر آسمان و زمین زشت است، ای رسول خدا اندوه من همیشگی است و شبم همه در بی‌خوابی گذرد و غمی دارم که از دل نرود، مگر این که خدا برایم همان خانه بقائی را برگزیند که تو در آن جای داری، غصه ای دلخون کن و اندوهی هیجان خیز و غم انگیز، چه زود میان ما جدائی انداخت. من به خدا شکایت می‌برم، [و ای رسول خدا] دخترت به تو می‌گوید که امتت برای بردن خلافت همدست شدند، خوب از او پرسش کن و گزارش وضع را از او بخواه، چه بسا اندوهگینی که دلش ملامت از غم و اندوه است و راهی برای پراکندن آن (شدت اندوه خود) نمی‌یابد و خواهی گفت: و خدا [درباره آن] قضاوت می‌کند و او بهترین قضاوت‌کننده‌ها است. درود وداع‌کننده‌ای که نه دل باز گرفته و نه خسته شده، اگر بر گردم از ملال و خسته شدن نیست و اگر در اینجا بمانم از بدگمانی به وعده ای که خدا به صابران داده نیست. وای، وای شکیبائی مبارک‌تر و زیباتر است، اگر چیرگی دشمنان زورگو نبود [و بیم سرزنش آنان نمی‌رفت و ترس از غلبه آنها بر قبرت نداشتم]، اقامت و ماندن بر سر قبرت را چون معتکفان ملازمت می‌کردم و چون زن بچه مرده بر مرگ جانگداز تو شیون می‌نمودم. [ای رسول خدا] در برابر نظاره خدا، دخترت مخفیانه دفن شود و حق او برده شود و ارث او دریغ شود با این که عهد تو با مردم دیر نشده و یادت کهنه نگردیده، ای رسول خدا به سوی خدا شکوه باید و درباره حضرت تو تسلیت نیک شاید، درود و رضوان خدا بر

استخیرها الحال فكم من غليل معتلج بصدورها لم تجد الي بيته سبيلا و ستقول و يحكم الله و هو خير الحاكمين سلام مودع لا قال و لا سم فإن أنصرف فلا عن ملالة و إن أقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرين و أمه و آها و الصبر أيمن و أجمل و لو لا غلبه المستولين لجعلت المقام و اللبث لزاما معكوفاً و لأعولت إغوال الثكلي على جليل الرزية فبعين الله تذفن أبنتك سراً و تهضم حقاها و تمنع إرثها و لم يتباعد العهد و لم يخلق منك الذكر و إلى الله يا رسول الله المشتكى و فيك يا رسول الله أحسن العز؛ امام حس ين% فرمود: چون فاطمه % وفات کرد، امیر المؤمنین % او را مخفیانه به خاک سپرد و جای قبرش را ناپدید کرد و سپس ایستاد و رو به قبر رسول خدا- کرد و گفت: درود بر تو ای رسول خدا -، از طرف من و از طرف دخترت که به دیدار تو آمده در کنار تو زیر خاک خفته است، بر تو درود باد و خدا برای او خواست که هر چه زودتر به تو رسد، ای رسول خدا شکیبائی من در مورد دخترت برگزیده ات کم، و بردباری من درباره سرور زنان جهانیان از بین رفته است، اما برای من پیروی از سنت تو [که همان صبر باشد] در جدایی تو موجب تسلیت است. (ای پیامبر خدا) من تو را در قبرت خوابانیدم و جان تو میان گلو و سینه ام درآمد (جان دادی). آری در کتاب خدا بهترین پذیرا یی برای من است که «همه ما از خدایم و به سوی او باز می‌گردیم» امانت پس گرفته شد و گروهی، دریافت شد و زهراء از دست رفت. ای رسول

الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ
النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ^۲؛

«صدیقین» پشت سر
«نبیین» اند. ای ن
بزرگوار صدیقه کبری
است؛ یعنی برترین زن
صدیق. این صدیق بودن
به بندگی خداست. اگر
بندگی خدا نمی‌کرد،
صدیقۀ کبری نمی‌شد.
اساس، بندگی خداست.
نه فقط فاطمۀ زهرا &
بلکه پدر فاطمه هم -
که مبدأ و سرچشمۀ
فضائل همۀ معصومین
اوست و امیرالمؤمنین
و فاطمۀ زهرا &
قطره‌های هستند از
دری وجود پیغمبر -
ارزشش پیش خدا به
خاطر عبودیت است؛
«أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُولُهُ»^۳ اول، عبودیت
اوست؛ بعد رسالت او.^۴

۲. «[و کسی که خدا و
پیامبر را اطاعت کند، (در
روز رستاخیز،)] همنشین
کسانی خواهد بود که خدا،
نعمت خود را بر آنان تمام
کرده؛ از پیامبران و
صدیقان [و شهدا و صالحان؛
و آنها رفیقهای خوبی
هستند!]» نساء/۶۹.

۳. از خطبه‌های حضرت امیر %
هنگام بازگشت از صفین.

۴. بیانات مقام معظم
رهبری > در دیدار جمعی از
مداحان اهل بیت (،
۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

یعنی از همۀ زنان
بزرگ و قدیس طول
تاریخ برتر است. این
چه عاملی است، این
چه نیروئی است، این
چه قدرت متحولکنندۀ
عمیق درونی است که
از یک انسان در این
مدت کوتاه، می‌تواند
یک چنین اقیانوس
معرفت و عبودیت و
قداست و عروج معنوی
بسازد؟ خود این
معجزۀ اسلام است.^۱
ارزش فاطمه زهرا & به
عبودیت خدا

ارزش فاطمۀ زهرا &
به عبودیت و بندگی
خداست. اگر بندگی
خدا در فاطمۀ زهرا &
نبود، او صدیقۀ کبری
نبود. صدیق یعنی چه؟
صدیق کسی است که
آنچه را می‌اندیشد و
می‌گوید، صادقانه در
عمل آن را نشان دهد.
هرچه این صدق بیشتر
باشد، ارزش انسان
بیشتر است؛ می‌شود
صدیق؛ [فَأُولَئِكَ مَعَ

تو و بر فاطمه باد.
۱. بیانات مقام معظم
رهبری > در دیدار مداحان
اهل بیت) به مناسبت میلاد
حضرت فاطمۀ زهرا &،
۱۳۸۶/۰۴/۱۴.

ای ن دو نمون ه زنانه
برای مردمان کافر در
طول تاریخ هستند .
وقتی خدای متعال در
قرآن می‌خواهد کفار -
نمون ه وجود کفرآمی ز
و کفران‌کنند ه نعمت
خدا - را معرفی کند،
به جای فرعون و
نمرود و افراد دی‌گر،
دو زن را مثال
می‌زند؛ زن نوح و زن
لوط، که درهای رحمت
الهی به روی اینها
باز و هم ه امکانات
برای عروج و رفعت
اینها آماده بود و
دو پی‌غمبر، آن هم
پی‌غمبری مثل نوح و
لوط، شوهران اینها
بودند که در خان ه
آنها زندگی می‌کردند
و حجت بر آنها تمام
بود؛ اما ای ن دو زن
قدر ای ن نعمتها را

معرفی زنان به عنوان
الگوی بدان و نیکان
ما ای ن بزرگوار
[حضرت فاطمه ه زهرا &]
را خواسته ایم ب ه
عنوان الگو می ای ن
خودمان مطرح کن یم .
یک زن جوان، یک دختر
جوان، که زندگی اش،
زندگی معمولی؛
لباسش، لباس فقرا؛
کارش در خانه جمع و
جور کردن بچه ها و
مد یری خانه و
کدبانوی ای ن خان ه
کوچک و دستاس کردن
است و آن کوه معرفت
و دری ای عظیم علم و
دانش در وجود اوست .
قرآن ، چهار زن را
اسم آورده که ای ن
چهار زن الگویی‌ند؛ دو
الگوی نی‌کان عالم ،
دو الگوی بدان عالم .

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ

كَفَرُوا امْرَأَةً نُّوحَ ه

وَ امْرَأَةً لُّوطٍ؛ زن نوح و

زن لوط . [كَاثِرًا تَحْتَ

عَبْدِينَ مِنْ عِبَادِنَا

صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا]؛^۱

الدَّٰخِلِينَ]؛ «خداوند برای
کسانی که کافر شده اند به
همسر نوح و همسر لوط مثل
زده است، آن دو تحت
سرپرستی دو بنده از بندگان
صالح ما بودند، ولی به آن
دو خیانت کردند و ارتباط
با این دو [پیامبر] سودی
به حالشان [در برابر عذاب
الهی] نداشت، و به آنها
گفته شد : وارد آتش شوید
همراه کسانی که وارد
می‌شوند.» تحریم / ۱۰.

۱. [ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا

امْرَأَاتِ نُوْحٍ وَ امْرَأَاتِ لُوطٍ

كَاثِرًا تَحْتَ عَبْدِيْنَ مِنْ عِبَادِنَا

صَالِحِيْنَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ

يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا

وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ

زن را به عنوان نمون ه مؤمنان ذکر می‌کند: [وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ]؛^۲ یکی زن فرعون و دی‌گری، حضرت مریم: [وَ مَرِيْمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ]؛^۳ آن زن اول، قصر فرعونی او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش یافته در بساط فرعونی، کسی که زن فرعون است و لابد پدر و مادر و

ندانستند و [فَخَانَتْهُمَا]؛ به شوهرهایشان خیانت کردند. ای ن خیانت، لزوماً خیانت جنسی نیست؛ خیانت اعتقادی است؛ خیانت مسلکی است؛ راه را کج کردند. شوهرها با این‌که پیغمبر بودند و مقام عالی داشتند، به درد ای ن زنها نخوردند؛ [فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا]؛^۱ خدای متعال رودربایستی و رفاقت و خوی‌شاوندی با کسی ندارد. اگر کسی را مورد محبت و لطف و رحمت قرار می‌دهد، با حساب و کتاب است؛ با تعاریف نیست؛ خدا قوم و خویش کسی نیست. اینها هم با این‌که شوهرهایشان پیغمبر بودند، ای ن شوهرهای پیغمبر نتوانستند ای ن دو زن را از شر غضب الهی نجات بدهند؛ اینها شدند نمون ه کافران هم ه تاریخ. در نقط ه مقابل، باز خدای متعال دو

۲. [وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ]؛ «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.» تحریم/۱۱.

۳. [وَ مَرِيْمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَانِتِينَ]؛ «و همچنین به مریم دختر عمران که دامن خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!» تحریم/۱۲.

اینکه باب رحمت جلوی آنها باز بود، به آن راه نرفتند و از آن استفاده نکردند؛ به معنوی ت به خاطر چیزهای پست و حقیر - عواملش را قرآن ذکر کرده، حتماً چیزی است مانند اخلاق بد و یا یک خصلت بد - پشت کردند؛ یک چیزی کوچک این دل‌های ضعیف را به خودش جذب می‌کند و آنها را از راه حق منحرف می‌کند و می‌شوند نماد کفار و انسان ناسپاس در مقابل خدا. اما دو زن دیگر، نماد ارزشهایند. او برایش جاذب و معنوی ت و جاذب و سخن حق آنقدر زیاد است که به هم و بساط و دستگاه فرعونی پشت‌پا می‌زند، این یکی هم پاک‌یزگی و پاکدامنی و وارستگی دارد. فاطمه زهرا & هم این فضای را با هم داراست. چون [وَاصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ]؛^۲

خاندانش هم از هم‌ین طوایف بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی می‌کرد؛ اما ایمان موسی دل او را برد و تصرف کرد؛ به موسی ایمان آورد. وقتی ایمان آورد و راه را شناخت، هم‌ه آن راحت و رفاه را کنار گذاشت و دیگر آن قصر با عظمت در مقابل او جاذبه‌ی نداشت؛ گفت: [رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ]؛ من خان‌ه بهشتی را ترجیح می‌دهم؛ زندگی دنی‌ا ارزشی ندارد. حضرت مریم هم: [وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا]؛^۱ دامن خود را پاک و پاک‌یزه نگهداشت؛ اینها ارزشهای انسانی است. این چهار زن فقط نمونه و نماد برای زنهای نیستند، بلکه نمونه و نماد برای هم‌ه زن‌ها و مردها هستند. آن دو زن با

۲. [وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ

۱. همان.

دربارهٔ مریم در قرآن هست و سیدهٔ نساء عالمین، در روایت هم دارد که او سرور زنان عالم در زمان خودش بود، ولی فاطمه زهرا سرور زنان عالم در همهٔ ادوار تاریخ است^۱ ای ن الگوست .

برادران عزیز! ما امروز به این الگو احتیاج داریم^۲.
همسرداری حضرت زهرا &

یک وقت انسان فکر می‌کند که شوهرداری، یعنی انسان در آشپزخانه غذا را بپزد، اتاق را تر و تمی ز و پتو را پهن کند و مثل قدمی‌ها تشکچه بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بی‌اید! شوهرداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهرداری

فاطمه زهرا & چگونه بود. در طول ده سالی که پی امبر در مدینه حضور داشت، حدود نه سالش حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین^ع با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نه سال، جنگهای کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند - حدود شصت جنگ اتفاق افتاده - که در اغلب آنها هم امیرالمؤمنین^ع بوده است. حالا شما

العالمین]؛ «و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.»
ال عمران/۴۲.

۱. حسن بن زیاد عطار می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَسَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا قَالَ ذَلِكَ مَرْيَمُ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَ الْأَخِيرِينَ فَقَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص الْحَسَنُ وَ الْخُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالَ هُمَا وَ اللَّهُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَ الْأَخِيرِينَ؛ به امام صادق %

گفتار رسول خدا - که فاطمه & سرور زنان بهشت است، گفتم که آیا سرور زنان دوران خود است؟ فرمود آن مریم بود و فاطمه سرور زنان بهشت است از اولین تا آخرین [مخلوقات]، گفتم گفتار رسول خدا - که حسن و حسین^ع دو سید جوانان اهل بهشتند؟ فرمود آنها هم سید جوانان اهل بهشتند از اولین و آخرین [مخلوقات].»
الأمالی، شیخ صدوق، نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۵ و بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت،

۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (ع)، ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

تجهری ز کند؛ دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی دهد؛ بچه‌ها را به آن خوبی که او تربیت کرده، تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین^ع، امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب & که امام نبود. فاطمه زهرا & او را در هم‌ین مدت نه سال تربیت کرده بود. بعد از پی‌امیر هم که ایشان مدّت زی‌ادی زنده نماند^۲.

شخصیت طراز اول تاریخ بشر
فاطمه زهرا & ی‌ک شخصیت برجسته و بزرگ و طراز اول اسلامی است؛ در حقیقت ی‌ک شخصیت طراز اول در طول تاریخ بشر است. همچنان که از قول نبی‌اکرم - گفته شده است که به فاطمه زهرا فرمودند: «أَمَّا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةً نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؟»^۳ تو

ببینی د، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند - ای ن‌قدر جبهه وابسته به اوست - از لحاظ زندگی هم وضع روبه‌راهی ندارند؛ همان چیزها ی‌ی که شنیده‌ایم: **وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَي حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ**؛^۱ ی‌عنی حقیقتاً زندگی فقیران‌ه محض داشتند؛ در حالی که دختر رهبری هم هست، دختر پی‌امیر هم هست، ی‌ک نوع احساس مسؤولیت هم می‌کند. ببینی د انسان چقدر روحی‌ه قوی می‌خواهد داشته باشد تا بتواند ای‌ن شوهر را

۱. [وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَي حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا]؛ «و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند! [و می‌گویند:] ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!» انسان/ ۸ و ۹.

۲. بیانات مقام معظم

رهبری > در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۳. «آیاخرسند نیستی که

سیده و بانوی هم
زنان جهان در طول
تاریخ هستی . خود
فاطمه زهرا & سؤال
می‌کند : «فکیف مریم» :
چگونه مریم سیده
نساء است، که در
قرآن هم تصریح شده
است ؟^۱ حضرت
می‌فرماید : مریم
سیده زنان زمان خود
بود و تو سیده زنان
همه تاریخ هستی.^۲

والامقام‌ترین بانوی زنان دو
عالم باشی؟» بشاره المصطفی
لشیعه المرتضی، طبری آملی،
المکتبه الحیدریه، نجف،
۱۳۸۳ق، ص ۶۹.

۱. [وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا
مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ
وَاصْطَفَاكِ عَلَى
العَالَمِينَ] : «و (به باد
آورد) هنگامی را که
فرشتگان گفتند : «ای مریم !
خدا تو را برگزیده و پاک
ساخته : و بر تمام زنان
جهان، برتری داده است .»
ال عمران/۴۲ .

۲. «عمران بن حصین» روایت
کرده است که رسول خدا -
خطاب به من فرمود : «أَلَا
تَنْطَلِقُ بِنَا نَعُوذُ فِاطِمَةَ
فَإِنَّهَا تَشْتَكِي .؟ قُلْتُ : بَلَى
قَالَ : فَانْطَلِقْنَا إِلَىٰ أَنْ
انْتَهَيْنَا إِلَىٰ بَابِهَا فَسَلِّمْ وَ
اسْتَأْذِنْ فَقَالَ : أَدْخُلِي أَنَا وَ
مَنْ مَعِيَ ؟ قَالَتْ : نَعَمْ وَ مَنْ
مَعَكَ يَا أَبْتَاهُ فَوَاللَّهِ مَا عَلَيَّ
إِلَّا عِبَاءَةٌ ! فَقَالَ : لَهَا اصْنَعِي
بِهَا كَذَا وَ اصْنَعِي بِهَا كَذَا
فَعَلِمَهَا كَيْفَ تَسْتَتِرُ فَقَالَتْ : وَ
اللَّهُ مَا عَلَيَّ رَأْسِي مِنْ خَمَارٍ !
قَالَ : فَاتَّخِذِي خَلْقَ مَلَأَةٍ كَمَا نَبَتْ
عَلَيْهِ فَقَالَ : اخْتَمِرِي بِهَا ثُمَّ

أَذِنَتْ لَهُمَا فَدَخَلَا فَقَالَ : كَيْفَ
تَجِدِينَكَ يَا بُنَيَّةُ؟ قَالَتْ : إِنِّي
لَوَجِعَةٌ وَ إِنَّهُ لِيَزِيدُنِي أَنْ مَا
لِي طَعَامٌ أَكُلُهُ قَالَ : يَا بُنَيَّةُ
أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةً
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؟ قَالَتْ : يَا
أَبَتِ فَإِنَّ مَرْيَمَ ابْنَتُ عِمْرَانَ؟
قَالَ : تِلْكَ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
وَ أَنْتِ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ عَالَمِكَ أَمْ
وَ اللَّهُ لَقَدْ زَوَّجْتُكَ سَيِّدًا فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ : فاطمه &
بیمار است، آیا می‌خواهی به
عیادتش برویم؟ عرض کردم :
آری، از محل خود حرکت کرده
به اتفاق رسول خدا - به در
خانه فاطمه & رسیدیم، رسول
خدا - سلام کرد و اجازه ورود
خواست! و اضافه کرد که آیا
اجازه می‌دهی من و کسی که
همراهم است به خانه ات وارد
شویم؟ عرض کرد : آری، ای
پدر ! شما و شخصی که
همراهتان هست می‌توانید به
خانه ام وارد شوید؛ لیکن به
خدا سوگند ! در حال حاضر
بدن پوشی جز عبا ندارم .
رسول خدا - فرمود : آنرا
چنین و چنان بر اندام خود
قرار ده و چگونگی پوشش
آنرا به حضرت فاطمه &
بیاموخت. فاطمه & عرض کرد :
یا رسول الله ! به خدا سوگند !
در چارقدی بر سرم ندارم ؛
رسول خدا - پارچه ای کهنه را
که همراه داشت به فاطمه &
داد و فرمود : این پارچه را
سریوش خود قرار بده . آنگاه
فاطمه & اجازه داد ورود هر
دو به خانه اش داد. و وارد
شدند. پیغمبر - پرسید : ای
دختر عزیزم ! چگونه تو را
می‌یابم؟ فاطمه & عرض کرد :
بیمارم، همچنین غیر از این
بیماری، غذایی هم ندارم که
آنرا تناول نمایم ! رسول
خدا - فرمود : آیا خرسند
نیستی که سرور زنان جهان
هستی؟ عرض کرد : اگر من

بودند که برای کمتر
کسی این همه احترام
و تجلی را از آن
بزرگواران می‌شود
دی‌د^۱.

اگر شخصیت فاطمه
زهرا & برای ذهنهای
ساده و چشمهای
نزدی کبین ما آشکار
می‌شد، ما هم تصدیق
می‌کردیم که فاطمه
زهرا & سرور هم‌ه‌ زنان
عالم است؛ بانویی که
در سنین کم و در عمر
کوتاه، به مقامات
معنوی و علمی و
معرفتی و به مرتبه‌ای
برسد که برابر مرتبه
انبی‌ا و اولی‌است. در
واقع فاطمه زهرا فجر
درخشانی است که از
گریبان او، خورشید
امامت و ولایت و نبوت
درخشیده است؛ آسمان
بلند و رفیعی است که
در آغوش آن،
ستاره‌های فروزان
ولایت قرار گرفته
است. هم‌ه‌ ائمه
علی‌هم‌السلام برای
مادر بزرگوار خود
تکریم و تجلی‌قائل

سرور زنان جهان هستم پس
حضرت مریم & چه مقام و
مرتبه‌ای دارند؟ فرمود: او
سیده زنان دوران خود بود و
تو سیده زنان دوران خودت
هستی اینک، به خدا سوگند!
تو را به همسری سرور دنیا
و آخرت درآوردم.»
بحارالأنوار، محمد باقر
مجلسی، ج ۳۷، ص ۶۹.

۱. بیانات مقام معظم
رهبری > در دیدار جمعی از
زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۰۳.



حوزوی مشورت کنند

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در دی دار معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی کشور با اشاره به اثرگذاری فراوان صنعت سینما و فیلم، اظهار داشتند: با فیلم و سریال کارهای بسیاری می شود کرد. همانگونه که سریال امام علی تأثیرگذاری چشم گیری داشت.

ایشان در ادامه افزودند: در این جشنواره فیلم های ارزشمند و فاخری نیز وجود داشت، اما امور مذهبی و فرهنگی، دارای ظرافت و

سیاستی است و باید در صورت بروز اشتباه در این امور، انتقادات را پذیرفت و به اصلاح آن ها پرداخت.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی به انتقادات وارد شده به برخی از فیلم های جشنواره فجر اشاره کردند و خواستار رسیدگی به این موارد شدند. ایشان در پایان بر لزوم بررسی محتوای فیلم ها قبل از تولید و استفاده از ظرفیت حوزه علمیه قم در این امر تأکید نمودند.

هیچ قانونی نباید استقلال حوزه را خدشه

۱. پایگاه اطلاع رسانی افق حوزه، کد خبر: ۳۳۷۱۱۱.

دار کند

حضرت آیت الله صافی
گلپایگانی با بیان
این که امیدوارم همه
بتوانیم اسباب
افتخار دین و مکتب و
پیشرفت مقاصد دینی
شویم ، اظهار داشتند :
برنامه ها باید طوری
اجرا شود که تمام
اساتید حوزه بتوانند
فعالیت کنند و فضا
برای همه مدرسین که
می خواهند همکاری
کنند باز باشد.
ایشان در بخش
دیگری از سخنان خود
با اشاره به لزوم
حفظ استقلال حوزه
افزودند : یکی از
نکات مهم این است که
در تمامی برنامه ها ،
استقلالی که حوزه
داشته و دارد حفظ
شود و اگر کسی در
این مسیر خدمتی کند ،
ما هم از آنها حمایت
میکنیم .
ایشان همچنین ،
اهتمام به حفظ مسیر
سلف حوزه را لازمه
کار در مسیر پیشرفت
دانس تند و بیان
داشتند : باید به
دنبال حوزه با همان
کیفیتی که علمای
بزرگ ما بر آن
بودند ، باشیم و طوری

نشود که مسیر و
راهمان تغییر کند ،
بافت قدیمی حوزه ها
باید محفوظ بماند و
روش و سیره علماء
بزرگوار ، الگو و روش
و سیره ما باشد .
**تکاپوی وهابیت را با
عملکرد عظیم حوزه
مقایسه نکنیم**
آیت الله حسینی
بوشهری ، صبح امروز
در چهاردهمین اجلاس
مدیران حوزه های
علمیه سفیران هدایت
کشور ، در قم ، با
اشاره به این که
انقلاب ، حوزه و
روحانیت ، نعمت های
بزرگی برای کشور
محسوب می شوند ، ابراز
داشت : کار حوزه ،
مرزبانی از اعتقادات
جامعه و صیانت از
دین مردم است و باید
هم تهدیدات را
ببیند و متناسب با
آنها راه های مقابله
را انتخاب کند .
ایشان با تأکید بر
این که حوزه و
روحانیت مسئولیت
عظیم تربیت نسل جوان
کشور بر عهده دارد ،
ابراز داشت :
روحانیت ، مربی و

۱. خیرگزاری حوزه ، کد خبر :
۳۳۷۳۶۴

این که وجود سفیران برای حوزه لازم است، عنوان کرد : سفیران بخشی از نیازهای جدی حوزه را پاسخ می دهد و در حقیقت لازمه بخشی از ماموریت های حوزه که باید در این عرصه قوی عمل کند، می باشد.

آیت الله حسینی بوشهری خاطرنشان کرد : مدیران سفیران از زحمت کشتیرین مدیران حوزه هستند که باید کار آنان را ستود و به همین دلیل نباید مشکلات، آنها را افسرده کند؛ زیرا آنها وظیفه بسیار مهمی را بر عهده گرفته اند.

ایشان با بیان این که طلاب فارغ التحصیل سفیران در هر جایی که حضور داشته اند، نقش آفرین بوده اند، بیان داشت : آموزش های تبلیغی و تخصصی در سفیران هدایت، همچنین راه اندازی سطح سه سفیران و توجه به آموزش آنها، نقش مهمی در بالا رفتن سطح علمی حوزویان خواهد داشت.^۱

مسئول تربیت این نسل است و باید از اعتقادات فرهنگ دینی کشور محافظت کند و در این راستا عملی پیامبر گونه بر عهده دارد.

مدیر حوزه های علمیه یادآور شد : توجه به آثار و برکات حوزه های علمیه در عرصه های تبلیغی، علمی، پژوهشی و پاسخگویی به نیازهای امروز و فردای کشور به حدی است که به هیچ عنوان نباید کسی با علم کر دن فعالیت وهابیت آنها را زیر سؤال ببرد.

ایشان همچنین ادامه داد : درست است که وهابیت با آموزش و حفظ چند روایت و آیه، لشگریانی را به عنوان طلبه به مناطق مختلف گسیل می کند، ولی کسی حق ندارد این فعالیتها را با فعالیت های عظیم حوزه مقایسه کند؛ زیرا حوزه بسیار قوی تر از آنها عمل کرده و توانسته به بسیاری از نیازهای خرد و کلان جامعه پاسخ دهد. عضو خبرگان رهبری در ادامه با بیان

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر:

جذب جوانان نخبه در

حوزه های علمیه

حجت الاسلام و
المسلمین نبوی،
معاون تبلیغ و
آموزشهای کاربردی
حوزه های علمیه با
اشاره به این که
شکل گیری سفیران
هدایت از پیگیری یک
طرح مغفول مانده در
حوزه آغاز شد که با
حمایت آیت الله حسینی
بوشهری به سرانجام
رسید، گفت در واقع
در این طرح به دنبال
آن بودیم که بتوانیم
به نیازهای متعدد
جامعه پاسخ دهیم و
خروجی مشخصی را نیز
برای حوزه تبیین
کنیم؛ به گونه ای که
ضمن آموزش اجتهادی
علمی چون فلسفه،
کلام، تاریخ، تفسیر
و... بتوانیم از
ظرفیتهای نسل جوان
مؤمن برای پوشش نیاز
کشور بهره ببریم.
مدیر م رکز تخصصی
تبلیغ حوزه با اشاره
به اهمیت گزینش طلاب
سفیران هدایت، ابراز
داشت: جامعه هدف جذب
در این مدارس،
دانش آموزان

پیشدانشگاهی و سال
آخر دبیرستان هستند
که در این زمینه
باید در ابتدا سراغ
مدارس تیزهوشان،
مدارس امین و مدارسی
برویم که دانش آموزان
نخبه در آنجا فعالیت
میکنند.

معاون تبلیغ و
آموزشهای کاربردی
حوزه یادآور شد:
برای جذب این
جوانان، باید به
نکات مختلفی توجه
شود که از آن جمله
می توان به نشاط،
سرزندگی، توان هوشی،
داشتن روحیه طلبگی
و... اشاره کرد.

حجت الاسلام

والمسلمین نبوی با
اشاره به نقش ائمه
جماعا ت، مدیران
مدارس، امامان جمعه
و مبلغان طرح هجرت
در جذب دانش آموزان
به مدارس سفیران،
گفت: باید با جذب
استعدادهای نخبه،
آنها را با گذراندن
دوره های تخصصی، برای
ورود به عرصه تبلیغ
آماده سازیم.^۱

۱. خیرگزاری حوزه، کد خبر:
۳۳۷۳۱۶.

طلبه ، فارغ التحصیل
این طرح بوده اند که
۲۰۰ نفر آنان توسط
هجرت بلند مدت جذب
شده و مابقی در
مناطق مختلف
ارگان‌های مختلف به
کار گرفته شده‌اند.^۱

**اجلاسیه فارغ التحصیلان
مدارس سفیران هدایت**
اجلاسیه فارغ
التحصیلان مدارس
سفیران هدایت در قم
برگزار شد . در این
اجلاسیه که با حضور
حدود ۵۰۰ نفر از
فارغ التحصیلان سفیران
هدایت از سراسر کشور
برگزار گردید ، آیت الله
استادی، دبیر شورای
عالی حوزه های علمیه
به عنوان سخنران
ویژه، پیرامون
جایگاه تبلیغ دین و
رسالت طلاب و
روحانیون در این
عرصه به ایراد سخن
پرداخت.

حجت الاسلام
والمسلمین نبوی،
معاون تبلیغ و
آموزشهای کاربردی
حوزه های علمیه از
دیگر سخنرانان این
نشست بود که با اعلام
آمار مدارس سفیران
هدایت، گفت : در حال
حاضر ۱۰۶ مدرسه
سفیران هدایت در
سراسر کشور دائر
می‌باشد.

ایشان همچنین ب
آمار فارغ التحصیلان
سفیران هدایت نیز
اشاره کرد و ابراز
داشت: یک هزار و ۸۵۰

۱. پایگاه خبری معاونت
تبلیغ و آموزشهای کاربردی
حوزه های علمیه.



غلامرضا گلی زواره

اشاره:

در شماره گذشته،
نگاهی به زندگانی،
اندیشه و کارنامه
علمی و عرفانی حضرت
آیت الله خوشوقت داشتیم
و در آن به برخی
مباحث از زندگی
ایشان، همچون
«کودکی و خاندان»،
«تحصیلات»، «هجرت به
قم»، «در محضر آیت الله
بروج ردی»، «در پرتو
انوار امام خمینی!»
و... پرداخته شد؛
اکنون ادامه این
موضوع ارائه می‌گردد.
جرعه‌نوش حکمت

به فرمایش آیت الله
سبحانی با تسلط فرقة
دموکرات بر
آذربایجان در سالهای
۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ ش این
منطقه دستخوش

ناامنی، قتل و غارت
بود. علامه طباطبایی
در این ایام، تبریز
را به قصد اقامت در
قم ترك کرد و حدود
۳۵ سال در حوزه این
شهر به تدریس، تألیف
و تربیت نفوس روی
آورد.

علامه طباطبایی در
برنامه های درسی حوزه
مطالعاتی انجام داد
و متوجه شد در زمینه
تفسیر قران، حکمت و
عرفان، کمبودهایی
وجود دارد؛ از این
روی به تدریس در این
عرصه ها اقدام کرد .

۱. نظری و گذری بر زندگانی
استاد علامه طباطبایی، جعفر
سبحانی، مندرج در بارنامه
علامه طباطبایی، انتشارات
شفق، قم، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۴ -
۶۵.

قدسیّه این حکیم و مفسّر کبیر را به دست آورده است. آیت الله خوشوقت در محضر علامه با حکمت مشأ و متعالیه مأنوس شد. وی اولین کتاب عرفانی را نزد علامه خواند. این کتاب، حاوی مباحث منظم در مبانی عرفانی است و تمهید القواعد ابن ترکه نام دارد. لازم است دانسته شود که علامه، دو نوع شیوه تدریس و در واقع دو دسته شاگرد داشته اند، برخی بحثهای عمومی فلسفه را در فضایی عمومی و ب رای شاگردان عادی مطرح می کردند؛ امّا به صورت محدودتر، دیدگاه های ویژه را که هر کسی قدرت هضم و تحلیل آنها را نداشت در جلسات خصوصی بیان می کردند. این محفل در شبهای پنجشنبه و جمعه بر اساس متن کتاب تمهید القواعد صورت می گرفت که شاگردان گزیده از جمله آیت الله خوشوقت در آن حضور می یافتند. بحث دیگر که در جلسات ویژه ارزیابی می شد، روایتهای کتاب

آیت الله خوشوقت این توفیق را به دست آورد تا از پرتو انوار این مربی معرفت، حکمت، فلسفه، عرفان و اخلاق بهره گیرد؛ از جمله در آخرین دوره درس شرح منظومه سبزواری و دومین دوره درس اسفار ملاً صدراي علامه شرکت کرده است. مرحوم خوشوقت یادآور شده است که ایشان تقریباً دو دوره رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم را تدریس کردند تا این درس، بستر و زمینه هایی به وجود آورد که ذیل آن نظرات عرفانی و معنوی خود را مطرح کنند. بسیاری از اهل نظر آیت الله خوشوقت را گوهر پنهان علامه طباطبایی معرفی کرده اند و نقل است که ایشان قبل از بسیاری از شاگردان مشهور علامه، توفیق بهره مندی از انفاس

۱. جرعه های جانبخش، غلامرضا گلی زواره، نشر حضور، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش، ص ۹۱.
۲. در مکنون، علامه طباطبایی، به کوشش عباس علی مردی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش، ص ۴۲ و ۵۵.

از این مرحله، باید خود را متعهد و ملتزم به واجبات شرعی بدانند. ترك گناه و عمل به فرایض و واجبات، ایمان را ارتقا می دهد و با تقویت ایمان، آدمی بر نفس اماره مسلط می شود. این اساس تربیتی بود که ایشان در مجلس درس اخلاق، بیان می کردند.

شاخص ترین ویژگی علامه به نظر مرحوم خوشوقت، نمود عینی مسائلی بود که اسلام بر آن تأکید کرده بود. به عیان می شد تمامی موازین اخلاقی، شرعی و اعتقادی را در کردار و گفتار علامه مشاهده کرد.

از نشانه های برجسته که اسلام برای پیروان خود برشمرده است، اولینش تقوا و برخورداری از نفس مطمئنه است. این ویژگی در رفتار و گفتارشان موج می زد و نشان می داد که به این مسائل اساسی و زیربنایی، اهمیت افزون تری می دهد.

آن بزرگوار در هر کاری رضایت خداوند را در نظر می گرفت، نه منافع شخصی و جلب

بحار الانوار بود^۱. آیت الله خوشوقت به درس اخلاقی علامه هم چنین اشاره دارد: «درس اخلاق ایشان، خصوصی بود و تعداد اندکی در آن حضور می یافتند. در این درس عرفان، مسئله تزکیه، ت هذیب نفس و سیر و سلوک مطرح بود.»

مرحوم خوشوقت حتی در ایامی که تهران بودند، مقید بودند به این درسها بروند و ارتباط با علامه را قطع نکنند. به گفته ایشان، علامه در این محافل، بر دو شرط اساسی برای اصلاح نفس و سلوک معنوی تأکید می کرد: شرط اول، ترك گناه بود؛ زی را عامل فلاکت آدمی و جامعه انسانی مبتلا گردیدن به منکرات است. علت اینکه خداوند، گناه را ممنوع کرده است، عوارض و خطراتی است که در جامعه ایجاد می کند. باید سالک زحمت بکشد، ریاضت پیشه کند و از تمامی خلافهای کوچک و بزرگ دوری کند. سالک بعد

۱. پاسداشت، علیرضا معارف، روزنامه ۹ دی، ۱۳۹۱/۱۲/۵، ش ۸۹، ص ۸.



سالی که در قم مشرف
بودم، حدود هفت سالی
خدمتشان بودم. بعد
هم که به تهران آمدم
به محضرشان می رفتم و
سعی می کردم در جلسات
آن بزرگوار، حضور
یابم. بعد که در
اواخر عمر دچار
کسالت گردیدند، از
وجودشان محروم شدیم.
نفس مطمئنّه در خصال،
کردار و گفتارش موج
می زد و نشان می داد
که به معنویت و
تزکیه اهمیت
فوق العاده ای می دهد.^۱
آیت الله سید ابراهیم
خسروشاهی می گوید،
سالها همراه آقای
خوشوقت از دروس
مرحوم علامه طباطبایی
در جلساتی استفاده
می کردیم. ایشان
مطالب استاد را
عمیقاً دریافت می کرد
و اگر کسی می خواست
در بین مطالب علامه،
مطالبی بر زبان آورد
و رشته کلام او را بر
هم بزند، آشفته خاطر
می شد و می گفت: به
راحتی نمی توان به
عمق و کنه مطالب
استاد رسید و به
برخی امور سطحی

توجه مردم را. پله
پله بالا می رفت و
شاگردانی را که
لیاقت داشتند نیز با
خود می برد. اولین
خطوط برجسته در سیره
این مرد بزرگ، بندگی
و اطاعت از فرامین
الهی بود.
آیت الله خوشوقت
اعتقاد دارد
تأثیرگذارترین
استادش، علامه
طباطبایی بود و از
ایشان چنین یاد
می کند:

«وقتی به قم آمدم،
زمینه ای فراهم شد که
با علامه آشنا شوم و
این آشنایی،
رفته رفته افزایش
یافت. علامه در مراتب
علمی بسیار بالا
بودند، خیلی زحمت
کشیده و آثار زیادی
داشتند. در جمع این
آثار علمی ارزشمند،
آثار عملی هم
داشتند، به مسائل و
معارف دینی و معنویت
هم پای بند بودند و
در این باره هم همّت
و تهذیب درون را در
برنامه خود قرار
داده بودن. د. خدای
متعال اجر جزیل به
ایشان مرحمت کند که
حق بزرگی به گردن من
دارند. از دوازده

۱. در مکنون، علامه
طباطبایی، ص ۴۲، ۵۶، ۵۷ و
۱۶۷.

مردان پاک به شمار می‌رود، ایشان نیز با مدد از توفیق الهی پای همت در مسیر خودسازی و سیر و سلوک نهاد و انفس ملکوتی حکیم فرزانه و مهذب نفوس، مرحوم آیت الله علامه طباطبایی، ایشان را بیش از دیگران با دقایق و رموز معنویت و درجات عرفانی مانوس ساخت. همین امر، ایشان را مورد توجه و محبت ویژه علامه طباطبایی قرار داد.^۲ آیت الله شیخ حسن ممدوحی گفته است آیت الله خوشوقت با علامه، جلسات خصوصی دوفره داشت. ایشان دست‌پرورده علامه بود و در عرفان عملی به قلبه رسیده بود. وقتی از محضر علامه پرسیدیم: «آیت الله خوشوقت چگونه آدمی است؟» فرمود: «انصافاً آدمی است که بر کارهای خود تسلط دارد و نفس امّاره را در اختیار گرفته است.»^۳ مرحوم خوشوقت

بسند کرده. ایشان از مرجع و علامه درسی گرفت که تا کنون هم به آن اشتغال دارد. روزی علامه طباطبایی (فرمود: «هنگام جوانی، وقتی می‌خواستم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف بروم، دشواری‌هایی بر سر راه بود که برای برطرف گردیدن آنها با ختم چهارده هزار صلوات به ائمه اطهار) متوسل شدم و در نتیجه، مشکل، رفع شد.» این درس را آقای خوشوقت تحویل گرفته و هنوز هم به این امر می‌پردازد و پنج‌شنبه‌ها به قم مشرف می‌شود و آنجا جلسات تبلیغی دارند و یا جمعه‌ها در همین تهران، در منزل یکی از دوستانش، این ختم را ادامه می‌دهد. از اینها می‌فهمیم ایشان اهلیت چنان مجلس درسی را داشتند.^۱ آری، از آنجا که زینت علم با عمل صالح تحقق می‌یابد و خلق و خوی ملکوتی و تهذیب نفس، زیور

۲. همشهری آن لاین، ۱۳۹۱/۱۲/۲.
۳. دو ماهنامه خط، ش سوم، ۲۴.

۱. گفتگو با آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی، دُر مکنون، علامه طباطبایی، ۱۸۴ص تا ۱۸۶ص.

که بر اثر آن در مقابل نام و نشانه‌های دنیوی سر خم نکرد و گمنامی را بر شهرت ترجیح داد و هیچ گاه نلغزید.^۱

علامه طباطبایی بعد از انتشار تفسیر المیزان و آثاری در زمینه های فلسفی و عرفانی، مورد هجوم برخی متحجران ساکن در قم، مشهد و نجف قرار گرفت. سعایتها و بدگوییها درباره اش چنان شدت یافت که حتی این تنگ نظران، آیت الله بروجردی را تحت فشار قرار دادند که چرا اجازه می‌دهد، علامه در حوزه به حکمت و عرفان بپردازد و اگر چه آن مرجع عالیقدر به طور ضمنی، درس فلسفه ایشان را تأیید کرد؛ ولی به دلیل افزایش حرکات رشک آلود و هجمه های مخالفان از علامه خواست، این درس را محدود کند. او هم پیروی کرد. در آن زمان آیت الله خوشوقت، همراه عده ای از شاگردان ویژه علامه، طی نامه ای خطاب به برخی مراجع عظام

درباره تکریم منزلت علامه طباطبایی و تجلیل از مقام علمی این مفسر جهان تشیع، حساسیتی ویژه داشت؛ به نحوی که اگر در مواردی، نظر متفاوت از دیدگاه علامه داشت، آن را به صورت حاشیه ای بیان می‌کرد. در یکی از جلسات، بعد از افطار، در منزل یکی از دوستان اهل علم، از ایشان درباره موضوع احتمال تحریف آیات قرآن و جابه جایی بعضی آیات سؤال شد. مرحوم خوشوقت بر اساس دیدگاه های علامه طباطبایی، این بحث را تجزیه و تحلیل کرد و پاسخی مبسوط و قانع کننده مبنی بر عدم تحریف قرآن ارائه داد.

اصولاً علامه و ایشان با یکدیگر نوعی مناسبات عاطفی و ارتباطی خیلی لطیف داشتند. از شباهتهای روش وی با سیره علامه طباطبایی، زندگی زاهدانه و ساده زیستی ایشان بود. مرحوم خوشوقت نخواست از موقعیتی که برایش فراهم بود، استفاده کند. طبعی بلند داشت

۱. روزنامه ۱۳۹۱/۱۲/۵، ص ۸.
۹ دی،

بازگشت به تهران و تشکیل خانواده

آیت الله خوشوقت در سال ۱۳۳۷ ش بعد از ۱۲ سال تحصیل در حوزه علمیه قم و فراگیری علوم عقلی و نقلی و آشنایی با لطایف حکمت، اخلاق و عرفان و قرار گرفتن در مسیر سلوکی ملکوتی و نائل شدن به مقام والای اجتهاد به تهران بازگشت .
 برخی منابع خاطرنشان ساخته اند، او بنا به توصیه امام خمینی! به زادگاه خود آمد تا به ترویج معارف اسلامی بپردازد و در سازندگی معنوی و اخلاقی انسانهای تشنه مکارم اخلاقی بکوشد .
 وی در این موقع، سی و دو ساله بود و تصمیم گرفت در اولین قدم، تشکیل خانواده بدهد . خودش درباره علل تأخیر در امر ازدواج می‌گوید:
 «احساس می‌کردم اگر زودتر ازدواج کنم، نتوانم به امور تحصیلات و کارهای

وقت، در حوزه علمیه قم، از آنان خواستند حقایق را روشن سازند و اجازه ندهند گروهی غافل از حقایق، ساحت قدسی آن مرد علم و تقوا را این گونه مورد هجوم قرار دهند . آنان هشدار دادند این گونه رفتارها نه تنها موقعیت علمی و اجتماعی آن حکیم عارف را تهدید می‌کند بلکه سد بزرگی جلو پیشرفت علمی حوزه علمیه قم ایجاد می‌کند و طلاب علوم دینی را از تعلیمات رهایی‌بخش و رشد دهنده و افکار دانشمندان، محروم می‌سازد و حقایق و معارفی را که در پرتو تلاشهای ارزنده علامه طباطبایی، روشن گردیده است، زیر حجابهای ضخیم اوهام مخفی می‌سازد . انتشار این نامه، افراد متحجر و اهل جمود را از غوغاسالاری بازداشت و شرایطی پدید آمد که علامه به نهضت فکری و علمی خود ادامه دهد.^۱

چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳ تا ۱۶۵؛ جرعه های جان بخش، فرازهایی از زندگی مرحوم علامه طباطبایی، از نگارنده، نشر حضور، قم، بی تا، ص ۹۱ و ۹۳.

۱. خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره علامه طباطبایی، کلید شروق، قم،

آنکه در جبهه های جنگ
تحمیلی در نبرد با
بعثیها، فداکاریهایی
از خود بروز داد،
مشغول فراگیری علوم
و معارف حوزوی شد؛
ولی به دلیل کسالت و
سردردهای شدید، به
توصیه پزشکان از
ادامه تحصیل باز
ماند. سید مصطفی
حسینی خامنه ای فرزند
حضرت آیت الله خامنه ای^۱
یکی از دختران آیت الله
خوشوقت را به عقد
ازدواج خویش در
آورد.

در سنگر مسجد

از مزایای
برنامه های ترویجی
آیت الله خوشوقت این
بود که مسجد را
پایگاه فعالیتهای
تبلیغی، آموزشی و
تربیتی خود قرار
داد. وی از سال ۱۳۳۸
ش اقامه جماعت نماز
مغرب و عشاء را در
مسجد امام حسن
مجتبی % واقع در
خیابان شریعتی تهران
(جاده قدیم شمیران)
بر عهده گرفت. بعد
از ارتحال مرحوم حجت

دیگر برسم؛ چرا که
زندگی مشترک، طوری
است که فراغت و فرصت
میخواهد و در هنگام
فراگیری دروس حوزه
اگر به این برنامه
روی می آوردم، به سبب
بروز برخی مشکلات از
بعضی برنامه ها باز
می ماندم.»

البته منظور مرحوم
خوشوقت از این مشکلات
و گرفتاریها موضوع
تربیت و هدایت
فرزندان و جلوگیری
از فضاهای مسمومی
است که امکان دارد،
خانه را تهدید کند،
نه تنگناهای اقتصادی
و موضوع رزق و روزی؛
چرا که این مسائل با
توکل، قناعت، زهد و
ساده زیستی که در
ایشان به صورت ملکه
در آمده بود، کاملاً
قابل حل بود.

در هر حال آیت الله
خوشوقت با دختر یکی
از بازاریان تهران
که با مسجد و محراب،
انس و الفت داشت،
ازدواج کرد. حاصل
زندگی مشترک ایشان
دو فرزند پسر و چهار
دختر است. یکی از
فرزندان ذکورش فارغ
التحصیل دانشگاه

امام صادق % است.
فرزند دیگرش بعد از

۱. در مکنون، علامه
طباطبایی، ص ۴۳، - ۴۴؛
همشهری آن لاین، ۱۳۹۱/۱۲/۲،
نشریه افق حوزه،
۱۳۹۱/۱۲/۹، ش ۳۵۹، ص ۲.

خنثی کند؛ مثلاً
 شب نامه هایی توسط
 ساواک در سال ۱۳۴۲
 علیه نهضت امام
 خمینی و رهبری قیام
 انتشار می یافت و در
 سطح تهران توزیع
 می شد. اهالی، متن
 آنها را که حاوی
 اکاذیب و تهمت‌های
 ناروا علیه امام
 بود، می خواندند و
 عده ای نزد آیت الله
 خوشوقت می آمدند و از
 محتوای آنها سؤال
 می کردند. وی با دلایل
 استوار و بیّنات
 روشن، ادعاهای ساواک
 را بی اثر می ساخت.
 گاهی نیز به برخی
 علما چون آیت الله
 کاشانی و دیگران
 نسبت‌های ناروایی
 وارد می کردند. هدف
 از نشر این شایعات،
 تخریب علما و جامعه
 روحانیت و بدبینی
 مردم به این
 مرزداران دیانت بود.
 آیت الله خوشوقت در این
 باره نیز می کوشید
 مراجعان را از حقایق
 آگاه کند.
 رفته رفته افرادی
 هم برای حل مشکلات
 دیگرشان به این مسجد
 می آمدند و از مرحوم
 خوشوقت درباره رفع
 آنها رهنمودهایی

الاسلام والمسلمین حاج
 آقا معین شیرازی،
 اقامه جماعت نماز
 ظهر و عصر را هم
 پذیرفت. وی بیش از
 نیم قرن در این مکان
 مقدس به تفسیر قرآن،
 شرح و تفسیر ادعیه و
 جلسات اخلاق و عرفان
 اشتغال ورزید و
 جانهای مشتاق و
 روانهای جویای معارف
 ناب و اصیل قرآن و
 عترت را از زلال جاری
 خویش سیراب ساخت.^۱
 این مسجد، محل
 مراجعه مشتاقان به
 محضر معنوی ایشان
 بود. وی بعد از
 اقامه نماز ظهر و
 عصر با سعه صدر و
 فروتنی به سؤالات
 نمازگزاران و
 مراجعان به صورت
 فردی پاسخ می گفت.
 پرسش کنندگان از
 جوانان معمولی تا
 طلاب و افرادی از
 شهرستانهای دور و
 نزدیک بودند.
 او ضمن پاسخ به
 سؤالات اعتقادی و
 شرعی، خود را موظف
 می دید تبلیغات
 دشمنان را که علیه
 دیانت و اهل علم و
 تقوا صورت می گرفت،

۱. مجله آینه پژوهش، ش
 ۱۳۹، ص ۱۱۶.

دریافت می کردند . ایشان هرگز از پاسخ دادن به افراد در زمینه های گوناگون دینی و اجتماعی، خسته نمی شد و از سؤالات تکراری، خم به ابرو نمی آورد و تمام مراجعان را با آغوش باز می پذیرفت . وی به آنان در نجات از دشواریها امید می داد و آرامش و امنیت روانی را جرعه جرعه به کام دل و ذهنشان جاری می ساخت .

آیت الله خوشوقت درباره فعالیت هایی که در این سنگر ارائه می داد، می گوید : «اینجا کانون دیانت، سیاست، فرهنگ، آموزش دین، تفسیر قرآن و حدیث و روش تربیت اخلاقی است؛ همان حرفه ای را که یاد گرفته ایم در آنجا می گوئیم . سفره ای است که برای همه گسترانیده شده است، چیدمان این سفره معنوی و فرهنگی، ارمغان قم است . ساواک به فعالیت های ما حساس بود، تحت نظر بودم ، مدام در مسجد می آمدند، بعضی را دستگیر می کردند،

روحانیان انقلابی در این مسجد بر فراز منبر، افشاگری می کردند، مسجد فعالی بود و از انقلاب اسلامی صیانت می کرد، نسبت به نهضت امام خمینی ! روشنگری می نمود، تبلیغات کمونیستی و الحادی را خنثی می کردیم . در ایام اوج گیری انقلاب اسلامی، این مکان مقدس، کانون فعالیت های مبارزاتی بود . وقتی از منزل بیرون می آمدم ماشین های نظامیان صف کشیده بودند و صدای تیراندازی می آمد . با وجود این ناآرامیها با آرامش خاصی به مسجد می رفتم . کسانی که تظاهرات می کردند و تحت تعقیب مأموران رژیم استبدادی قرار می گرفتند، پناهمان می دادیم .»

به گفته حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد در برنامه های آیت الله خوشوقت، دو فراز مهم دیده می شود : یکی اینکه کانون حکمت های

۱. در مکنون، علامه طباطبایی، ص ۴۴، ۸۵ و ۸۶ .

رغم دعوتها و
 اصرارهاي زيادي كه
 علماي قم از ايشان
 داشتند، او از پذيرش
 آنها امتناع مي‌کرد و
 حضور در تهران را
 براي خويش، تكليف
 شرعي تلقي مي‌کرد.^۲
 البته آن بزرگوار،
 رابطه خود را با قم
 قطع نکرد و هر دو
 هفته يك بار، روزهاي
 پنجشنبه به اين شهر
 مي‌آمد و بعد از
 اقامه نماز ظهر و
 عصر در حسينيه حضرت
 زينب كبريا & به وعظ
 مي‌پرداخت و به سؤالات
 اخلاقي و ديني
 حاضران، پاسخ مي‌گفت.
 وي در اين محفل به
 تفسير قرآن و شرح و
 بررسي ادعيه صحيفه
 سجّاديه هم مي‌پرداخت.
 سؤالات حاضر شامل
 ساده ترين مسائل
 زندگي تا پرسشهاي
 پيچيده اي درباره
 حكمت و عرفان است كه
 همه را با صبر و
 حوصله و گاهي با
 چاشني مزاح و لبخند،
 پاسخهايي در خور و
 قانع‌كننده مي‌داده
 است. نام‌گذاري
 اطفال، اذان گفتن در
 گوش اطفال هم از

فرهنگي اين بزرگوار،
 مسجد بود و اين مكان
 عبادي را محل ارتباط
 خود با اقشار
 گوناگون قرار داده
 بود. ديگر آنكه در
 ايجاد ارتباط با نسل
 جوان بسيار موفق
 بود، همه شرايطي را
 كه براي ايجاد انس و
 الفت با اين قشر از
 جامعه نياز بود،
 دارا بود و جامعه
 جوان ما نيازمند
 چنين عالمان
 وارسته‌اي مي‌باشد.^۱
 مسجد امام حسن %
 كانون اجتماع جوانان
 انقلابي و حاميان
 واقعي و وفاداران
 راستين امام و نهضت
 اسلامي بود. بعد از
 پيروزي انقلاب عدّه اي
 از آن جوانان
 انقلابي، راهي
 صحنه هاي نبرد با
 متجاوزان صدامي شدند
 و برخي نيز در
 نهادهاي جوشيده از
 انقلاب، مسئوليتهايي
 را پذيرفتند.
 مرحوم خوشوقت، يكي
 از محورهاي حوزه
 علميه تهران به شمار
 مي‌آمد و مقيد بود به
 تدريس و تربيت
 جوانان پردازد و به

۲. نشریه ۹ دي، ۱۳۹۱/۱۲/۵، ص ۸.

۱. افق حوزه، ۱۳۹۲/۱/۲۱، ش ۳۶۲.

اموری است که خانواده‌ها از آیت الله خوشوقت توقع داشتند و ایشان آنان را نیز ناامید برنمی‌گردانند. این جلسات از اواخر سال ۱۳۸۹ به مسجد اعظم قم انتقال یافت و تا مدتی قبل از رحلت آن مجتهد عارف، برقرار بود. یادآور می‌شود سنگ بنای این سنت حسنه را شهید آیت الله علی قدوسی نه اد. حجت الاسلام والمسلمین صدیقی می‌گوید: «آن شهید که مربی نورانی و مدیر باکفایتی بودند و با علامه طباطبایی ارتباط داشتند، از بین شاگردان علامه به دو نفر توجه داشتند و در صدد بودند این دو نفر در قم کرسی تدریس و جلسات اخلاق داشته باشند و به تربیت نفوس بپردازند؛ یکی شهید مطهری است و دیگر آیت الله خوشوقت می‌باشد که در این راستا قدمهایی هم برداشتند و بحمد الله موفق بودند. مرحوم آیت الله خوشوقت در مباحث اخلاقی و عرفانی، به آیات و روایات تأکید

می‌کرد و در واقع، معرفت‌های اهل بیته و ثقلینی را مد نظر داشت. از نظر سیره عملی هم وجودش یکپارچه، شیفته اهل بیت (بود و از حالاتش مشخص بود که بین ایشان و ائمه (اتصالی برقرار شده است.»^۱

آیت الله کعبی گفته است: «آیت الله خوشوقت به ویژه در دو دهه اخیر برای تربیت نفوس مستعد، طلاب و فضلا درس اخلاق با معنویت و جذابی داشتند و نیز حوزه تخصصی فعالی در فقه، اصول و حکمت به نام مدرسه صاحب الامر به وجود آورده بودند که جزء مدارس ممتاز در فقه و اصول است.»^۲

ابعاد تواناییهای علمی، فکری

آیت الله خوشوقت از چهره‌های نورانی معاصر است که به لحاظ علمی و عملی، جزء قله‌های فرزاندگی و فضیلت در جامعه اسلامی و شیعی به

۱. سایت جامعه علمیه امیرالمؤمنین %
۲. نشری ۹۵ دی، اظهارات آیت الله کعبی، ۱۳۹۱/۱۲/۵، ص ۹.

گسترده درباره
بزرگان اهل عرفان،
حکمت، علم و فقا هت
است و من کسی را
سراغ ندارم که تا
این اندازه در
عرصه های یادشده
اینقدر اطلاعات داشته
باشد.

گاهی که در
محضرشان بر فراز
منبر، ذکری از
بزرگان کردیم و یا
برشهایی تاریخی نقل
کردیم، وقتی خدمتشان
رسیدیم، دیدیم آن
بزرگوار، مطالب
جدیدتری دارد .
همچنین نسبت به
اف رادی که سوابق
منفی داشته و در
تشکیلات طاغوت بوده و
غالباً به خارج
گریخته اند و نیز
سابقه آنانی که نسبت
به انقلاب اسلامی یار
وفاداری نبوده و
رفیق نیمه راه
بوده اند، نکات مهمی
را یادآور شد . این
صحت برداشت، ناشی از
این امر است که
مرحوم خوشوقت، اذن
خیر بوده اند و از هر
گروهی افرادی را به
حضور پذیرفته و به
سخنان آنان به وقت
گوش می داده اند.
مرحوم خوشوقت ضمن

شمار می آید؛ چرا که
در بعد معارف نقلی،
حکمت نظری و عملی و
مبانی دانشهای
عرفانی، اخلاقی و
عرفان کاربردی،
برجستگی دارد. ایشان
با آنکه اهل سکوت
بوده و به انس عمومی
چندان تمایلی نداشته
است؛ اما خوشه چین
خرمن تمامی آنهایی
بوده است که مردم،
آن را به صفای
باطن می شناختند و
خواص از نورانیت
ایشان سخن گفته اند.
به گفته حجت الاسلام
والمسلمین صدیقی
عده ای از فضایی نامدار
حوزه قم که شخصیت‌های
بابرکت، مفید و
تأثیرگذار در روند
فعالیت‌های آموزشی و
تربیتی مراکز علوم
دینی، دیدگاه ها،
تجارب، توانایی‌های
آیت الله خوشوقت را مورد
توجه قرار می دادند تا
آنجا که حتی در ابعاد
مختلف فکری و فرهنگی
و جزئیات دیگر با
ایشان به عنوان
کارشناسی امین، خبره
و آگاه مشورت
می کردند.

به گفته وی از
شگفتی‌های این فقیه
عارف، آگاهی‌های

علاقه‌مندان تشریح و تجزیه و تحلیل می‌کرد و در واقع به فلسفه می‌پرداخت تا به هدفی دیگر برسد؛ یکی تقویت فکر، روشن ساخت ذهن و افزایش دقت‌های انسان و در واقع به اعتقاد ایشان حکمت نظری، قدرت فهم و درک را از حقایق هستی و پیرامون ارتقا می‌دهد. دوم، پرداختن به مبانی عقلی و فکر ی، بشر را از سطوح پایین زندگی که به خورد و خوراک و خواب و شهوت منحصر می‌شود، متوجه حقایق رشددهنده و سازنده می‌کند و وی را در مسیر ترقی عقلانی و روحانی قرار می‌دهد. این ویژگی، آدمی را به خداشناسی نزدیک می‌کند و او را برای تقوا، تزکیه و پارسایی مسلح و مجتهد می‌سازد.^۲

آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی متذکر شده است: «آقای خوشوقت با اخلاص نیت، وارد این مسیر شده اند و احیای

اینکه با اصول و مبانی اعتقادی، فقهی و اجتماعی آشناست، در شناخت افراد، پیچ و خمهای فرقه ای، سیاسی و حزبی نیز تبحر فوق العاده ای دارد؛ چه بسا این تواناییها محصول الهامهای الهی باشد و در واقع چون دل و ذهن را به نور تقوا و ایمان، منور کرده، دریافتهای ایشان نیز با فراستهای ناشی از این روشنایی باطن، ارتباط دارد.

آیت الله خوشوقت در گوشه و کنار، تربیت و هدایت برخی دانشجویان را که در دروس جدید اشکال داشتند و با ایشان ملاقات می‌کردند بر عهده گرفته بود و با توجه به متون حوزوی، معارفی را بر ایشان تدریس می‌کرد.^۱

آیت الله خوشوقت دروس حکمت و فلسفه را به صورت محض و در قالب مضامین و مفاهیم متداول و مبانی صرف نظری تدریس نمی‌کرد؛ اما نتایج این دانش عقلی را برای

۲. در مکنون، علامه طباطبایی، برگرفته ای از بیانات آیت الله خوشوقت، ص ۶۰ و ۶۱.

۱. سایت جامعه علمیه امیر المؤمنین%.

اسلام می کنند و اگر کسانی قابل و لایق باشند از وجودشان استفاده می کنند. حدود سی سال قبل که من در کرمانشاه بودم، آن عزیز ارجمند به مدرسه حاج آقا آخوند می آمدند، با حاج آخوند رفیق بودند و در آن مدرسه، درسی داشتند و افراد خوبی می آمدند خدمتشان استفاده می کردند، یکی از آنان آیت الله حسن ممدوحی بود.»^۳

آیت الله ممدوحی می گوید: «با مرحوم آیت الله شیخ عباس تهرانی و آیت الله خوشوقت در مسائل اخلاقی و تربیتی محشور بوده ایم که به راستی کلماتی که از جان نورانی آن بزرگواران برمی خاست موجب انقلاب روحی، دلگرمی به تحصیل و تخلق به اخلاق الهی بود.»^۴ و افزوده اند: «در ایام طولانی که خدمتشان بودیم، هر چه می گذشت، تقوای بیش تر، علم بیش تر،

درایت افزون تر و معنویتی ویژه در ایشان حس می کردیم. برکتی از برکات کره زمین بود. مشکلاتی که توسط ایشان حل می گردید بسیار بود.»^۳

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اظهار داشته است: «تقریباً سی سال با این فقیه پرهیزکار، مراوده داشتیم. ایشان با تواضع علمی، تقاضاهای گوناگون را رد نمی کرد؛ در حالی که پرورش یافته مکتب آیات محترم بروجردی، امام خمینی (و علامه طباطبایی) بودند و فقیهی با این عظمت علمی، نباید این گونه جلسات را قبول می کرد.»^۴

از جنبه های ارزشمند در سیره علمی و معرفتی آیت الله خوشوقت، برداشتهای تفسیری ایشان از آیات قرآن است به

۳. دو ماهنامه خط، ش ۳، ص ۲۵.

۴. گزارش مراسم بزرگداشت آیت الله خوشوقت در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، افق حوزه، ۱۳۹۲/۱/۲۱، ش ۳۶۲.

۱. بیانات آیت الله خسروشاهی، دز مکنون، ص ۱۸۱.

۲. خبرگان ملت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، ۱۳۹۰، دفتر سوم، ص ۴۷۹.

همچنین برداشتهای ایشان از ادعیه، صحیفه سجّادیه، مناجات شعبانیه و حدیث معراج ضمن اینکه ژرفکاویهایی بدیعی در بر دارد، نورانی، جذاب و دلنشین است. آیت الله خوشوقت همگام با جلسات وعظ و خطابه، به شرح و تفسیر موضوعی صحیفه سجّادیه پرداخته است که صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بخشهایی از آن را ضبط کرده است. این بحثها شامل فرازهایی از دعای مکارم الاخلاق و دیگر ادعیه است. ترجمه و توضیحات درباره صحیفه سجّادیه با اشراف آیت الله خوشوقت بارها از سوی آیت الله صفایی بوشهری، چاپ شده است. آیت الله خوشوقت در ایّامی که در قم مشغول تحصیل بود در درس میرزا جواد ملکی تبریزی شرکت می کرد. سپس علاقه مند شد کتاب اسرار الصلوة این عارف را به طبع برساند. وی کتاب را

گفته استاد صدیقی «بعد از عنایتی غیبی که به این چهره حوزوی گردیده است، میزان درک و فهمش از قرآن ژرف تر و کاربردی تر گشته است. فهم بدیع وی از قرآن واقعاً برای فراگیران، سازندگی دارد. از هر آیه ای درسی برای زندگی و قابل لمس برای همه و بسیار ساده مطرح می کند؛ زیرا عقیده دارد قرآن در متن زندگی بشر کارساز بوده و ناظر بر تمامی روابط، معاشرتها و خلق و خوی آدمیان است، در واقع می کوشد با تکیه بر قرآن، تعبد و ارتباط با خداوند و ایمان محوری را در متن زندگی افراد پیاده کند.»^۱ مباحث تفسیری و نیز ترجمه قرآن به دست ایشان تدوین شده و قرار است استاد صفایی بوشهری به طبع و نشر آن اقدام کند. ایشان اثر دیگری به نام تفسیر سوره حمد هم دارد.^۲

۱۳۹، ص ۱۱۵؛ در مکنون، علامه طباطبایی، ص ۴۸، ۱۷۵ و ۱۷۶.

۱. سایت جامعه علمیه امیرالمؤمنین %
۲. مجله آینه پژوهش، ش

پیش از چاپ به محضر امام خمینی! برد تا تقریظی بر آن بنویسد. امام به وی فرمود: مرحوم ملکی تبریزی، کتاب دیگری به نام المراقبات دارد که من و آیت الله سید احمد زنجانی تصحیح کرده ایم و محدث ارموی، آن را به تهران برده تا به چاپ آن اقدام کند. سپس مرحوم خوشوقت کتاب را از وی تحویل گرفت و بازنگریها و اصلاحاتی در آن انجام داد و در چاپخانه حیدری تهران به زیور طبع آراست.

آیت الله خوشوقت، رمز موفقیت خود را در پیمودن مسیرهای علمی و عرفانی، فضای معنوی حوزه علمیه قم، معرفی کرده است: «رمز موفقیت من آن چیزهایی بود که از قم آورده بودم. این موضوع باعث شد که در تمامی سنگرهای فرهنگی، فردی، اجتماعی و سیاسی، مجهز باشم. ذخیره قم زیاد است، باید کشف

کرد، رشد معنوی و خیر دنیوی و اخروی در قم هست، اگر کسی درست پیدا کند تا آخر عمر بیمه است؛ مثل امام خمینی! که هیچ عاملی نتوانست او را از راه حق برگرداند. اگر ایشان در قم نبود، قادر نبود اینگونه تحول و انقلابی به وجود آورد؛ او بر سر سفره قم نشسته بود. اگر به عمق سفره قم دست نیافته بود، نمیتوانست کاری بکند. علاوه بر علوم ظاهری چیزهای دیگری هم در حوزه این شهر هست؛ ولی در لایه های زیرین آن، آنهایی که از لایه های رویین (ظاهری، سطحی و رسمی) استفاده میکنند چیزی بیش از علوم ظاهری به دست نمی آورند.»^۲

۱. گفتگوی استاد علی اکبر رشاد با آیت الله خوشوقت، ۲۸ دی ۱۳۸۹؛ در مکنون، علامه طباطبایی، ص ۱۷۸ تا ۱۷۹.

۲. خوشه های حکمت (فرازهایی از رهنمودهای آیت الله خوشوقت) در: در مکنون، علامه طباطبایی، ص ۴۷، ۸۳ و ۸۷.



محمدجواد محمدیاران
 در مراسم مذهبی،
 باعث شلوغی جلسه و
 افت کیفیت مراسم
 سخنرانی شده است .
 اینجانب در جاهای
 مختلفی که سخنرانی
 انجام می‌دهم با این
 مشکل مواجه هستم .
 این کار باعث به هم
 خوردن تمرکز سخنران
 و شنونده می‌شود .
 جداسازی این
 نوباوگان از والدین
 به ویژه مادر، کار
 سختی است؛ اما با
 ابتکاراتی، این کار
 سخت، به یک امر ممکن
 با نتایج شیرین،
 تبدیل می‌شود؛ مثلاً در
 مراسم سخنرانی برای
 همسران کارکنان تیپ

پس از پیروزی تمام
 مقدس جمهوری اسلامی
 ایران و افزایش غنای
 مراسم مذهبی، الحمد
 لله این مراسم با
 استقبال خوبی مواجه
 شده و بسیاری از
 مردم مؤمن و مسلمان
 ایران در این مراسم
 شرکت می‌کنند . همچنین
 با توجه به افزایش
 اطلاعات آنان از دین
 و جامعه، فرهنگ غلط
 تنبیه بدنی کودکان،
 از حالت تقریباً
 همه گیر در زمان
 طاغوت در مدارس و
 خانواده‌ها خارج شده
 و روابط بر اساس
 منطق و احساسات است .
 حضور پدر و به ویژه
 مادران به همراه

- ۳۳ هوابرد
الم هدي (عج) طرحي
اجرا شد که به نتایج
بسیار خوبی انجامید .
پیش از اجرای مراسم ،
ابتدا جایی با فضا و
درب جدا از مکان
اصلي سخنرانی امّا
نزدیک آن در نظر
گرفته شد . سپس به
خانواده ها اعلام شد
بدون هیچ دغدغه اي ،
فرزندان خردسال خویش
را براي مراسم
بیاورند . خود این
اعلام ، یکی از عوامل
بازدارنده براي شرکت
مادران جوان را از
میان برداشت و تأثیر
چشمگیری در افزایش
شرکت مادران در
مراسم داشت و سه
راهکار براي نگهداري
کودکان، اجرا شد .
سه راهکار
- الف (مقداري
اسباب بازي فكري از
قبيل آجرهاي
پلاستيكي، پازل، پیچ
و مهره هاي پلاستيكي
برا ي پسران، و
عروسك، لوازم خانگي
پلاستيكي مثل سماور،
استکان و ... براي
دختران تهیه شد تا
- کودکان بتوانند با
آنها بازي کنند .
ب) تلویزیون و
دستگاه پخش تهیه شد
و برنامه هاي مورد
علاقه کودکان به
نمایش در آمد .
ج) از دو خانم
مربی مهد کودک دعوت
شد تا با هنر خاص
خود ، کودکان را
مشغول نگهدارند .
همچنین خوراکیهاي
متنوعي تهیه شد و در
اختیار کودکان قرار
گرفت . پس از اجرای
طرح، مشاهده شد اکثر
قریب به اتفاق
کودکان به یکی از سه
راه حل فوق گرایش
پیدا کردند و در
فضاي در نظر گرفته
شده ماندگار شدند .
فواید طرح
۱. حضور کودکان در
این مراسم، عذابي
دوطرفه است هم خود
کودک در عذاب است؛
چون براي نشستن و
ساکت ماندن ساخته
نشده است هم مادر
کودک در عذاب است
چون هم مي خواهد به
سخنرانی نهایت توجه
را بنماید و هم



- مواظب کودک خود باشد. با این طرح، حضور کودک، مفید و مادر نیز دغدغه اش برطرف می‌شود.
۲. طرح کمک می‌کند کودکان به حضور در مراسم مذهبی علاقه مند شوند. یکی از همکاران نقل می‌کرد فرزند خردسال من می‌گفت من به مهد کودک نمی‌روم و مهد کودک پادگان را دوست دارم.
۳. برخی از پدر و مادران مخصوصاً پدر و مادران جوان و کم‌تجربه در خریداری اسباب بازی دقت نمی‌کنند و اسباب بازیهای کم‌اثر و بعضاً مضر برای کودک خود تهیه می‌کنند. این اسباب بازیها کودکان را خشن و عصبی بار می‌آورد؛ مثل تفنگ، شمشیر، بازیهای خشن رایانه ای و ... مشاهده بازی آرام و طولانی کودکان با اسباب بازیهای فکری، ساختمان‌سازی و ... آنها را متوجه
- اشتباهات خود می‌کند. البته تذکر دربارهٔ ضررهای اسباب بازیهای خشونت آمیز و فایده‌های اسباب بازیهای فکرافرین، تأثیرات بسیار خوبی دارد؛ مخصوصاً اگر این تذکر از زبان روحانی محل با استفاده از آیات و روایات باشد.
۴. پیشنهاد می‌شود اسباب بازیهایی که برای کودکان در مراسم، خریداری می‌شود، متنوع نباشد و سعی شود یک شکل باشند؛ زیرا در صورت وجود یک نوع اسباب بازی در بین سایر اسباب بازیها ممکن است کودکی، آن را در اختیار بگیرد و سایر کودکان، همان اسباب بازی را طلب کنند و کشمکش آنها باعث ایجاد تنش و درگیری شود؛ چون تجربه نش‌ان داده است در اسباب بازیهای بدون تنوع، روحیه همکاری در ساختن بین کودکان افزایش می‌یابد.

۵. بازی برای کودک مانند شنای ماهی داخل آب است و در شبانه روز چند ساعت از عمر خود را به بازی اختصاص می دهد. بر خلاف تصور ما، بازی کودک همراه با تفکری عمیق است و در حقیقت، کودک با بازی خود زندگی می کند. اگر اسباب بازیهای خشن و هیجان آفرین برای کودک تهیه شود شخصیت این کودک از خردسالی با خشونت شکل می گیرد و در آینده، به شخصی پرخاشگر و خشن، تبدیل خواهد شد؛ اما اگر اسباب بازیهای تفکرآفرین تهیه شود و کودک، فکر کردن و ساختن را از کودکی تمرین کند در آینده به انسانی موفق تبدیل خواهد شد؛ برای مثال فرزند نگارنده، هنگامی که ۵ ساله بود و ساختمان محل سکونت ما آپارتمان بود در حال ساختمان سازی با آجرهای پلاستیکی، آپارتمان می ساخت؛

ولی هنگامی که به شهر دیگری منتقل شدیم که ساختمان محل سکونت ما ویلایی بود، او ساختمان را ویلایی ساخت؛ به این دلیل، این نکته تربیتی که کودک با بازی خود در حقیقت زندگی می کند برایم ملموس شد.

۶. برخی از پدر و مادران قسمت بزرگی از هزینه خود را به خریداری اسباب بازیهای گران قیمت اختصاص می دهند و به طور افراطی و فراوان چنین اسباب بازیهایی را تهیه می کنند؛ به گونه ای که کودک یا در انتخاب نوع اسباب بازی مورد استفاده به تردید می افتد یا با استفاده کوتاه مدت، این اسباب بازی را تخریب می کند و کنار می گذارد. خریداری اسباب بازی ساده و تفکر برانگیز که ساعتها وی را مشغول کند ب ازدهی به مراتب بالاتری دارد.

نگارنده، کودکی را



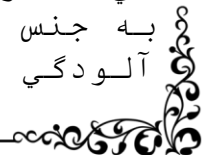
۸. برخی از کودکان به علت وابستگی زیاد به پدر و مادر، از جدا شدن آن دو و حضور در جمع کودکان دیگر خودداری می‌کنند. مسئولان اجرای برنامه های مذهبی، این نوع کودکان را وادار به جدایی از پدر و مادر نکنند؛ زیرا تأثیرات مخربی بر جا می‌گذرد. اگر با سلاح محبت و دادن خوراکی، موفق به این جداسازی نشوند، بهتر است وی را به حال خود رها کنند؛ زیرا مرور زمان، مسئله را حل می‌کند. البته به پدر و مادران چنین کودکانی، روحانی محل تذکر بدهد که این وابستگی، نشانه خوبی برای آینده کودک نیست و از آنان برای این جداسازی کمک خواسته شود.
۹. روحانی محل در سخنرانیهای بعد از نماز و در جمع مادران تأکید کند مادران اسباب بازیهای تفکر آفرین را در سراغ دارد که والدین او با پول بسیار اندکی، پیچ و مهره‌های پلاستیکی برای او تهیه کرده بودند. این پیچ و مهره‌های پلاستیکی تا نزدیک ۶ سال، اصلی‌ترین اسباب بازی آن کودک و چند کودک همسایه هم سن وی بود و هم‌اکنون آن کودک که در سنین نوجوانی قرار دارد در تحصیل و رفتار، یک فرد نمونه بین فرزندان اعضای فامیل به شمار می‌رود.
۷. مربیان با کودکان، بازی می‌کنند و به مادران جوان نیز بازی با کودک دل‌بند خود را آموزش می‌دهند و نشان می‌دهند که کودکان به ویژه کودکان تک‌فرزند بیشتر به هم‌بازی نیاز دارند؛ نه اسباب بازی؛ زیرا مادران جوان شکایت می‌کنند که فرزند ما در خانه، انواع اسباب بازیها را در اختیار دارد؛ ولی باز هم نق می‌زند.

اختیار کودک دل‌بند خود در خانه بگذارند و اجازه دهند کودکان همسایه نیز برای بازی به منزل آنان بیایند. این کار با توجه به تک فرزندی بودن برخی خانواده‌ها و فاصله سنی دو فرزند با یکدیگر در بعضی دیگر از خانواده‌ها که عملاً دو فرزند نمی‌توانند هم‌بازی باشند و نیز زندگی‌های آپارتمانی، از انزوای کودک در بزرگسالی تا حدود زیادی جلوگیری می‌کند؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اصلی مردم مسلمان ایران، زندگی جمعی و صله رحم است. ۱۰. بازی‌های رایانه‌ای که اکثریت مطلق آنها وارداتی و مغایر با فرهنگ دینی و ملی ایرانیان است، به وفور در خانه‌های مردم مسلمان ایران یافت می‌شود و ساعتها کودکان، مشغول بازی با آن می‌شوند. مادران از این خوشحال می‌شوند که فرزندشان داخل اتاقش

و با آرامش، مشغول بازی است و مادران می‌توانند به کارهای خانه برسند؛ اما توجه ندارند که روان‌شناسان درباره مخرب‌بودن این بازی‌ها هشدار می‌دهند. تهیه چنین اسباب‌بازی‌هایی و بازی همراه با کودکان همسایه و فامیل را ضرر جبران‌ناپذیر انزوا و خشونت کودک در آینده جلوگیری می‌کند. ۱۱. روحانی محل جایگاه سنت و بازی‌های سنتی و خانواده‌های سنتی را برای والدین جوان فعلی تشریح کند و تذکر دهد بر خلاف تصور والدین جوان، اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت، پیچیده و پر سر و صدای فعلی بیش‌تر کودک دل‌بند آنان را گیج و هراسان می‌کند. اسباب‌بازی‌های ساده و قابل ساخت و ساز بیش‌تر به کودک، آرامش و تفکر را هدیه می‌کند؛ زیرا بسیاری از

در نظر آنان کوچک جلوه می‌دهد.
۱۳. مربی مهد کودک و مادران باید کم کم کودکانی را که به سن رشد و تشخیص می‌رسند از نظر ذهنی آماده کنند که وارد جمع بزرگان شوند و از مراسم آنان استفاده کنند. باید بیاموزند که مثل بزرگان، سکوت کامل داشته باشند تذکر این نکته، آنها را برای ورود به جمع آماده می‌کند و این ذهنیت بر رفتارشان تأثیر می‌گذارد و خود کنترلی را یاد می‌گیرند.
۱۴. یکی از موانع فرزندآوری مجدد در مادران جوان، تصور سختی و زیاد بودن مخارج زندگی و فرزندان است. این طرح، این ذهنیت را از بین می‌برد که اگر مادری، چندین فرزند داشته باشد؛ به راحتی و با کمترین هزینه می‌توان فرزندان را به انسانهایی موفق تبدیل کرد.

اسباب بازیهای گران قیمت، وارداتی‌اند و مغایر با فرهنگ اسلامی کشور ما ساخته شده‌اند.
۱۲. یکی از فواید طرح جداسازی، تفکیک بازیهای دختران و پسران از یکدیگر است. دختران به علت لطافت ذاتی دخترانه بیش تر به بازیهای نرم و دخترانه، و بازی با عروسک گرایش دارند و پسران به بازی با این اسباب بازی گرایش ندارند؛ بلکه پیچ و مهره‌های پلاستیکی را ترجیح می‌دهند و مشاهده می‌شود که پسران با هم و دختران هم با یکدیگر در گروه‌های جداگانه به بازی مشغول می‌شوند. این مسئله به کمک مربی هدایت شود؛ زیرا هم بازی شدن دختر و پسر با بزرگتر شدن آن دو و رسیدن به سن بلوغ، جدایی آن را دشوار می‌کند و زشتی گرایش به جنس مخالف و آلودگی به گناه را





جواد اسماعیلی



مقدمه:

آقای علی رازین ی از روحانیون طرح هجرت بلند مدت در استان لرستان، شهرستان درود، روستای چغاینار است که به عنوان روحانی کاروان با جمعی از زائران عازم کشور سوریه شد و به محض ورود به این کشور از سوی عده ای اتوبوس آنها متوقف شد و ۴۵ زائر مورد بازرسی بدنی قرار گرفتند و در نهایت یازده نفر از مردانی که همراه کاروان بودند، توسط آن عده جدا شوند و سپس به منطقه نامعلومی برده شده،

در آنجا نگهداری شدند. در اینجا به جزییات بیش تر این گروگانگیری از زبان خود حجت الاسلام و المسلمین رازینی می پردازیم:

○ زمان حرکت شما از ایران و جزییات حرکت و رسیدن به سوریه را برای ما توضیح دهید!

■ ما از استان در تاریخ ۹۰/۱۱/۹ حرکت کردیم که بعد از گذشتن از کشور ترکیه، در تاریخ ۹۰/۱۱/۱۱ دستگیر شدیم. تقریباً اوایل ربیع الاول بود. حدود ۲ ساعتی از ورود ما به سوریه بیش تر

با خود همسو کنند. ما بعد از سه روز به گروه دوم تحویل داده شدیم و پس از مدتی متأسفانه به گروه «النصر» تحویل شدیم که از وهابیون متعصب بودند. طلبه های وهابی که احادیث شیعه را بحث می کردند و الفاظ نامناسبی در رابطه با شیعه و شیعیان به کار می بردند. رفتار گروه اول با ما بد نبود. بی احترامی بود؛ ولی ضرب و شتم و خشونت در کار نبود. اینها با نظام جمهوری اسلامی ما نیر مشکلی نداشتند و به ما می گفتند: شما میهمان ما هستید. گروه دوم رفتاری نامناسب و تند داشتند و به ما به چشم تروری ست نگاه می کردند. البته پس از مقداری صحبت با ما کمی نرم شدند؛ ولی گروه سوم رفتاری به دور از انسانیت و کاملاً همراه با عناد با ما داشتند. از جمله ما را به کوهستان برده، بعضی

نمی گذشت که این قضیه اتفاق افتاد.

○ چه مدت در اسارت بودیت و اتفاقات زمان اسارت چه بود؟

■ ما یازده نفر حدود صد و پانزده روز (نزدیک چهار ماه) در اسارت بودیم. نیروهایی که ما را دستگیر کردند، یک گروه نبودند و می توان آنها را به ۳ دسته تقسیم کرد:

۱. گروهی که از بشار اسد ناراضی بودند و علیه دولت قیام کرده بودند؛
۲. گروهی که به اجبار وارد این مخالفت با دولت شده بودند؛ یعنی سربازهای حکومت بشار اسد بودند که مخالفین خانواده های آنها را به ترکیه تبعید کرده، این سربازان را مجبور کرده بودند با آنها همکاری کنند؛
۳. گروهی معاند که با برنامه ریزی به سوریه وارد شده بودند و با تبلیغات قصد داشتند مردم را

در هشتم فروردین سال ۹۱ بود که صحبت‌هایی شد و قرار گذاشتند که ۵ نفر اول را بفرستند و سپس بقیه را آزاد کنند؛ اما بعد از اینکه آن ۵ نفر آزاد شدند، ۲ ماه طول کشید؛ ولی خبری نشد. پس از آزادی آن ۵ نفر ما را به شهر عدله بردند و در همان منطقه کوهستانی نگهداشتند. دوباره ۲ نفر از ما را آزاد کردند و سپس ۵ روز بعد ما را به ترکیه - که واسطه شده بود - بردند. سپس از طریق ترکیه به ایران فرستاده شدیم.

○ وضعیت شیعه در کشورهای مثل سوریه چگونه است؟

■ متأسفانه تبلیغ شیعه در آنجا بسیار ضعیف است. ما در کشور رادیو‌هایی مثل رادیو معارف و رادیو قرآن داریم؛ ولی در سوریه امواج این شبکه‌های رادیویی ما به سختی دریافت می‌شود.

و این در حالی است

از پیرمردهای همراه ما را از صخره‌ها پایین انداختند که موجب شکستگی اعضای بدن این عزی زان شد و واقعاً خیلی بر خورد سختی می‌کردند.

○ چند روز شما را در کوهستان نگهداشتند و به چه مکان‌هایی بردند؟

■ تقریباً ۲۰ روز ما را در کوهستان بین «لاذقیه» و «ادلب» نزدیک مرز ترکیه نگهداشتند و حتی اجازه طهارت هم نمی‌دادند؛ الا سه وعده و تقریباً هر هفت روزی یکبار برای طهارت و پاکی بدن یک آفتابه آب می‌دادند و در غیر این، حتی اجازه شستن دست هم به ما نمی‌دادند.

○ نحوه آزادی شما به چه صورت بود؟

■ در چند مرحله اقدام صورت گرفت. بار اول؛ یعنی بعد از ۲ ماه قول دادند که ما را به ایران بفرستند؛ اما آن قولی که ظرف آن ۳ روز دادند، سه ماه طول کشید.



می گفتند : همین کار باعث شده که ما فکر کنیم شما مسلمان نیستید.

○ وضعیت رسیدگی به شما در این سه ماه از لحاظ خوراک و خواب و ... چگونه بود؟

■ ما ۲۰ روز در کوه، در زیر زمینی بودیم که گویا جای نگهداری کبوتر بود زیرا اندازی برای ما انداخته بودند و بسیار کثیف بود. سپس ما را به خانه ای بردند و بعد هم به عدله رفتیم. دو ماه اول حداقل ۲ وعده در شبانه روز غذا می آوردند که بد نبود؛ اما وقتی ما را به دست سلفیها و گروه النصر سپردند یک وعده غذا هم به زور به ما می دادند و بسیار سخت می گرفتند.

○ در پایان اگر صحبتی دارید، بفرمایید!

■ وظیفه شیعه، بالاخص مبلغان هجرت و حوزه های علمیه با توجه به دید غیر شیعه نسبت به ما

که شبکه های عربی ضد شیعه از رادیو و تلویزیون برای هجمه به شیعه استفاده می کنند. وقتی ما با گروهانگیرها صحبت می کردیم، خیلی نرم و قانع می شدند و معلوم می شد که این اختلافها با صحبت و تبلیغ صحیح حل می شود؛ ولی متأسفانه تبلیغ ما ضعیف است. در عین حال، گروه اول به ما احترام بیش تری می گذاشتند و حتی برخی از آنها که شافعی بودند، در صحبتهایشان به مقام معظم رهبری > (امام خامنه ای) می گفتند و با اشاره به سخنرانی مقام معظم رهبری > در کردستان که فرموده بودند: سبّ ائمة اهل سنّت حرام است، سبّ ائمة شیعه حرام است. نظر ایشان را قبول کرده بودند و تعجب می کردند که عده ای از شیعیان بدون توجه به این صحبتها و سخنرانیهای معظم له در جلسات خود به خلفا لعن و سبّ می کنند. آنها

نفر از آنان پای بحث
می آمدند و این
مأموریت ما بود که
امیدواریم حق سربازی
امام عصر (عج) را ادا
کرده باشیم.

شیعیان، بسیار سنگین
است. همیشه به
دوستان گفته ام که ما
باید خیلی زیرک
باشیم و با ظرافت
دین را تبلیغ کنیم.
اول باید رأفت و
مهربانی نبوی را به
آنها نشان دهیم و
سپس به آنها اثبات
کنیم که ما از
دشمنان نیستیم؛ بلکه
ما نیز مسلمانیم.
طرحهای هجرت در
مناطق سیستان و
بلوچستان، خصوصاً در
هفته وحدت خیلی مؤثر
واقع شده و بیان نقاط
اشتراک (قبله، قرآن،
پیغمبر و دین واحد)
خیلی مهم تر از نقاط
افتراق ماست که باید
کم کم آنها را با بحث
وصایت آشنا کنیم.
این واقعه در
حقیقت یک مأموریت
تبلیغی شد و ما در
این مدت با آنها
بحثهای خوبی داشتیم
و برخی از آنان خیلی
تأثیر گرفتند،
به طوری که موقع
خدا حافظی دست درگرددن
ما انداختند و با
احترام ما را بدرقه
کردند و تقریباً ۵۰





گفتگوبا اسماعیل سویوک

از فعالان شیعی کشور اتریش

داود بهلولی

می‌دانند .
اسماعیل سویوک شعر
می‌سراید و در
مناسبت‌های مختلف به
مدح اهل بیت ()
می‌پردازد . او با
خانواده خود در شهری
کوچک بین سالزبورگ و
وین زندگی می‌کند . و
تنها خانواده شیعه
این شهر هستند .
سویوک می‌گوید آ ن
شاعران خوبی در میان
شیعیان داریم که هم
شعر می‌سرایند و هم
مداحی می‌کنند . خودش
هم شعر می‌گوید و هم
مداحی می‌کند . البته
سعی می‌کند کم‌کم کار
را به جوانان واگذار
کند؛ به ویژه، پسرش
که صدای خوبی دارد و

اسماعیل سویوک
متولد ۱۹۶۴ میلادی
روستای کوچ قیران شهر
ایغدیر، از مهاجران
ترک‌تباری است که
سالها پیش در دوران
کودکی همراه خانواده
به اتریش مهاجرت
کرده و هم‌اکنون تبعه
این کشور است . ۲۴ سال
زندگی در اروپا نه
تنها تأثیر منفی در
اعتقادات عمیق شیعی
وی نگذاشته است؛
بلکه او را به یکی
از عاشقان دلباخته
مکتب اهل‌بیت (تبدیل
کرده است .
سویوک حضور مبلغان
دینی ایرانی را در
عمق‌بخشی به اعتقادات
شیعیان قابل توجه

فرهنگ شیعی را نیز با خود به همراه برده‌اند. در ترکیه به ایغدیر، قم ترکیه می‌گویند. اکثر شیعیان و یا می‌توانم بگویم غالب شیعیان ترکیه، اهل ایغدیر هستند. این شیعیان به شهرهای استانبول، آنکارا، ازمیر، بورسا و شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و جمعیت‌های قابل توجهی تشکیل داده‌اند. کلاً شهر ایغدیر شیعه پرور است.

بنده نیز به همراه دیگر شیعیان در برنامه‌هایی که در مسجد امام علی % شهر وین پایتخت اتریش برگزار می‌شد، شرکت می‌کردیم. پس از مدتی با افزایش فعالیت شیعیان، مسجد اهل بیت را در سال ۱۹۹۲ در شهر سال زبورگ اتریش تأسیس کردیم که تاکنون نیز فعال است. فعالیت‌های شیعیان روز به روز گسترده‌تر شده است و با افزایش تعداد شیعیان و آگاهی آنان نسبت به هویت خود به

مداحی هم می‌کند. وی چهار بار به ایران سفر کرده و این بار میهمان جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بود. با او در قم به گفتگو نشستیم و از فعالیت‌های ایشان و دیگر شیعیان در اتریش و اروپا سؤال کردیم.

*** ابتدا خود را معرفی کنید و بفرمایید چگونه وارد فعالیت‌های دینی شدید؟**

بنده سالها پیش، همراه خانواده بر اساس قراردادی که میان اتریش و ترکیه برای جذب نیروی کار بسته شده بود، به اتریش مهاجرت کردم. خانواده ما اهل شهر ایغدیر در شرق ترکیه هستند. پدرم در اتریش بازنشسته شد و من نیز همراه خانواده ام تبعه اتریش شدیم و در همان کشور ماندگار شدیم. مردم ایغدیر شیعه هستند و هر کجا که مهاجرت کرده‌اند،

لطف انقلاب اسلامی
کم کم خود را در
جامعه اروپا مطرح
می کنند.

* برنامه های دینی شیعیان در اتریش و اروپا به چه نحو برگزار می شود؟

در گذشته مراسم
عزاداری تنها در
مساجد برگزار می شد؛
اما سالهاست که علاوه
بر مساجد در سالن
اجتماعات نیز مراسم
به مناسبت های مختلف
برگزار می شود. حُسن
این کار، آن است که
با فرهنگ اروپا
سازگارتر و جمعیت
زیادی می توانند در
مراسم شرکت کنند و
از نظر تبلیغی نیز
تأثیرگذاری بیش تری
دارد. تقریباً ۸ سال
است برگزاری مراسم
عاشورا در اروپا به
صورت جهانی برگزار
می شود. در طول این
دهه، شیعیان اروپا
در مساجد خود
عزاداری می کنند؛ اما
در روز عاشورا جمعیت
انبوهی از شیعیان به
صورت هیأت های مختلف
در حدود ۸ الی ۱۰
هزار نفر از نقاط

مختلف اروپا در کشور
آلمان حضور پیدا
می کنند و مراسم
جهانی، عاشورا را
برگزار می کنند. این
مراسم معمولاً روز
شنبه یا یکشنبه بعد
از روز عاشورا
برگزار می شود. به
دلیل اینکه این
روزها در اروپا
تعطیل است. این
مراسم بسیار باشکوه
است و م ا خوشحالیم
که صدای قیام امام
حسین % و کربلای آن
حضرت در اروپا
طنین انداز می شود.
البته در دیگر
مناسبت های مهم مذهبی
نیز همین برنامه
برگزار می شود. در
برنامه هایی که در
سالن برگزار می شود،
ابتدا قرآن کریم
قرائت می شود. سپس يك
سخنرانی مذهبی است.
بعد سینه زنی یا جشن
برگزار می شود. بعد
از کمی استراحت،
مجدداً یکی از
سخنرانان به سخنرانی
می پردازد. این
روحانیان معمولاً از
ایران و عراق هستند.
* غیر از مساجد،

در چه فضاهایی فعالیت دارید؟

می‌دانید که در دوران معاصر که عصر ارتباطات و اطلاع‌رسانی است، باید از همه ابزار های ارتباطی استفاده کرد. به همین علت ۵ سال پیش يك سایت اینترنتی راه اندازی کردم. در این سایت، يك اتاق چت داریم که هر هفته تقریباً ۱۰ روحانی در آن سخنرانی می‌کنند و درس می‌دهند. هر روز دو جلسه درس در این فضا هست. روزهای سه‌شنبه، دعای توسل به صورت زنده قرائت می‌شود. پنج‌شنبه‌ها نیز دعای کمیل و شنبه‌ها نیز زیارت عاشورا به همین سبک قرائت می‌شود. در این سایت، هر هفته شنبه‌ها مسابقه ای درباره معارف اهل‌بیت) و قرآن کریم برگزار می‌شود و جوایزی نیز به برگزیدگان از طریق پست اهدا می‌شود. ابتدا این سایت را شخصاً راه‌اندازی کردم؛ اما

کم‌کم دوستان دیگری نیز به بنده پیوستند و در مدیریت سایت همکاری کردند. روزانه حدود ۴۰ الی ۵۰ نفر در این سایت حضور پیدا می‌کنند و از مطالب و سخنرانیها استفاده می‌کنند.

هر روز تقریباً چهل تا پنجاه نفر از این سایت بازدید می‌کنند. حضور این تعداد، به صورت تصادفی و مانند سایت‌های دیگر نیست؛ بلکه این افراد، آگاهانه و با اطلاع قبلی، مانند حضور در يك جلسه درس وارد سایت می‌شوند و مانند يك خانواده دور هم جمع شده، از طریق صوت، درباره مسائل مذهبی صحبت می‌کنند و از برنامه های سایت بهره می‌برند. اگر خانواده هر مراجعه‌کننده ۵ نفر باشد، روزانه ۲۰۰ نفر از طریق این سایت با مسائل مذهبی در ارتباط قرار می‌گیرند. این برنامه روزانه ۶ ساعت به طول می‌انجامد. در

هم‌مرز و ا ز نظر
تاریخی تحت عنوان
امپراطوری عثمانی،
تعاملات زیادی با
اروپا داشته است .
همین‌طور باید به این
نکته اشاره کنم که
بحمد الله گرایش به
تشیع در اروپا زیاد
شده است و به ویژه
از جانب اهل سنت،
گرایش زیادی به سمت
تشیع دیده می‌شود .
تعداد شیعیان
اتریشی نیز قابل
توجه است . معمولاً
شیعیان در کشور،
مسجد مستقلی دارند؛
ولی در نماز جمعه که
به صورت یکپارچه در
هر شهر برگزار
می‌شود، با هم ارتباط
دارند . شیعیان
اتریشی هم، مسجد
مستقلی در وین
دارند . آقای آرتمان
که اهل اتریش و
درس‌خوانده شهر قم
است، امور شیعیان
اتریش را به عهد ه
دارد . برنامه های
دینی شیعیان اتریش
به زبان آلمانی است
و به همین زبان نیز
مرثیه می خوانند و
عزاداری می کنند .

این ۵ ساله تاکنون
در هیچ روزی، این
برنامه ها تعطیل نشده
است .
*** در حال حاضر چه
تعداد شیعه در اتریش
و اروپا زن
می‌کنند؟**
در کل اروپا حدود
یک میلیون شیعه
زندگی می کنند که
نیمی از این تعداد
را شیعیان ترک تبار
تشکیل می دهند . در
اتریش هم حدود ۵۰ تا
۱۰۰ هزار شیعه از
ایران، ترکیه،
افغانستان و پاکستان
در اتریش زندگی
می‌کنند . باید به این
نکته اشاره کنم که
در اروپا شیعه و
مسلمان را با
ترک‌تباران می‌شناسند؛
یعنی وقتی گفته
می‌شود شیعه، ترکیه
به ذهن می آید .
ترک‌تباران در
برنامه های دینی حضور
فعال تری دارند . این
مسئله هم به بیش تر
بودن جمعیت آنان
برمی‌گردد و هم به
اینکه ترکیه،
مهم‌ترین کشور مسلمان
است که با اروپا

تأسیس شده که از این تعداد، ۱۳۰ انجمن در آلمان، فعال است.

* ارتباط شما با

شیعیان دیگر نقاط

اروپا و به ویژه

ترکیه چگونه است؟

هر سال یا هر دو

سال به شهر ایغدیر

برای صله رحم و

دیدار نزدیکان

می رویم. همین‌طور با

شیعیان در استانبول

نیز علاوه بر اینترنت

به صورت حضوری نیز

ارتباط داریم و از

تجارب دوستان

استفاده کرده، وضعیت

شیعیان و امکان

همکاریهای بیش‌تر را

بررسی می‌کنیم.

می‌دانید که هم‌اکنون

در ترکیه بیش‌ترین

فعالیت‌های شیعی در

استانبول است.

البته از وضعیت

شیعیان در دیگر

کشورها نیز بی‌خبر

نیستیم؛ چرا که

مراجعین به سایت از

کشورهای مختلف

مانند: آمریکا،

کانادا، سوئیس،

اتریش، هلند، آلمان،

ترکیه و ایران

هستند.

شیعیان ترک تبار نیز

با توجه به اینکه

اکثر اهل شرق ترکیه

و شهر ایغدیرند، به

زبان ترکی آذری

عزاداری می‌کنند.

در اروپا ۵۰ مسجد

شیعی وجود دارد. از

این تعداد، ۱۰ مسجد

در اتریش است. در هر

یک از شهرهای

سالزبورگ، لینز و

گرانس یک مسجد و

مابقی در وین است؛

اما نماز جمعه هر

هفته در مسجد امام

علی % که مسجد

ایرانیان است برگزار

می‌شود. البته حضور

ترک‌تباران در این

مسجد، بسیار پررنگ

است. شیعیان در

شهرهای سالزبورگ و م

مسجد دارند؛ اما

اغلب شیعیان اروپا

در آلمان زندگی

می‌کنند. البته در

کشور آلمان،

سخت‌گیریهایی نسبت به

مسلمانان می‌شود و

باید فعالیت‌هایشان

بر اساس انجمن‌های

کاملاً قانونی انجام

شود. به همین علت در

اروپا حدود ۱۸۷

انجمن و تشکل شیعی



* دولتهای اروپایی مانعی برای

فعالیت‌های شیعیان ایجاد نمی‌کنند؟ و در کل با مشکل خاصی مواجه نیستید؟

دولت اتریش
سالهاست که اسلام را
به عنوان یکی از
ادیان به رسمیت
شناخته است. به همین
دلیل ساخت مسجد و
دعوت روحانی برای
تبلیغ، کارچندان
دشواری نیست. به طور
کلی شیعیان در اتریش
با مشکل خاصی از نظر
سیاسی مواجه نیستند
و اگر مشکلی هم
باشد، برای همه
مسلمانان است، نه
شیعیان؛ حتی بسیاری
از بانوان محجبه
ترکیه که اجازه
تحصیل در ترکیه را
ندارند، به ات‌ریش
می‌آیند و تحصیلات
دانشگاهی خود را در
این کشور ادامه
می‌دهند.

مشکل اصلی ما در
اتریش، پراکندگی
شیعیان در شهرهای
مختلف است؛ گرچه
بخشی از این مشکل از
طریق اینترنت حل
می‌شود. مسئله دیگر

اینکه مهد و مدرسه
ویژه خود نداریم و
به ناچار فرزندان خود
را به مهدها و مدارس
غیرمسلمانان
می‌فرستیم. این کار
در حال حاضر و در
آینده به زیان ماست؛
چرا که پدر و مادر
تا حدی می‌توانند
وظیفه دینی خود را
به جای آورند و
نهادهای تربیتی نقش
غیرقابل انکاری در
تربیت دینی کودکان
دارند. متأسفانه
هم‌اکنون شاهد این
هستیم که تعداد
زیادی از فرزندان
شیعیان به مرور یا
هویت خود را از دست
داده‌اند، یا به دین
بی‌علاقه شده و یا حتی
سني شده‌اند. این در
حالی است که اهل سنت
به دلیل دسترسی به
منابع مالی، مشکلات
اینچنینی ندارند.
ما اگر سرمان را
هم ببرند، شیعه و
عاشق امام زمان (عج)
هستیم؛ چرا که از
کودکی، این عشق را
آموخته ایم؛ اما
جوانان امروزی
این‌گونه نیستند.
دولت هم امکانات

تحصیل فرزندان خود را هم بپردازند؛ اما فرزندانشان در چنین مدارسی تربیت شوند . تشیع همه چیز ماست . شخص بنده بسیار به تشیع حساسم . دل من تحمل حتی بی رغبتی یک جوان به تشیع را ندارد . مکتب ما ، مکتب اهل بیت (است . دل امام زمان (عج) از ما راضی نخواهد بود . اگر می بینیم جوانی منحرف می شود و به آن اهمیت ندیم ، دستش را بگیریم و مواظبش نباشیم . این ظلم به امام زمان (عج) است؛ اما آنچه از دست برمی آید در همین حد است . باید مدرسه راه اندازی کنیم و فرزندانمان را به دوره های آموزشی چند هفته ای که در تابستانها رایج است، بفرستیم تا هم فرزندان شیعه نقاط مختلف یکدیگر را ببینند و با هم در تعامل باشند و هم با آموزه های دینی آشنا شوند، حتی خانواده ها نیز باید در این اردوها شرکت کنند و

مستقل نمی دهد و می گویند همین مدارس، رایگان هست و دولت، پولی از این بابت از شما دریافت نمی کند . شما با دیگر اتباع این کشور برابری و امکانات برای همه به صورت برابر فراهم شده است . البته در مسجد امام علی % در وین، کلاسهای آموزشی مختلفی برگزار می شود که طبیعتاً در چهارچوب نظام آموزشی اتریش نیست و برای معرفت افزایی افراد بزرگسال برگزار می شود .

* چاره کار را در

چه می بینید؟

رفع مشکل ما از عهده یک نفر برنمی آید و باید با راه اندازی مدارس شیعی و اردوهای دانش آموزی در ایام تعطیل، معارف دینی را در فرزندانمان نهادینه کنیم . مردم، چنین امکاناتی ندارند . نهادها و مراکز شیعی توانمند باید کمک کنند تا مدارس خاص شیعیان تأسیس شود . شیعیان حتی حاضرند هزینه

با هم در ارتباط
باشند.

* نگاه مردم اتریش یعنی مسیحیان به مسلمانان چگونه است؟

می‌دانید که شخص
هیتلر متولد اتریش
بود . نازیسم در
اتریش هم هست؛ ا مّا
همه این‌گونه نیستند .
افراد خوش بین هم
هستند . بسیاری از
افراد هم بی تفاوت
هستند و برایشان
اهمیتی ندارد . البته
عموماً نگاه منفی از
جانب افراد سالخورده
است و نسل جدید به
مسئله حضور مسلمانان
کنار آمده اند . بعضی
افراد سالخورده ،
متعرض زنان محجّبه
می‌شوند و می‌گویند
شما مسلمانها به
کشور خود بروید؛ امّا
در این حد است و
بیشتر از این نیست و
به برخورد فیزیکی
نمی‌رسد .



سفر

در آینه احکام

۲

سید جعفر ربّانی

نمایند، تاّ یقین کند
که قبله کدام طرف
است.^۱
(ب) راه‌های تشخیص
قبله : ۱. یقین به
قبله به هر وسیله که
حاصل شود؛ ۲. شهادت
دو مرد عادل؛ ۳. سخن
کسی که از روی قاعده
علمی و جغرافیایی
قبله را می‌شناسد و
مورد اطمینان است
گرچه کافر یا فاسق
باشد؛ ۴. قبله نما،
در صورتی که موجب
یقین یا اطمینان
گردد؛ ۵. محراب مسجد
مسلمانان یا قبرهای
آنان در صورتی که

در شماره گذشته
برخی مسائل و احکام
مربوطه به «سفر»
ارائه شد؛ از جمله :
«اقسام سفر»، «وظایف
شرعی مسافر»، «آداب
سفر»، «سفر و طهارت»
و... . حال در ادامه
این موضوع سایر
احکام و مسائل مربوط
به «سفر» تقدیم
می‌گردد.

مسئله پنجم، سفر و قبله
پیدا کردن قبله در
سفر یکی از مطالب
مورد نیاز مسافری
است. از این رو، چند
نکته را در این مورد
تذکر می‌دهیم:

الف) هر کسی که
می‌خواهد نماز
بخواند، باید برای

۱. تهذیب الاحکام، شیخ
طوسی، دارالکتب الاسلامیه،
تهران، ۱۴۰۷ ق، ص ۴۳۳.

روز، هنگام ظهر به وقت مکه در هر جای کره زمین که خورشید را می بینند، شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.^۲

(د) چنانچه میزبان جهت قبله را مشخص نماید و مهمان به گفته او اطمینان دارد، می تواند به همان سمت نماز بخواند.

(ه) اگر در جایی قرار گرفته ایم که به هیچ وجه قبله را نمی توانیم تشخیص دهیم باید به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنیم و اگر ممکن نیست، احتیاط کنیم و به چهار طرف نماز بخوانیم.

مسأله ششم، سفر و نماز در رابطه سفر و نماز باید به چند نکته توجه نمود:

(الف) انسان مسافر باید نمازهای چهار رکعتی خود را دو رکعت بخواند. البته

موجب یقین یا اطمینان گردد و اگر موجب گمان گردد نیز معتبر است، به شرط آنکه راهی جز آن ندارد.^۱

(ج) لانه حشرات یا خورشید و امثال اینها وسیله پیدا کردن قبله به شمار نمی رود؛ ولی برخی از محققین برای پیدا کردن قبله از راه خورشید نشانه ای را بیان کرده اند و آن این است که در دو روز از سال یعنی ۶ خرداد و ۲۴ تیر، هنگام ظهر مکه مکرمه، خورشید در سمت الراس مکه قرار دارد و کاملاً عمود بر کعبه می تابد و در سایر مناطق جهان که بتوانند خورشید را ببینند، می توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد. یعنی اگر هنگام ظهر شرعی به وقت مکه در این دو روز، رو به خورشید بایستیم به سمت قبله قرار می گیریم و دقیق تر اینکه اگر در آن دو

۲. آموزش فقه، فلاح زاده، انتشارات المهدي (عج)، قم، ص ۱۰۰.

۱. همان.

اذان آن را نشنود.^۱
 (ب) مستحب است
 مسافر بعد از هر
 نمازی که شکسته
 می‌خواند، سی مرتبه
 بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و این در
 تعقیب نماز ظهر و
 عصر و عشا بیشتر
 سفارش شده است؛ بلکه
 بهتر است در تعقیب
 این سه نماز شصت
 مرتبه بگوید.^۲
 (ج) به فتوای بیشتر
 مراجع تقلید، انسان
 مسافر در چهار مکان
 مخیر و آزاد است بین
 قصر (دو رکعتی
 خواندن) و تمام. آن
 مکان‌ها عبارت‌اند از:
 مسجد الحرام، مسجد
 النبی -، حرم امام
 حسین % و مسجد کوفه.^۳
 (د) مسافر و کسی که
 برای او سخت است

این حکم دارای هشت
 شرط می‌باشد: اوّل
 آنکه سفر او کمتر از
 هشت فرسخ شرعی نباشد
 (هر فرسخ ۵/۵
 کیلومتر است). دوم
 آنکه از اوّل مسافرت
 قصد هشت فرسخ را
 داشته باشد. سوم
 آنکه در بین راه از
 قصد خود برنگردد.
 چهارم آنکه نخواهد
 پیش از رسیدن به هشت
 فرسخ، از وطن خود
 بگذرد و یا ده روز
 یا بیشتر در جایی
 بماند. پنجم آنکه
 برای کار حرام سفر
 نکند. ششم آنکه از
 صحرائینهایی نباشد
 که در بیابانها گردش
 می‌کنند و هر جا آب و
 خوراک برای خود و
 حیوانات همراهشان
 پیدا کنند می‌مانند و
 بعد از چندی به جای
 دیگر می‌روند. هفتم
 آنکه شغل او مسافرت
 نباشد. هشتم آنکه به
 حدّ ترخّص برسد؛ یعنی
 از وطنش یا جایی که
 قصد کرده ده روز در
 آنجا بماند، به قدری
 دور شود که دیوار
 شهر را نبیند و صدای

۱. توضیح المسائل محشی،
 سید روح الله موسوی (امام
 خمینی)، دفتر انتشارات
 اسلامی وابسته به جامعه
 مدرسین حوزه علمیه قم، قم،
 ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۲.
 ۲. همان، ص ۷۳۳.
 ۳. العروة الوثقی، آیت اله
 یزدی (سید محمد کاظم بن
 عبد العظیم طباطبائی م
 ۱۳۳۷ ق)، مؤسسه الاعلمی
 للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ ق،
 ج ۲، ص ۱۶۳.

نمی‌کند، داخل این دو وسیله نماز واجب را به هر حالت که می‌تواند باید بخواند.^۳ و اما نماز در هواپیما حکم آن فرق می‌کند؛ زیرا بعضی از هواپیماها اتاق کوچکی به عنوان نمازخانه دارند. در این صورت چنانچه قبله قابل تشخیص بوده و بدن دارای آرامش باشد، عده ای از فقها نماز در هواپیما را اجازه می‌دهند. در این مورد باید به رساله فقها مراجعه شود؛ اما نماز مستحبی خواندن آن در قطار و اتوبوس و هواپیما اشکال ندارد و مراعات قبله و آرامش بدن در آن حال شرط نیست. (ز) اگر نماز ظهر یا عشاء در سفر قضاء شود، وقتی می‌خواهد قضای آن را بجا آورد، باید دو رکعت بخواند؛ گرچه در وطن باشد. و بالعکس اگر نمازی که در وطن قضا

نافله شب را بعد از نصف شب بخواند می‌تواند آن را در اول شب بجا آورد.^۱ (ه) خواندن نمازهای مستحبی در سفر اشکال ندارد، به استثنای نافله ظهر و عصر برای مسافری که وظیفه او قصر (دو رکعت خواندن) است.^۲ (و) خواندن نماز واجب در حال حرکت قطار و اتوبوس جایز نیست؛ بلکه مسافر باید صبر کند تا قطار و اتوبوس توقف کند و مسافر نماز واجب را با آرامش بدن و رو به قبله بخواند. و اگر نماز قضا می‌شود بر مسافران واجب است که از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است؛ ولی اگر قطار یا اتوبوس توقف

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲. العروة الوثقی المحشی، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق،

ج ۲، ص ۲۴۵.

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۴۱.

ش ده، چهار رکعتی بوده، باید قضای آن را چهار رکعت بجا آورد؛ گرچه در سفر بخواهد آن را بجا آورد. زیرا فقها فرموده اند: «حُكْمُ الْقَضَاءِ حُكْمُ الْأَدَاءِ»^۱

(ح) چنانچه مسافر در سفر نماز خود را طبق وظیفه دو رکعت خواند و وقتی به وطن برگشت ملاحظه کرد که هنوز وقت هست لا زم نیست، نماز را دو مرتبه بخواند.

(ط) اگر وقت نماز چهار رکعتی داخل شد و انسان هنوز در وطن است، لازم نیست همانجا نماز بخواند؛ بلکه می تواند حرکت کند و در سفر نماز را به دو رکعت بخواند.

(ی) بعد از حمد، نمازگزار باید سوره بخواند؛ ولی چنانچه ضرورتی پیش آید، مثل اینکه مسافر می ترسد از قطار جا بماند یا

از درنده و امثال آن می ترسد، می تواند به خواندن حمد اکتفا کند و سوره نخواند. (ک) نماز قبل از وقت باطل است. پس اگر مثلاً قطار یا اتوبوس یا هواپیما قبل از وقت نماز حرکت می کند، مسافر نمی تواند قبل از وقت نماز بخواند. **مسأله هفتم، سفر و روزه** در مورد سفر نکاتی وجود دارد:

(الف) روزه در سفر حرام است (به همان شرایطی که در مورد نماز قصر گفته شد) ولی چند مورد از این قانون استثنا شده:
۱. سه روز حاجت برای کسی که در مدینه، منوره است. این حکم، مختص مدینه است و شامل شهره ای دیگر حتی شهر مکه نمی گردد^۲ و احتیاط این است که این سه روز چهارشنبه و جمعه باشد؛^۲
چنانچه نذر کند که

۱. تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة، علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، م ۷۲۶ ق) ج ۱، ص ۳۹، بی تا.

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۵۳.

روز معیّنی را در سفر روزه بگیرد، باید آن را در سفر بجا آورد و نیز اگر نذر کند روز معیّنی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد، باید آن روز را اگرچه مسافر باشد، روزه بگیرد.^۱ البته به شرط اینکه در وطن صیغه نذر را بر زبان جاری کند، مثل اینکه بگوید: برای خدا است بر من که در این سفر دو روز روزه بگیرم . ولی اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمیتواند آن را در سفر بجا آورد؛^۳ روزه داری که بعد از ظهر از وطن حرکت کند، روزه آن روزش صحیح است و باید روزه آن روز را به پایان برساند.^۲ (ب) اگر مسافر قبل از ظهر به وطن برسد و در سفر آنچه که روزه را باطل می کند، انجام نداده باشد، باید هنگامی که به

وطن رسید، نیت روزه کند و روزه اش صحیح است.^۴ (ب) مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن، کاملاً خود را سیر کند.^۵
مسأله هشتم، خمس و زکات و سفر

در مورد خمس و زکات و سفر نکاتی وجود دارد:
(الف) هزینه ای که خرج سفرهای واجب و مستحب می گردد، جزء هزینه های زندگی محسوب شده و خمس بر آنها تعلق نمی گیرد و نیز سفرهای مباح و حلال چنانچه به مقدار متعارف باشد، خمس بر آنها تعلق نمی گیرد.^۶ (ب) یکی از موارد صرف خمس و زکات، اشخاص در راه مانده هستند . فقها به پیروی از قرآن و روایات، به این گونه

۳. همان، ص ۹۵۴.
۴. همان، ص ۹۵۵.
۵. صراط النجاة، آیت الله تبریزی (جواد بن علی)، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۵.

۱. همان، ص ۹۵۲.
۲. همان، ص ۹۵۳.

افراد «ابن السبیل» می‌گویند.

توضیح مطلب این

است که اگر شخصی

اقدام به سفر مباح

(غیر حرام) نموده و

در بین راه به سببی

خرجی ندارد شارع

مقدس برای این افراد

ردیف بودجه ای مشخص

فرموده تا بتوانند

به دیار خود باز

گردند.

ولی این افراد به

دو دسته تقسیم

می‌شوند: ۱. مسافری

که سید است (از طرف

پد (ر) و در راه

مانده. به این افراد

از سهم سادات (بخشی

از خمس) پرداخت

می‌شود؛ به مقداری که

بتواند به وطن خود

برگردد؛^۱ ۲. مسافری

که سید نیست و در

راه مانده و توانایی

بر قرض کردن هم

ندارد، به این افراد

از زکات پرداخت

می‌شود، به مقداری که

بتواند به وطن خود

برگردد.^۲

مسأله نهم، سفر و حفظ

جان

حفظ جان خود و

دیگران، موضوع مسائل

بسیاری قرار گرفته

است و در کتب فقهی

نیز دارای اهمیت

بوده و مقدم بر

احکام زیادی می‌باشد.

قرآن مجید نیز در

این زمینه سفارش

فرموده: «وَلَا تُلْقُوا

بِأَيْدِيكُمْ إِلَى

التَّهْلُكَةِ»؛^۳ این مسأله

شامل سفر و وطن است؛

ولکن از آنجا که سفر

در ارتباط مستقیم با

حفظ نفس می‌باشد،

نکاتی را پیرامون آن

متعرض می‌گردیم:

الف) نجات مصدومین

و سانحه دیدگان، از

«واجبات کفائی» است؛^۴

و تنها بر قشر خاصی

۲. منهاج الصالحین، آیت الله

خویی (سید ابو القاسم

الموسوی، م ۱۴۱۳ ق)، مدینه

العلم، قم، ۱۴۱۰ ق، ج ۱،

ص ۳۱۳.

۳. بقره / ۱۹۵: «خود را به

هلاکت نیندازید.»

۴. واجب کفائی به واجباتی

گفته می‌شود که بر همه واجب

است؛ ولی چنانچه کسانی که

از عهده آن کار برمی‌آیند،

اقدام نمایند از بقیه ساقط

می‌باشد.

۱. تحریر الوسیله، امام

خمینی (سید روح الله الموسوی،

۱۴۰۹ ق)، مؤسسه دار العلم،

قم، ج ۱، ص ۳۶۵.

لمس بدن نامحرم گردد
این امور اشکال
ندارد؛ چرا که از
نظر شرع، نجات جان
انسان از اولویت
بیشتری برخوردار
می‌باشد؛ البته فقط
باید به قدر ضرورت
اکتفا نمود.

(د) اگر انسان در
سفر به خاطر گرسنگی
یا تشنگی بر جان خود
یا همراهان، خائف
باشد، یعنی بترسد که
از گرسنگی یا تشنگی
هلاک گردد و چیز
دیگری به غیر از
چیزهای حرام در بین
نباشد، می‌تواند به
مقداری که از هلاکت
نجات یابد، از
محرمات استفاده
نماید. مثلاً گوشت
خرگوش حرام است؛
ولکن اگر خوف هلاکت
است و چیزی غیر از
آن وجود ندارد، به
قدر ضرورت می‌توان از
آن استفاده نمود. و
همچنین نسبت به بقیه
چیزهای حرام تکرار
این مطلب را لازم
می‌دانیم که این جواز
منحصر است به قدری
که از هلاکت نجات

مانند جمعیت هلال
احمر یا دیگران واجب
نیست؛ بلکه بر هر
کسی که توانایی نجات
جان مسلمان (بلکه
انسان) را دارد، لازم
می‌باشد.^۱

(ب) رعایت هر یک از
قوانین رانندگی که
دخیل در حفظ جان خود
یا دیگران می‌باشد،
واجب و ترک آن حرام
خواهد بود؛ زیرا
همان‌گونه که حفظ جان
خود و دیگران واجب
می‌باشد، مقدمه آن
نیز واجب است. و نیز
همان‌گونه که به هلاکت
انداختن جان خود و
دیگران حرام است،
مقدمه آن نیز حرام
است. علاوه بر اینکه
بنا بر دیدگاه برخی
از فقها رعایت مطلق
قوانین و از جمله
قوانین راهنمایی و
رانندگی لازم می‌باشد.

(ج) چنانچه انسان
در مقام نجات
دیگران، ناچار به
نگاه به نامحرم یا

۱. موسوعة الامام الخوئي،
آیت الله خوئی (السید
ابوالقاسم الموسوی، م ۱۴۱۳
ق)، مؤسسه الامام الخوئی،
نجف اشرف، ج ۸، ص ۲۸۱.

یابند، نه بیشتر؛
زیرا فقها
فرموده اند
: «الضَّرُورَاتُ تَقْدَرُ
بِقَدْرِهَا.»^۱

۱. قاعدة «الضرورات تقدر بقدرها» از کبریات مسلم فقهی است که فقها در موارد بسیاری به آن تمسک جسته اند.



یک کتاب در یک مقاله

انسان

۲۵ ساله



سید جواد حسینی



الله و موضع گیریهای حضرت% تحلیل بسیار زیبایی ارائه نمود و آنچنان بر قلبم نقش بست که بعد از دو سال، روزی در مدرسه میانچال بودم که یکی از اعضای هیئت امنای مسجد «بالا بازار» کاشان، مرحوم حاج رسول زاده، نزد بنده آمد و گفت: سخنران مراسم جشن ولادت امام رضا% مشکل برایش پیش آمده و نتوانسته سر ساعت بیاید، الآن جمعیت منتظر است شما بیایید برای آنها صحبت کنید. بنده که بچه طلبه بودم، قبول کردم و خلاصه سخنرانی مقام معظم رهبری > که از سال ۱۳۵۷ در ذهنم بود، ارائه نمودم که

نگارنده در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه گشته، در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی مدنی کاشان (مدرسه علمیه میانچال) مشغول به تحصیل شدم. ولادت امام رضا% بود که دوستان گفتند: حجة الاسلام و المسلمین سید علی خامنه ای > در ورزشگاه تختی کاشان سخنرانی دارد. ذوق و شوق اول طلبگی و اوج روزهای انقلاب (اوایل سال ۵۷) ما را بر آن داشت که با علاقه وافر در آن جلسه شرکت کنیم و به سخنان سخنران شش دانگ توجه نماییم. این خطیب توانا درباره ولایتعهدی امام رضا%

بیانات مقام معظم رهبری > درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین) بود و آن را بسیار پُر بار یافتم و تصمیم گرفتم این کتاب را خدمت واعظان و مبلغان عزیز معرفی نمایم . امیدوارم با تھی ه و مطالعه دقیق این کتاب برای همیشه در مناسبتهای مذهبی و (ولادتها و شهادتهای معصومین) سخنرانیهای مفید و پرباری ارائه نمایم .
خلاصه مقدمه ناشر

انتشارات مرکز صهبا در سال ۱۳۹۰ ش کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» را چاپ کرد که تا مرداد ۱۳۹۱ ش سیزده بار چاپ شده است . ناشر در مقدمه می‌گوید: «بیانات مهم و مبسوط مقام معظم رهبری > در دوّمین کنگره امام رضا % مرداد ۱۳۶۵ ش درباره عنصر جهاد و مبارزه سیاسی در زندگی ائمه) و طرح عنوان کلیدی «انسان ۲۵۰ ساله» که تصویرگر حرکت یکپارچه و پیوسته ائمه به سوی مقصدی واحد است، ما را بر آن داشت تا با

جلسه به خوبی مورد استقبال قرار گرفت و به شدت مورد تشویق قرار گرفتیم . این خاطره در ذهنم ماند تا آرام آرام با مجله مبلغ ان (در سال ۱۳۸۳ ش) آشنای شدم ، و همان سخنرانی را در قالب دو مقاله تحت عنوان «موضع گیریهای سیاسی امام هشتم %» در شماره های ۶۱ و ۷۳ ارائه کردم . و آن روز خیلی تلاش کردم سخنرانی مکتوب سال ۱۳۵۷ مقام معظم رهبری > را به دست بیاورم ؛ ولی موفق نشدم و همیشه در ذهنم بود که ای کاش مجموعه سخنرانیها و نوشته های مقام معظم رهبری > گردآوری می‌شد و در اختیار عموم جامعه ، خصوصاً واعظان و مبلغان قرار می‌گرفت؛ چرا که این نوع سخنرانیها بسیار راه‌گشا است و کلید رمزهای مهمی دارد که می‌تواند در تحلیل زندگانی ائمه (به خوبی ما را کمک کن د . تا اینکه در سال ۱۳۹۱ ش به کتابی برخوردیم تحت عنوان «انسان ۲۵۰ ساله» که

يك از معصومين) بسيار
بیش از این مقداری
است که در قالب کتاب
«انسان ۲۵۰ ساله» به
چاپ رسیده است. از
این رو، این کتاب
می‌تواند دیباچه ای
مفید برای ورود به
معارف ناب زندگی
ائمه معصومین (در
بیانات مقام معظم
رهبري > باشد. »^۱
فلسفه نام کتاب
در مقدمه کتاب از
زبان خود معظم له
می‌خوانیم: «غربت
ائمه) به دوران زندگی
این بزرگواران منتهی
نشد؛ بلکه در طول
قرنها، عدم توجه به
ابعاد مهم و شاید
اصلي از زندگی این
بزرگواران، غربت
تاریخی آنها را
استمرار بخشید.
زندگی ائمه) را ما
باید به عنوان درس و
اسوه فرا بگیریم، نه
فقط به عنوان
خاطره‌های شکوهمند و
ارزنده. و این، بدون
توجه به روش و منش
سیاسی این بزرگواران
ممکن نیست. بنده

جمع آوری بیانات
ایشان درباره زندگی
ائمه معصومین) که حول
این محور متعالی
ایراد شده اند، کاری
ارائه دهیم. جمع آوری
بیانات معظم له کتاب
پیش روست.
عنوان کتاب عیناً
برگرفته از کلام منور
مقام معظم رهبري >
است و بیانگر نوع
نگاه ایشان به زندگی
سیاسی - مبارزاتی
ائمه) است. به طور
کلی مطالب این کتاب
برگرفته از
سخنرانیها و متون
دست‌نویس مقام معظم
رهبري > است، لذا متن
کتاب در بخشهایی که
به طور مسقیم از
قلم معظم له استفاده
شده، نسبت به سایر
بخشها که بیانات
شفاهی ایشان است،
مستلزم تأمل بیش‌تری
از سوی خواننده
محترم است... همچنین
ذکر این نکته قابل
توجه است که حجم
مطالب بیان شده توسط
معظم له درباره ابعاد
مختلف زندگی ائمه) (
به ویژه درباره زندگی
پیامبر اکرم، امیر
المؤمنین و امام
حسین)، همچنین در
زمینه سیره فردی هر

۱. انسان ۲۵۰ ساله، بیانات
مقام معظم رهبري > درباره
زندگی سیاسی - مبارزاتی
ائمه معصومین) مرکز صهبا،
تهران، سیزدهم، ۱۳۹۱ ش،
ص ۱۱ - ۹.

شخصاً علاقه ای به این بُعد و جانب از زندگی (ائمه) پیدا کردم و بد نیست این را عرض کنم که اول بار این فکر برای بنده در سال ۱۳۵۰ ش و در دوران محنت بار یک امتحان و ابتلای دشوار پیدا شد، اگر چه قبل از آن به ائمه) به صورت مبارزان بزرگی که در راه اعلاي کلمة توحيد و استقرار حکومت الهي فداکاري ميکردند، توجه داشتم؛ امّا نکته ای که در آن برهه ناگهان براي من روشن شد، این بود که زندگی این بزرگواران - علي رغم تفاوت ظاهري که بعضي، حتّي میان برخی از بخشهاي این زندگی احساس تناقض کردند - در مجموع يك حرکت مستمرّ و طولاني است که از سال دهم - یازدهم هجرت شروع مي شود و ۲۵۰ سال ادامه پیدا ميکند و به سال دويست و شصت - که سال شروع غيبت صغري است - در زندگی ائمه) خاتمه پیدا ميکند. این بزرگواران يك و اچندند، يك شخصيت اند [كُلُّهُمْ نٌ وَرٌّ وَاحِدٌ] شك

نمي شود کرد که هدف و جهت آنها يکي است، پس ما به جاي اينکه بياييم زندگی امام حسن مجتبي% را جدا و زندگی امام حسين% را جدا و زندگی امام سجّاد% را جدا تحليل کنیم - تا احياناً در دام این اشتباه خطرناک بيفتيم که سيرة این سه امام به خاطر اختلاف ظاهري با هم متعارض و مخالفاند - بايد يك انساني را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده و در سال یازدهم هجرت قدم در يك راهي گذاشته و تا سال دويست و شصت هجري این راه را طی کرده [است].

تمام حرکات این انسان بزرگ و معصوم با این دید قابل فهم و قابل توجیه خواهد بود. هر انسان که از عقل و حکمت برخوردار باشد - و لونه از عصمت - در يك حرکت بلندمدت تاکتيکها و اختياراتهاي موضعي خواهد داشت. گاهي ممکن است لازم بداند تند حرکت کند و گاهي کند. گاهي حتّي ممکن است به عقب نشيني حکيمانه دست بزند؛

۱. مبارزه سیاسی
حادثاً، عنصر گم شده در
زندگی ائمه) می باشد؛
۲. زندگی ائمه ()
علی رغم تفاوت‌های
ظاهری، در حقیقت
زندگی مستمر یک
انسان ۲۵۰ ساله است؛
۳. معنای مبارزه
حادثاً سیاسی این است
که مبارزات ائمه) فقط
مبارزه علمی - کلامی
و مسلحانه نبوده
است؛ بلکه مبارزه
مستمر با یک هدف
سیاسی بوده است؛
۴. مبارزه سیاسی
ائمه) در راستای
تشکیل حکومت اسلامی و
به تعبیر ما «حکومت
علوی» بوده است؛
۵. نمی‌توان گفت
همه امامان) در زمان
خودشان حکومت اسلامی
تشکیل دهند،
آینده های میان مدت و
بلند مدت و در مواردی
هم نزدیک مدت وجود
داشت؛
۶. چهارچوب زندگی
سیاسی ائمه) امروز هم
مبهم، ناگفته و
ناشناخته است؛
۷. یکی از مهم ترین
اهداف ائمه) تبیین
اسلام به شکل درست و
صحیح بوده و تفسیر

اما همان عقب نشینی
هم از نظر کسانی که
عل م و حکمت و
هدف داری او را
می دانند، یک حرکت به
جلو محسوب می شود. با
این دید زندگی امیر
المؤمنین% با زندگی
امام حسن مجتبی% با
زندگی ابی عبد الله% با
زندگی هشت امام دیگر
- تا سال دویست و
شصت - یک حرکت
مستمر است. این را
بنده در آن سال
متوجه شدم و با این
دید وارد زندگی آنها
شدم. یک بار دیگر
نگاه کردم و هر چه
پیش رفتم، این فکر
تأیید شد.
توجه به اینکه
زندگی مستمر این
عزیزان معصوم و
بزرگوار - از اهل
بیت رسول خدا - با
یک جهت گیری سیاسی
همراه است، قابل این
است که به عنوان یک
فصل جداگانه، مورد
عنایت قرار بگیرد، و
بنده به این مطلب
خواهم پرداخت.»
آنگاه ایشان مقدمه
را در ضمن ۱۵ نکته
توضیح می دهد که
عبارت‌اند از:

- و حقیقی قرآن افشاگری تحریفها و تحریف کننده ها بوده است؛
۸. در رژیمهای طاغوتی با ظواهر اسلامی مخالفت نمی شد؛ اما با روح اسلام مخالفت می شد. چرا؟
۹. نمونه ای از تحریفهای عالمان قلم به مز د در خدمت سلاطین جور؛^۱
۱۰. اقدام علیه تحریفها و تبیین اسلام به شکل درست، ماهیت سیاسی دارد؛^۲
۱۱. کار مهم دیگر امامان، تبیین مسئله امامت به صورت صحیح و به دور از تحریف بوده است؛^۳
۱۲. بیان خصوصیات امام و حاکم اسلامی توسط ائمه (و معرفی خود به عنوان امام یکی از مهم ترین کارهای سیاسی ائمه (بوده است؛
۱۳. ائمه) از دوران امام حسن مجتبی %، يك کار سیاسی - تشکیلاتی وسیعی را آغاز کردند؛
۱۴. علت اصلی نزاع
- خلفا با ائمه)، داعیه حکومت اسلامی آنها بوده است، لذا آنها را مسموم کردند. اگر بحث قدرت سیاسی نبود، داعیه قدرت سیاسی نبود، هیچ گونه تعرضی نسبت به آنها انجام نمی گرفت. کتاب در هفده فصل و چینش عناوین فصلها به ترتیب تاریخی زندگی ائمه) از دوران پیامبر اعظم- تا دوره امام عسکری % می باشد:
- فصل اول: پیامبر اعظم-**
- بعثت خاتم، آغاز بیداری و نیروسازی برای حکومت نبوی؛
 - بعثت، آغاز جهاد همه جانبه پیامبر- با دنیای ظلمانی؛
 - دوره سیزده ساله دعوت مکه، تشکیل دهنده پایه های امت اسلامی.
 - شالوده ریزی نظام اسلامی^۷
 - دین از سیاست جدا نیست، هدف تمام انبیا) تشکیل حکومت اسلامی بوده است؛
 - هفت شاخص برجسته نظام حکومتی پیامبر - (ایمان، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی،

۱. همان، ص ۲۰.

۲. همان، صص ۲۱ - ۲۰.

۳. همان، صص ۲۱ - ۲۲.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۲۳.

۶. همان، ص ۲۸.

۷. همان، ص ۳۰.

*** دشمن کوچک؛ قبایل**
نیمه وحشی اطراف
مدینه.

*** دشمن دوم؛ اشراف**
حاکم بر مکه که جنگ
بدر و احد برای
مقابله با آنها
انجام گرفت:

- صلح حدیبیّه،
دروازه فتح مبین.^۴

*** دشمن سوم؛**
یهودیان مدینه
: برخورد قاطع پیامبر -
با سه قبیله از
یهودیان مدینه به
سبب خیانت و توطئه
آنها.

*** دشمن چهارم؛**
منافقین : برخورد
قاطع با کارهای
سازمان یافته
منافقین، از جمله در
ماجرای مسجد ضرار.^۵

*** دشمن پنجم؛**
خطرناک ترین دشمن،
تمایلات نفسانی،
خودخواهی و...؛ زیرا
[الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ]
همواره منافقین
نیستند؛ بل که گاهی
مؤمنند!^۶

تثبیت نظام اسلامی
از طریق حادثه
غدیر و...؛ به حادثه
غدیر از دو بعد
می شود نگاه کرد:

اقتدار و عزّت، کار و
حرکت و پیشرفت
دایمی).

- پایه ها و
ستونهای اعتقادی و
انسانی نظام نبوی؛

- پیغمبر اکرم - در
طول ده سال حکومت در
مدینه، یک لحظه فرصت
را هدر نداد؛^۷

- در طول ده سال
مدینه، تمام کارهای
پیامبر - مدیرانه،
هوشیارانه و با
محاسبه صحیح انجام
شد.

سه خصوصیت و خصلت
اصلی یهودیان مدینه
(ثروت مندترین افراد،
روشن فکر بودند، با
خارج از مدینه
ارتباط داشتند).^۸

اولین کار پیامبر -
در مدینه بعد از
ساخت مسجد، ایجاد
وحدت و میثاق و اخوت
میان اقشار مردم
بود.

حراست از نظام اسلامی
بعد از مرحله

شالوده ریزی و
پیریزی، نوبت به
حراست از نظام اسلامی
می رسد در برابر
دشمنان که عبارت
بودند از:

۴. همان، صص ۴۳ - ۴۰.

۵. همان، صص ۴۵ - ۴۴.

۶. همان، صص ۳۶.

۷. همان.

۱. همان، صص ۳۲ - ۳۳.

۲. همان، صص ۳۵.

۳. همان، صص ۳۸.

۱. نگاه مخصوص شیعه که خلافت بلا فصل امیر المؤمنین % بعد از رحلت پیامبر است.
۲. بُعد دوم حادثه غدیر خم، متعلق به تمام فرق اسلامی است: - معرفی امیرالمؤمنی ن علی % به عنوان نمونه کامل انسان طراز اسلام؛ - لزوم پیوند تمام مسلمین با عترت پیامبر- برای جلوگیری از انحراف و تحریف در مفاهیم اساسی؛ - مسئله غدیر نشانه جامعیت اسلام و کامل بودن آن است؛ - مسئله غدیر به عنوان یک دستور الهی، برای معرفی نماد زعامت و رهبری اسلامی در طول تاریخ است.
- فصل دوم: امامت**
در این فصل نیز مطالب بسیار مفید و کلیدی مورد بحث قرار گرفته است که اهم آن از این قرار است: - معنای واژه «امامت»؛ - معنای «امام» و «امامت» از دیدگاه تشیع؛
- توصیف ویژگیهای امامت و امام، در روایت معصومان؛
چهار دوره جریان امامت^۳
دوره اول: سکوت و همکاری امام، بیست و پنج سال میان رحلت پیامبر اکرم- تا آغاز خلافت امیرمؤمنان %.
- دوره دوم:** دوره به قدرت رسیدن امام م، چهار سال و نه ماه خلافت امیر مؤمنان علی % و چند ماه خلافت امام حسن %.
- دوره سوم:** شروع کار نیمه مخفی شیعه، بیست سال فاصله صلح امام حسن % تا حادثه شهادت امام حسین %.
- دوره چهارم:** تعقیب و ادامه مبارزه پنهانی تشکیلاتی در برنامه‌های درازمدت. مهم‌ترین عنصر در زندگی امامان از نیمه دوم قرن اول، مبارزه حادّ سیاسی با هدف تشکیل حکومت علوی بوده است.
- فصل سوم: امیر المؤمنین %**
در این فصل به اصلی‌ترین نکات زندگی حضرت امیر % در ضمن چند دوره می‌پردازد.
دوران ایمان و جهاد^۴
- امیرمؤمنان علی %

۳. همان، صص ۶۷ - ۶۴.

۴. همان، صص ۷۵ - ۷۱.

۱. همان، ص ۵۱.

۲. همان، صص ۵۵ - ۵۲.

- اولین مسلمان در
اوان کودکی.
- جهاد
- امیرالمؤمنین % در
محراب عبادت و
میدانهای مبارزه،
پیش مرگی و از
خودگذشتگی.
- جهاد امیر
المؤمنین% در میدان
حکومت.
- در لحظه ای که
دوران مجنت به پایان
میرسد، آن حضرت از
ایثار جان خود دریغ
نمی‌کند.
دوران سکوت و همکاری^۱
- دوره پس از رحلت
پیامبر- دوران فتنه و
سخت‌ترین دورانها.
- خلافت ابوبکر و
موضع گیریهای امام
علی%.
- ماجرای شورای
شش نفره پس از مرگ
خلیفه دوم.
- ما جرای قتل
عثمان و موضع گیری
امیرالمؤمنین%.
دوران خلافت^۲
- در دوران حکومت
خویش جز اجرای دستور
الهی ملاحظه هیچ کس
را نکرد.
- فصل چهارم : حضرت فاطمه
الزهرا&
در این فصل به
مهم‌ترین نکات و
کلیدی‌ترین مفاهیم
درباره حضرت فاطمه
زهرا& اشاره می‌شود:
& ۱. فاطمه زهرا
مرکز فیوضات الهی؛
۲. علت مقام رفیع
& حضرت فاطمه زهرا
موفقیت در امتحان
الهی است؛
& ۳. فاطمه زهرا
هم‌پایه و هم سنگ
امیرمؤمنان علی%؛
۴. مقام معنوی
& حضرت فاطمه زهرا
فقط برای معصومین
قابل درک است؛
۵. سه ویژگی اصلی
& شخصیت حضرت فاطمه
که به ظاهر غیرقابل
جمع می‌نماید؛
۶. همه ابعاد حضرت
فاطمه زهرا & همراه
با کار و تلاش و
تکامل و تعالی روحی
است؛
۷. شخصیت جامع
الاطراف حضرت فاطمه
زهرا & الگوی زن
مسلمان است؛
فصل پنجم: امام حسن%
در این فصل به
اصلی‌ترین نکات زندگی
امام حسن% اشاره شده

۴. همان، صص ۱۱ - ۱۰۱.
۵. همان، صص ۱۰۷.

۱. همان، صص ۷۴.
۲. همان، صص ۸۰ - ۷۶.
۳. همان، صص ۸۸ - ۸۰.

- است:
۱. صلح امام حسن %
در کل روند انقلاب اسلامی صد ر اوّل، حادثه ای بی نظیر بود؛
 ۲. جریان مخالفت حکومت اسلامی در دوران امام حسن % به اوج خود رسید؛
 ۳. هر کدام از ائمه (به جای امام حسن % بودند، همین تصمیم را می گرفتند. پرشکوه ترین نرمش قهرمانان %
 ۴. اگر امام حسن % صلح نمی کرد، کشته شدن او، شهادت به حساب نمی آمد؛
 ۵. در دوران امام حسن % جریان حکومت اسلامی به نهضت تبدیل شد؛
 ۶. در این دوره، مردم بیش از هر چیز محتاج تفکر و تدبیر در مفاهیم اصیل اسلام و قرآن بودند؛
 ۷. دستگاه تبلیغی معاویه به حدی قوی بود که اگر امام حسن % صلح نمی کرد، خطر از بین رفتن کل اسلام بود؛
 ۸. صلح امام حسن % در حقیقت مکری [الهی] بود در مقابل مکر معاویه، برای بقای شیعه؛
 ۹. تحلیل تازه از
- مسئله صلح امام حسن %؛
۱۰. هدف معاویه از صلح، تبدیل جریان خلافت اسلامی به سلطنت بود؛
 ۱۱. خصوصیت دو جریان حق و باطل، در ماجرای صلح امام حسن % جریان حق، دین برایش از همه چیز مهم تر بود؛ اما جریان باطل، قدرت برایش اصل بود؛
 ۱۲. در جریان حق، «هدف وسیله را توجیه نمی کند» و در تبلیغ از هر روشی نمی توان استفاده کند؛
 ۱۳. فرجام حادثه صلح امام حسن %.
- فصل ششم: امام حسین %**
- در این فصل با پرهیز از بحثهای جانبی، کلیدی ترین بحثها مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتاند از:
۱. دو آفت بیرونی و درونی که همواره نظام اسلامی را تهدید می کند؛^۱
 ۲. اسلام «جهاد» را راه علاج این دو آفت قرار داده است؛
 ۳. نمونه اعلاّی جهاد با این دو آفت،

۱. همان، ص ۱۴۱.

- حرکت امام حسین %
است؛
۴. قیام عظیم
حسینی برای مبارزه
با روحیة راحت طلبی
فسادپذیر، و احیای
روحیة «مبارزه با
ظلم و فساد» در مردم
بود؛
۵. نمونه هایی از
فساد خواصّ جامعه
اسلامی.
- هدف قیام امام حسین%^۱
۱. برخی هدف قیام
امام حسین % را
«تشکیل حکومت
گفته اند. برخی دیگر
«شهادت» را هدف قیام
امام حسین %
دانسته اند؛ ولی هدف
قیام امام نه شهادت
بود، نه حکومت؛ بلکه
هدف انجام واجبی بود
که نه قبل از امام
حسین% پیش آمده بود
و نه بعد از ایشان .
در دوران سایر ائمه ()
نتیجة انجام این
واجب، یا شهادت است
یا حکومت و امام
حسین% برای مواجهه
با هر دو نتیجه
آماده بود.
۲. دو نوع انحراف
ممکن است در جامعه
اسلامی رخ دهد که اگر
باعث تهدید اسلام
- شود، يك حرکت انقلابی
از هر واجبی واجب تر
است.
- در زمان امام
حسین% هم آن انحراف
به وجود آمد و هم
موقعیت مناسب بود .
نسخة كوچك این قیام
در زمان ما توسط
امام راحل! به وقوع
پیوست.
۳. بیان امام
حسین% پیرامون آشکار
شدن آن انحراف في که
اصل اسلام را تهدید
می کرد.
۴. قیام امام
حسین % يك اصلاح و
مصادقي از امر به
معروف و نهی از منکر
بود و فرمان این
تکلیف واجب را از
زبان پیامبر - بیان
کرد . و همین طور
روحیة مسئولیت پذیری
و ظلمستیزی را زنده
کرد.
۵. جمع بندی هدف
قیام امام حسین%.
- فصل هفتم: حرکت زینب کبری
و سفیران کربلا^۲
۱. حماسة زینب
کبری&؛ يك حسین دوم
در پوشش يك زن .
۲. خاندان پیامبر -
در عین مقاومت در
مصائب، مظهر عواطف

۲. همان، صص ۱۶۸ - ۱۶۱.

۱. همان، صص ۱۵۷ - ۱۴۵.

- جوشان انسانی بود. ۳. زینب کبری & کاری کرد که پیروزی ظاهری دشمن، به یک شکست دائمی تبدیل شد.
۴. خطابه حضرت زینب & برای مردم کوفه در حال اسارت.
۵. حضرت زینب & الگوی زنان عصر ما. حرکت امام سجاد% در دوران اسارت
۱. میراثی که از جمع شیعه به امام سجاد% رسید.
۲. حماسه امام سجاد % در اسارت، خصوصاً در کوفه و شام.
۳. چرا رفتار تند و پرخاشگرانه امام سجاد % پس از دوران اسارت تبدیل به ملایمت و نرمش شد؟
- فصل هشتم: شرایط اجتماعی و سیاسی پس از حادثه کربلا**
۱. پس از حادثه کربلا وحشت در میان شیعیان به وجود آمد و مردم مرتد شدند، مگر سه نفر.
۲. فعال شدن تشکیلات شیعه و تلاش برای خون خواهی امام حسین % و بازسازی تشکیلات.
۳. نقش واقعه «حرّه» در تشدید اختناق و رعب میان دوستان و پیروان اهل بیت).
۴. حادثه شهادت مختار نیز منجر به ضعف بیش تر شیعیان شد.
۵. شرحی از اوضاع فاسد مکه و مدینه در این دوره و نمونه هایی از انحطاط اخلاقی این دو شهر.
- فصل نهم: امام سجاد% ۲**
۱. مروری بر جهت گیری کلی حرکت ائمه (در دوره صلح امام حسن% تا قیام امام حسین%).
۲. دو مشکل بعد از حادثه عاشورا: یکی رعب شدید، دیگری فساد فکری، اخلاقی و سیاسی شخصیت‌های بزرگ.
۳. استفاده از زبان زهد و دعا توسط حضرت سجاد% به دلیل اختناق شدید و وضع فکری و اخلاقی مردم.
۴. علت عدم همراهی آشکار امام سجاد% با حرکت‌های مسلحانه و موضع آن حضرت در قبال «مسلم بن عقبه».

۲. همان، صص ۱۹۴ - ۱۸۷.

۳. همان، صص ۱۹۲ - ۱۹۱.

۱. همان، صص ۱۸۲ - ۱۷۵.

- اهداف امام سجاد%
۱. تدریس و انتشار اندیشه درست اسلامی در جامعه.
 ۲. آشنا کردن مردم نسبت به حقانیت اهل بیت) برای منصب ولایت و حکومت.
 ۳. به وجود آوردن تشکیلاتی که محور اصلی حرکت‌های سیاسی آینده باشد.
 ۴. علّت استفاده امام سجاد% از شیوة دعا و موعظه برای انتقال مفاهیم.
- بیانات امام سجاد%
۱. یک نوع از تجلی‌گاه مبارزه سیاسی
- بیانات حضرت سجاد%
۱. خطاب به عامّة مردم است که خود ویژگی‌های دارد.
 ۲. نوع دوم، بیانات حضرت خطاب به عده خاصی است که این ویژگی‌ها را دارد؛ مقصود از آن «کادرسازی» است، که مردم را از گرایش به رفاه در زندگی که به قیمت نزدیک شدن به طواغیت باشد، برحذر می‌دارد و فلسفة امامت و حقانیت امامت اهل بیت (را بیان می‌کند.
 ۳. نوع سوم،
- بیانات امام، دعوت آشکار ایشان برای سازماندهی تشکیلات شیعی است.
۴. نوع چهارم، بیانات حضرت سجاد% که در «رسالة حقوق» جمع آوری گردیده، حقوق اشخاص و افراد را بر یکدیگر و حقوق اعضای انسان را بر انسان بیان می‌کند.
 ۵. نوع پنجم، که حاوی مناجات‌های گوناگون و دعا است، در «صحیفه سجادیه» جمع آوری شده است. تاکتیک آغاز دورة سوم حرکت ائمه^۲
 ۱. علّت عدم تعرّض آشکار امام سجاد% نسبت به دستگاه خلافت.
 ۲. در دوران بنی امیه تعلیم مفاهیم مربوط به شرك، در حقیقت يك تعرّض نیمه آشکار به دستگاه خلافت بود.
 ۳. شرح دو مورد از نامه‌هایی که بین امام سجاد% و عبد الملک ردّ و بدل شد.
 ۴. شعر «فرزدق» نمونه‌ای از تعرّض اصحاب امام سجاد% به دستگاه خلافت بود.
 - برخورد شدید امام سجاد%

۲. همان، صص ۲۱۸ - ۲۱۳.

۱. همان، صص ۲۱۳ - ۱۹۹.

- با علمای درباری
۱. اهمیت زمین‌سازی فکری و ذهنی مردم برای یک جامعه اسلامی.
 ۲. نیاز ستمگران به جعل حدیث و نمونه هایی از جعل حدیث.
 ۳. چند حدیث جعلی از «محمد بن شهاب زهري».
 ۳. موضع گیری کوبنده امام سجاد % در مقابل «محمد بن شهاب» و همة علمای درباری در طول تاریخ.
 ۵. شرح نامه امام سجاد % به «محمد بن شهاب» و جمله تکان دهنده نامه.
 ۶. جمع‌بندی زندگی مجاهدانه امام سجاد %.
- فصل دهم: امام باقر %**
۱. دورة امام باقر % دورة سازندگی و شکل گیری حزبی شیعه؛
 ۲. مبارزة امام باقر % با تحریف در معارف و احکام اسلامی، گسترده تر از گذشته بود؛
۳. امام باقر % شروع‌کننده يك مبارزة فرهنگی، و معنای حقیقی مبارزة فرهنگی، خصوصاً از طریق تشکّل؛
 ۴. گسترش دامنة دعوت امام باقر % به مناطقی از جمله خراسان؛
 ۵. نمونه هایی از موضع گیریهای امام باقر % و یارانش در مقابل جریان وابسته به حکومت؛
 ۶. تحریک عواطف و گرایشهای انقلابی مردم نسبت به فساد قدرتهای مسلط؛
 ۷. رابطه مخفی و پیوستگی تشکیلاتی امام باقر % با یاران نزدیک؛
 ۸. ماجرای «جابر بن یزید جعفی» مصداقی از پیوستگی تشکیلاتی امام باقر % با یاران؛
 - احضار امام باقر % به شام
 ۱. اهداف «هشام» از احضار امام باقر % به شام در اواخر عمر حضرت.
 ۲. شرح حوادث مجلس هشام و عکس العمل امام باقر % و زندانی شدن آن حضرت.
 ۳. روشنگری امام باقر % در راه بازگشت

۱. همان، صص ۲۲۸ - ۲۲۰.
۲. همان، صص ۲۲۵.
۳. همان، صص ۲۲۸.
۴. همان، صص ۲۴۱ - ۲۳۱.

- به مدینه. ۴. پرهیز امام باقر % از درگیری آشکار و مسلحانه با قدرت حاکم و تکیه بر کار فرهنگی و فکری. ۵. شیوه های امیدبخش امام باقر % در برخورد با یاران نزدیک، نمایان گر نزدیکی آینده پیروزمندانة شیعه است. ۶. نقشه افشاگرانه و تقیّه آمیز امام باقر % پس از مرگ، تداوم نوزده سال مبارزه آرام و عمیق. گسترش دعوت شیعی از کانالهای عظیم ش بکه تبلیغاتی جهانی آن روز. فصل یازدهم: اواخر حکومت بنی امیه و امامت امام صادق %^۱
۱. شرح اوضاع نابسامان کشور اسلامی در این دوره، مثل فساد و دنیاطلبی رجال روحانی، قضات، محدثان و مفسران جامعه اسلامی.
 ۲. اصلی ترین وظیفه امام صادق % در این دوره، مبارزه با تحریف است.
 ۳. راز طولانی بودن جریان نهضت امامت و
- امیددهی حضرت صادق %.
- شرح زندگی امام صادق % در هاله ای از ابهام^۲
۱. دو علت اصلی ابهام در شرح زندگی امام صادق % در سالیان آغاز امامت: یکی پنهان کاری حضرت و دیگری تاریخ نویسی با صبغه عباسی است.
 ۲. تنها راه آشنایی با خط کلی زندگی امام صادق %.
- فصل دوازدهم: امام صادق %^۳
۱. شرح نقشه امام صادق % برای برپایی حکومت اسلامی و اینکه حضرت قرار بود قائم آل محمد- باشد.
 ۲. در دوره بنی امیه، مبارزات امام صادق % ب دون تقیّه بود؛ اما در دوره بنی عباس امام با تقیّه عمل می کرد.
 ۳. مقایسه دو دوره متفاوت در زندگی امام صادق % قبل و بعد از خلافت منصور.
 ۴. جعلی بودن روایاتی که بیانگر تذلل امام صادق % در مقابل منصور است.
 ۵. نمودارهای مهم و برجسته زندگی امام صادق %.

۲. همان، صص ۲۵۸ - ۲۵۷.

۳. همان، صص ۲۶۷ - ۲۶۱.

۱. همان، صص ۲۵۸ - ۲۵۳.

- دعوت امام صادق% به امامت
 ۱. حضرت در این زمینه اولاً به طور صریح و آشکار حکام زمان خود را نفي کرد؛ ثانياً پدران خود را به عنوان امامان حق معرفی نمود و ثالثاً خود را به عنوان امام حق معرفی فرمود.
 ۲. اداره شبکه تشکیلاتي گسترده در سراسر کشور اسلامي، شاهدي بر فعاليتهاي تبليغاتي گسترده امام صادق% با حفظ پايبندی به اصل تقيّه.
 تبليغ و بيان احكام دين به شیوه فقه شيعي
 ۱. ظهور عنوان «فقه جعفري» و تعرض آمیز بودن مفهوم آن نسبت به دستگاه عباسي و علت آن.
 ۲. تهديد و فشار دستگاه خلافت عباسي نسبت به بساط علمي و فقهی امام صادق % شاهدي بر معارضه آمیز بودن فقه جعفري.
 ۳. اشاره واضح بر بي نصیبي خلفا از دانش، در آموزه هاي امام صادق%.
 ۴. محدوديتهايي که خلفاي عباسي براي
- امام صادق % ايجاد کردند.
 فصل سیزدهم : تشکيلات پنهاني
 ۱. تشکيلات به معني جمعيتي از مردم است که با يك قلب تپنده در ارتباط نزديک اند.
 ۲. اولین ظهور تشکيلات شيعي در زمان امير المؤمنین % بوده است.
 ۳. دوره امام حسن %؛ آغاز سازماندهي گسترده تشکيلات پنهان شيعي.
 ۴. مشروح توصيه امام حسن % در زمينه حفظ تشکيلات شيعي به ياراناش.
 ۵. نمونه هايي از ثمرات فعاليتهاي پنهاني شيعه، بيست سال پس از صلح امام حسن%.
 ۶. تاريخچه پيدایش نام «شيعه» و ويژگي آن.
 فصل چهاردهم: امام کاظم%
 ۱. کاوش در زندگي امام کاظم % بدون در نظر گرفتن خط جهاد مستمر سي و پنج ساله ايشان، کار ناقص و ناتمام است.
 ۲. دوران اوج قدرت و فشا ر بني عباس و

۲. همان، صص ۲۸۴ - ۲۷۹.

۳. همان، صص ۲۹۲ - ۲۸۹.

۱. همان، صص ۲۷۰ - ۲۶۷.

- موضع گیریها و وقایع مهم زندگی امام کاظم % .
۳. جهاد امام کاظم % در اقدامات متفاوت، متناسب با مختصات زمان بود، از جمله استفاده از تقیّه .
۴. بعد از دوران امام سجاد % هیچ دورانی به سختی دوران امام کاظم % نبود؛ زیرا چهار خلیفه عباسی، فشارهای سختی بر آن حضرت وارد نمودند و برای کشتن ایشان چندین بار توطئه کردند .
۵. شکست طرحهای مزورانه «هارون الرشید» مثل احترام ظاهری، یا برگرداندن فدک، و ناچار شدن هارون از دستگیری، زندان و قتل امام کاظم % .
- فصل پانزدهم: امام رضا %**
در این فصل نیز به نکات مهمی چون:
۱. تداوم مبارزه، علت طرح ولایتعهدی تدبیر حکیمانه امام رضا % در مقابل نقشه هوشمندانه و خطرناک مأمون، و شکست تمام توطئه های مأمون اشاره می شود .
۲. بیان شش هدف خطرناک مأمون .
۳. بهره برداری اصلی امام رضا % از ماجرای ولایتعهدی، اعلام آشکار امامت شیعه بود .
۴. یک سال پس از ولایتعهدی، اوضاع برعکس آن چیزی شد که مأمون می خواست .
۵. در نهایت، شکست تمام تدابیر مأمون و توسل او به شیوة قتل حضرت .
- فصل شانزدهم: امام جواد، امام هادی و امام حسن (عسکری)**
۱. امام جواد %، بنیانگذار «بحث آزاد» در شیوه های مبارزه و هوشیار کردن مردم نسبت به حيله، ریاکاری و نفاق قدرتها .
۲. گسترش نفوذ شیعیان در اقصا نقاط کشور اسلامی، در دوره امام هادی % .
۳. تلاش حکومت عباسی برای مقابله با امام هادی % از دوران کودکی، و دعوت او به مجلس شراب برای شکستن قداست او

۲. همان، صص ۳۱۱ - ۲۰۹ .

۳. همان، صص ۳۴۰ - ۳۲۱ .

۱. همان، صص ۳۱۸ - ۳۰۷ .

مهدوي، مانع یأس و نومیدي ملتھاي دنيا در راه مبارزه عليه دستگاہ هاي ظلم و استکبار.
 ۷. لزوم ارتباط عاطفي، معنوي و روحي با امام زمان (عج).

و تبديل مجلس شراب به مجلس معنويت توسط امام %.

۴. عظمت شبکه تبليغاتي و تعليماتي اين سه امام بزرگوار و نتايج کار آنان.
فصل هفدهم : غايت حرکت انسان ۲۵۰ ساله

۱. اصل مهدويت مورد اتفاق تمام مسلمانهاست ؛ ولي در اعتقاد شيعيان ويژگيهاي وجود دارد.
۲. وجود مقدس حضرت بقیة الله (عج) استمرار حرکت نبوتها و دعوتهاي الهي است.
۳. معنای فرج، و معنای صحیح انتظار.
۴. خصوصیات جامعه مهدوي در روایات : عزیز شدن اولیا، ذلیل شدن دشمنان خدا، بالا رفتن سطح اندیشه انسان، تسخیر طبیعت، تقدّم فضیلت و اخلاق، آبادي تمام نقاط، و نابودي فقر.
۵. انقلاب ایران، موجب تسريع در ظهور حضرت مهدي (عج) و تکليف ملت ايران بعد از انقلاب (نزدیک شدن به امام زمان (عج)، جامعه سازي و...).
۶. ترسیم جامعه

۱. همان، صص ۳۴۸ - ۳۳۴.

پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراح کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی‌تر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

۱. این روایت از کیست؟ «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَذْرَكُهُ رِزْقُهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ»

الف. پیامبر اکرم - ب. امام علی%

ج. امام صادق%

۲. چنانچه مسافر در سفر نماز خود را طبق وظیفه دو رکعت خواند و وقتی به وطن برگشت ملاحظه کرد که هنوز وقت هست

الف. لازم نیست نماز را دو مرتبه بخواند

ب. لازم است نماز را دو مرتبه بخواند

ج. احتیاط کند و دو مرتبه نماز بخواند

۳. هنگام خواندن نماز، اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند ؛ ولی اگر کلمه ای را که وقف کردن آخر آن جایز است و همیشه بر آن وقف می‌کند، یاد گرفتن زیر و زبر آن

الف. باید یاد بگیرد - لازم است

ب. لازم نیست یاد بگیرد - لازم نیست

ج. باید یاد بگیرد - لازم نیست

۴. کدام آیه از قرآن کریم، پاسخی است به اعتقاد برخی که می‌گویند همه ادیان و مذاهب گرچه باطل باشند، رگه‌ای از حقیقت در آنها موجود است.

الف. [إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ]

- ب. [إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ]
ج. [وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ]
5. جمله «يُرِيدُ اللهُ» در آیه شریفه [إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً] اشاره دارد به اراده خداوند متعال.
الف. تکوینی
ب. تشریحی
ج. تکوینی و تشریحی
6. سفرهای مباح و حلال چنانچه باشد، خمس بر آنها تعلق
الف. سفر حرام - میگیرد
ب. به مقدار متعارف - نمیگیرد
ج. لازم و ضروری - میگیرد
7. آیه شریفه [وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ] اشاره به کدامیک از آثار اخروی احسان دارد؟
الف. بهترین توشه آخرت
ب. پرمفعت ترین معامله
ج. محبوبیت
8. برخورد ائمه در مواجهه با مسئله غلو چگونه بود؟
الف. بیان عقاید صحیح
ب. انزجار شدید خود از عقاید غلو آمیز
ج. هر دو
9. امام صادق % میفرماید: که اشاره به یکی از رفتارهای مؤمنان با فرد دروغگو دارد که آن «عدم رفاقت با دروغگو» است.
الف. «لَا تُشَاوِرْ أَحْمَقَ وَ لَا تَسْتَعِنْ بِكَذَّابٍ»
ب. «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُوَآخَاةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ يَكْذِبُ حَتَّى يَجِيءَ بِالصِّدْقِ فَلَا يُصَدِّقُ»
ج. «لَا زَائِيَ الْكَذُوبِ»
10. علامه طباطبائی (ذیل آیه شریفه [إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا] در تعریف کلمه «موقوت» می نویسد:
الف. موقوت به این معناست که نماز یکی از اصلی ترین آموزه های دین است.
ب. موقوت، کنایه از عدم ثبات و عدم تغیر است.
ج. موقوت، اشاره به اینکه نماز فریضه ای است، دارای وقت.
11. این جمله از کیست؟ «فاطمه زهرا & يك شخصیت برجسته و بزرگ و طراز اول اسلامی است؛ در حقیقت يك شخصیت طراز اول در طول تاریخ بشر است.»
الف. امام خمینی!
ب. مقام معظم رهبری >
ج. شهید مرتضی مطهری)
12. اگر در جایی قرار گرفته ایم که به هیچ وجه قبله را نمیتوانیم تشخیص دهیم باید
الف. به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنیم.

ب. احتیاط کنیم و به چهار طرف نماز بخوانیم.
ج. به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنیم و اگر ممکن نیست، احتیاط کنیم و به چهار طرف نماز بخوانیم.

13. فخر رازی در تفسیر آیه تطهیر می‌گوید:
الف. اهل بیت عبارتند از فرزندان و همسران پیامبر و حسن و حسین و علی.
ب. مقصود از اهل بیت، زنان پیامبرند.
ج. منظور، خویشاوندان نسبی پیامبر از بنی هاشم هستند.

14. فرمایش امام سجاده% در دعای مبارک الأخلاق که می‌فرماید: «وَ اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَ اِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي»، اشاره به کدامیک از موانع احسان و نیکوکاری دارد؟

الف. منت و آزار
ب. بزرگ نشمردن کارهای نیک
ج. عدم بخشش اموال بی‌ارزش

15. از نظر صاحب کتاب «انسان 250 ساله» یکی از مهم‌ترین اهداف ائمه)..... می‌باشد.
الف. تبیین اسلام به شکل درست و صحیح و تفسیر حقیقی قرآن

ب. مبارزهٔ حادّ سیاسی با رژیم‌های طاغوتی
ج. انزوای خلفا و بیان خصوصیات امام و حاکم

باسخنامه مجلهٔ مبلغان شماره ۱۷۶

۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۵	۴	۳	۲	۱	۰											ال
																ف
																ب
																ج

نام : نام خانوادگی :
کد یا
شماره پرونده :
آدرس:

.....
.....
.....
.....
.....



.....
.....
.....
.....
.....



بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان) مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۲/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۱/۰۰۰ تومان می باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را

تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.

۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.

نشانی فرستنده:

.....
.....
.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:
اینجانب: مبلغ: ریال
طی فیش شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای
دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتیم.

از این قسمت تا بزنید ↙

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸
معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه
ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید ↗ لطفاً با چسب بچسبانید